

اعدام

«ابزار حاکمیت ملایان»

به مناسبت روز جهانی لغو حکم اعدام



**اعدام**  
**«ابزار حاکمیت ملایان»**  
**به مناسبت روز جهانی لغو حکم اعدام**

نادر رفیعی نژاد، وکیل دادگستری

انتشارات امیرخیز - اشرف

چاپ اول تابستان ۱۳۸۴

بها: معادل ۸ دلار

## فهرست

|     |  |
|-----|--|
| ۵   | مقدمه  |
| ۹   | اعدام ابزار حاکمیت ملایان                    |
| ۲۱  | اعدام ظالمانه و غیرمتعارف                    |
| ۳۷  | فعالیتها برای لغو حکم اعدام                  |
| ۵۱  | افشاگریهای مقاومت ایران علیه مجازات اعدام    |
| ۶۱  | سرزمین قتل‌های قانونی                        |
| ۹۹  | اعدامها را متوقف کنید                        |
| ۱۲۷ | چند گزارش تکانه‌دهنده در مورد اعدام نوجوانان |
| ۱۳۹ | زندانیان سیاسی یا «قاچاقچی مواد مخدر»        |



## مقدمه

اشتهای سیری‌ناپذیر رژیم ولایت‌فقیه، برای حلق‌آویز زنان و مردان و به‌خصوص جوانان، در مقابل چشمان وحشت‌زده شهروندان هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. به‌تازگی سازمان مجاهدین خلق، فیلم تکانه‌دهنده‌یی از صحنه حلق‌آویز سه جوان ایرانی در شهر خرم‌آباد را به‌طور مخفیانه از ایران خارج کرده است. این فیلم که تاکنون در دهها شهر اروپا و آمریکا به نمایش درآمده، وجدان انسانی را از جنایتها و شدت قساوت آخوندها به شدت منقلب و جریحه‌دار می‌کند. چندی قبل نیز مجاهدین یک نوار ویدئویی از صحنه شقاوت‌بار سنگسار سه قربانی را از ایران خارج کرده و آن را در سطح جهانی افشا نمودند. کتاب حاضر، اطلاعات پایه‌یی مربوط به اعدامهای علنی و اعلام شده طی یک دوره ۱۴ ماهه در ایران و نیز افشاگریهای متقابل مقاومت ایران را گردآوری کرده و در اختیار پژوهشگران و فعالان حقوق‌بشر قرار می‌دهد.

این که چگونه این رژیم به خود جرأت می‌دهد در قرن بیست‌ویکم، در برابر انظار بین‌المللی و به‌رغم ۵۱ بار محکومیت در ملل متحد، دست به چنین جنایتهای کثیف و شقاوت‌باری بزند، خود بحث جداگانه‌یی است که بهتر است پاسخش را از «تروییکای اروپایی» که حامی و شریک اصلی تجاری این رژیم و مبتکران سیاست‌مماشات و گفتگوی حقوق‌بشر! با آدمخواران حاکم بر ایران است، جویا شد.

و چرا این اعدامهای ضد انسانی را در زندانها و دور از انظار مردم انجام نمی‌دهد؟ رژیم

آخوندی در این رویکرد ضدبشری که تنها و تنها مختص خود این رژیم بوده و در چنین ابعادی در هیچ کشوری سابقه نداشته و ندارد، سلاحی را به خدمت گرفته که بسیار فراتر از سرکوب استبدادی است. این سلاح در یک کلام، به‌مهمیز کشیدن و منکوب کردن عنصر انسانی و مرعوب‌ساختن جامعه به‌گونه‌یی است که حتی بازیافت و بازتاب معمول انسانی خود را نیز از دست بدهد.

۲۶ سال از حاکمیت خونریز این رژیم می‌گذرد. اما با این همه دو چیز هرگز و هرگز در این رژیم تغییری نکرده و نخواهد کرد، یکی «صدور تروریسم و بنیادگرایی» و دیگری «سرکوب». این دو اهرم، به‌مثابه دو پایه اصلی و دو عنصر مبنایی رژیم ولایت‌فقیه هستند. بنابراین خواه شیادی مثل خاتمی با شعار اصلاح‌طلبی وارد صحنه شود و خواه باند سرکوبگر دیگری تحت نام اصولگرایی سردمدار رژیم گردند، در هر حال، رژیم ولایت‌فقیه، هرگز دست از «سرکوب» و «صدور تروریسم و بنیادگرایی» بر نخواهد داشت و این دو عنصر، مرز سرخ و فصل مشترک همه باندها و جناحهای درونی این رژیم را تشکیل می‌دهد.

سؤال دقیقتری که ما را به قلب بحث می‌برد این است که اعدام شاخص اصلی سرکوب است، اما چرا اعدام در خیابان؟ چرا اعدام درملاءعام؟ چرا اعدام در میدانهای شهرها؟ چرا اعدام با جراثقال؟ چرا نگهداشتن اجساد بر بالای دار؟ چرا اعدام در برابر چشمان وحشت‌زده مردم؟ چرا اعدام در حضور همسر و فرزندان اعدامی؟ راستی چرا رژیم قربانیان خود را در همان زندانها و دور از چشم دیگران، اعدام نمی‌کند؟

این سؤالها، ما را به خصلت منحصر به فرد سرکوب آخوندی راهنمایی می‌کند، چیزی که در هیچ رژیم‌یی در این دنیا نمونه ندارد. آخوندها به این وسیله مردم ایران و کل جامعه را به گروگان گرفته و آنها را مرعوب و منکوب می‌کنند. با نمایش روزمره اجساد بر بالای دار، رژیم ضدبشری، جو رعب و وحشت را تا اعماق جامعه رسوخ می‌دهد. آنها بدین وسیله مردمی را که خواهان آزادی و به‌دست گرفتن سرنوشت و حاکمیت ملی در دست خودشان هستند، مرعوب می‌کنند و با کشتن عنصر انسانی و روح آزادیخواهی، مانع ستیزه‌جویی و حق‌خواهی مردم شده و حکومت قرون‌وسطایی خود را به آنان تحمیل می‌کنند. به این ترتیب در شرایطی که دنیای معاصر، به سوی لغو حکم اعدام پیش می‌رود، رژیم آخوندی به بهانه جرائم اجتماعی، هرچه بیشتر بر اعدامهای سفاکانه اجتماعی می‌افزاید.

رژیم طی سالهای گذشته نیز با تکیه بر این اهرم، تلاش کرد تا آن‌جا که ممکن است، جامعه را ببندد، از انتقال آثار مقاومت سازمانیافته بر موج مقاومت اجتماعی بکاهد و سد

و مانعی در مقابل خیزشهای مردمی در شهرها ایجاد کند. این همان رمز اصرار رژیم بر اجرای اعدامهای جنایت‌بار خیابانی و اعلان خبرهای آن است که همزمان با اوج گرفتن اعتراضات اجتماعی از یک‌سو و ضعف و تلاشی درونی رژیم از سوی دیگر، برابعد آن افزوده می‌شود.

کتاب حاضر که به افشای استفاده رژیم آخوندها از اعدام به‌مثابه یک ابزار دوام حکومت و بقای سیاسی اختصاص دارد، در ۷ قسمت تنظیم شده است. قسمت اول مروری است به سیر تکوین حقوق بشر، سابقه تاریخی استفاده از «اعدام» و فاصله گرفتن تدریجی از آن در عصر جدید، بررسی کارشناسانه درباره جرم و جایگزین شدن تلقی اجتماعی به جای تلقی فردی، نقش حاکمیت در جرایم حاد اجتماعی و بالاخره چالش قرن بیستم با حکومت‌های دیکتاتوری درباره اعدام، حرکت دنیای معاصر به سوی لغو حکم اعدام و سیر معکوس آن در رژیم آخوندی.

قسمت‌های بعدی کتاب به فعالیتهای مقاومت برای لغو حکم اعدام و سپس گزیده‌یی از افشاگریها و اطلاعیه‌های شورای ملی مقاومت و با ارائه جدول آماری، تصویرها و گزارشهای مختلف، درباره اعدامها اختصاص یافته و سرانجام به واقعیت اعدام مخالفان رژیم و زندانیان سیاسی به‌عنوان قاچاقچی یا مجرمان عادی پرداخته است.





## اعدام، ابزار حاکمیت ملایان

برای سنجش حقوق بشر اگر ملاک و معیار را آزادیها و رعایت حرمت‌های انسانی قرار دهیم، نظام فاسد آخوندی از روز تأسیس و قبضه قدرت، بی‌تردید ناقض حقوق بشر و درگیر جنگی هولناک و همه‌جانبه با آن بوده است. جامعه ایران، به‌عنوان مردمی محصور در یک محدوده جغرافیایی، از دیرباز اسیر حکومت‌های استبدادی بوده است و حقوقشان چه به‌عنوان پیکره‌ی اجتماعی و چه به‌مثابه آحاد انسانی دستخوش تاخت‌وتاز و ایلغار بوده و دنیایی عاری از فقر و عاری از ترس و جهل به‌عنوان سه شاخص برای احراز هویت انسانی، همواره یک ایدآل و چشم‌انداز پرشور آرمانی در حسرت جامعه ایرانی جای داشته است.

اما آرزوی دنیایی فارغ از ترس، جهل و فقر، رؤیای بسیاری جوامع دیگر در کره خاک نیز هست، با یک تفاوت: آن‌چه بشریت پیموده، مسیری است به‌سوی تحقق این رؤیا و آن‌چه مردم ما سپری کرده‌اند، با تحیر و تأسف بسیار یک واقعه تاریخی دردناک به قهقرا و تحمل سم ستوران نظام آخوندی بوده است. آن‌چه را رنج‌های مردم ما و تلاش بی‌وقفه‌شان طی دهه‌ها و سده‌های متمادی به‌بار آورد، رژیم ملاحا یکسره به قرون وسطی برد. تا آن‌جا که حکومت‌های دیکتاتور و خونریز گذشته و جاهت یافته‌اند.

سیر شناسایی و تکوین حقوق بشر که به اندازه عمر انسان قدمت دارد با پرداخت

بهای گزاف و با صعوبت بسیار پیش رفته است. این مسیر را با بررسی اصلیتین حق مسلم انسانی، «حق حیات» و نقض آن «اعدام» می توان شاهد بود. چرا که در دست حاکمان جهان، نقض حق حیات و استفاده از اعدام سابقه تاریخی ممتدی دارد. اگر امروز در فرهنگ و عرف حقوقی و حقوق بشری بسیاری از کشورها، اعدام به عنوان «مجازات ظالمانه و غیرمعمول» شناخته و محکوم شده است، برای هزاران هزار سال، اعدام هم چون حقوق مسلم حاکمان و به عنوان قانون ابدی و لایزال سایه سنگینی بر بشریت تحت حاکمیت! داشت. اما تداوم این پدیده شوم که به صورت یک ماشین کشتار هرروز در جای جای میهن ما سالب حیات و حق زندگی است، دستمایه سران حکومتی است که حیات خود را در مرگ دیگران یافته اند. از این جهت مرگ برای آنها موجب حیات و سرآغاز سؤاستفاده های بیشمار از واژه های فرهنگی و مذهبی توده مردم ایران است!

این وارثان شوم مرگ که «اعدام» را هم چو میراث توحش و بربریت به هزاره سوم و قرن بیست و یکم کشیده اند در دستگاه فکری و عملی آلوده شان از پشتوانه قرنها سببیت برخوردارند. توحشی که ابزار توجیه این ستمگری حکومتی را برایشان فراهم می کند.

### حذف فیزیکی پدیده اجتماعی - تاریخی

سلب حیات انسانها و در حقیقت و جامعیت تعریف، سلب حق حیات انسان، از دیرباز مورد استفاده و سؤاستفاده همه حاکمان تاریخ بوده است. ماندگاری این پدیده شوم از بربریت تا این برهه از زمان مرهون استفاده کارکردی آن توسط صاحبان قدرت و مکنت است. بهانه ها برای استمرار آن بسیارند، بهانه هایی که امروزه نیز وسیله سؤاستفاده آخوندهای حاکم است.

در طول تاریخ، استفاده از اعدام یکی از سهلترین راهها برای نظامهای مختلف حکومتی بود تا از یکسو با به کار بردن آن، در جامعه ایجاد وحشت کنند - این وحشت و ترس مدام، کار حکومت کننده را تسهیل می کند - و از دیگر سو، با تعدد سیاهه جرائم منجر به مجازات اعدام، به تسویه حساب با مخالفان روی آور شوند. به همین خاطر موجبات اعدام را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد:

- اعدام و حذف فیزیکی به عنوان مجازات و پاسخ به جرم قتل

- حذف فیزیکی به عنوان مجازات و پاسخ به جرائم ضد اجتماعی دیگر...  
- اعدام و حذف فیزیکی به عنوان مجازات در برابر اعمال ارتكابی فرد که زیانهای سراسری دارد.

نزد جوامع گوناگون در دورانهای گذشته جرائمی که با مجازات اعدام روبه‌رو بود ابتدا خصلت اجتماعی داشت. مجازات اعدام پاسخی به جرم انجام شده در دفاع از جامعه به حساب آمده و مشروعیت می‌یافت. یک دلیل دیگر نیز ورد زبان حاکمان بود، مجازات شدید در کنار «پاسخ به جرم» موجد بازدارندگی از ارتکاب جرم در سطح جامعه تلقی می‌شد و تضمینی برای کاهش میزان جرائم که در کمترین حد تأثیرش تمایلات به ارتکاب جرم را از بین ببرد. بنابراین حاکمان به دو فایده «اعدام!» در مقابل جرائم اجتماعی از جمله قتل و... به سرعت پی بردند، «مشروعیت» و «بازدارندگی». دقیقاً از همین نقطه هم اعدام و حذف فیزیکی برای حکومت‌کنندگان، استفاده ابزاری یافت. حاکمیت برای بقا خودش، نیاز به خاموش کردن مخالفان داشت، سریعترین راه برای خاموشی همیشگی مخالف و مخالف‌خوان، خاموش کردن فیزیکی و بدنی او است. اعدام به این ترتیب توسط قدرت حاکم به صورت ابزاری برای حفظ حکومت مورد استفاده وسیع قرار گرفت. اعدامها بازدارنده بودند. مخالفان حکومت را قلع و قمع می‌کردند و به سایر آحاد و افراد جامعه هم پیام بازدارنده خاص خود را منتقل می‌کردند. همان چیزی که رژیم خمینی به‌وفور از آن سود جست، در تابستان سال ۱۳۶۰ محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه ضدمردمی خطاب به پاسداران جمله‌یی به این مضمون را به‌عنوان رهنمود گفت: «ماشین اعدامها را راه‌اندازی کنید، ترور خودش پا در خواهد آورد» هدف کشتار و حشیانه مجاهدین بعد از سی‌خرداد ۶۰ این بود که هم دهانهای مخالفان را می‌بست و هم پیام وحشت به توده‌های مردمی می‌داد که پا در این راه پرخطر که عاقبتش اعدام است، نگذارند. برای حاکمیت آخوندی که خود را مدعی اسلام وانمود می‌کرد تا دین را به صورت حربه‌یی علیه مردم به کار گیرد، جواز اعدام مجاهدین به‌معنای دست‌باز پاسداران و شکنجه‌گران برای هر اقدام جنایتکارانه دیگری در سطح جامعه بود (۱). اما اعدام

پاورقی

(۱) در سال ۱۳۶۰ آخوندرفسنجانی که رئیس مجلس ارتجاع بود رسماً طی سخنرانی خود اعلام کرد: «چهار حکم بر اعضای اینها لازم الاجراست: ۱- کشته شوند ۲- به‌دار آویخته شوند ۳- دست و پایشان قطع شود ۴- از جامعه جدا شوند».

گرچه به‌طور گذرا ممکن است کاربرد داشته باشد ولی حکومت ترور و وحشت قابل دوام نیست چرا که هیچ‌یک از دو دلیل آن صحت قطعی نداشت. نه مشروعیت اعدام به‌عنوان مجازات جرم تداوم یافت و نه بازدارندگی آن.

## جهان پس از قرون وسطی، دوران رهایی از اعدام!

از حدود دویست سال پیش، در روند بلوغ عصر روشنگری در مقابل جهل و خرافه قرون وسطی، بسیاری از باورهای کهنه و متحجر رنگ باخت از جمله در زمینه حقوق، مفاهیمی مثل جرم و مجازات نیز مشمول تحول شدند. در زمره پدیده‌های قرون وسطایی حاکم بر جوامع، شیوع مجازات اعدام بود. اعدام از پاسخی به جرائم اجتماعی (قتل و...) به حربه‌یی برای پاسخگویی سیاسی تبدیل شد و به‌طور وسیعی مورد استفاده بود. سوزاندن ژاندارک و بسیاری دیگر همانند او، آن‌هم به جرم مقاومت در مقابل حکومت امری رایج بود که عصر روشنگری آن را برنمی‌تایید. «اعدام» به‌مثابه شیوه‌یی قرون وسطایی در دست حاکمان و حکومت‌های مطلقه و دیکتاتوری، به‌زودی به موضوع بررسی‌های علمی دانشمندان تبدیل شد آنها از طریق مطالعه علمی اثبات کردند که ازدیاد اعدام تأثیری بر میزان جرائم در جامعه ندارد و از قضا در بسیاری از جوامع که اعدام در آن منسوخ شده میزان خشونت‌های اجتماعی نیز کاهش یافته بود.

## حکومت‌های استبدادی و حکم اعدام

از آن‌جاکه تحولات در زمینه حقوق و قانون کندتر از سایر زمینه‌ها صورت می‌پذیرد، به بیش از صدسال زمان نیاز بود تا مجازات «اعدام» به چالشی قطعی کشیده شود. در این راستا نه‌تنها عملکرد حکومت‌های قرون گذشته بلکه پراتیک دولتهای حاکم در قرن بیستم مورد بررسی آماری قرار گرفت که حاصلش فاصله‌گرفتن کشورهای غیر استبدادی یا دموکراتیک از اعدام‌ها، و اصرار حکومت‌های استبدادی بر بقا و حفظ مجازات اعدام بود. به این ترتیب نه‌تنها باور دامن زده شده توسط تفکرات قرون وسطایی مبنی بر تأثیرگذاری اعدام بر کاهش میزان جنایات رنگ باخت، بلکه

تحقیقات اجتماعی و قضایی عکس آن را اثبات کرد. اصرار حکومتها بر تداوم مجازات اعدام نه ناشی از «منافع اجتماعی» (کم شدن جرم و...) که دقیقاً ریشه در «منافع حکومتها» دارد، حکومتهای دیکتاتوری با توسل به اعدام، حتی اعدام مجرمان عادی، زمینه‌های رعب و وحشت اجتماعی را فراهم می‌کنند و از این طریق مردم مرعوب شده در اثر اعدامها جرأت مخالفت با اساس حاکمیت را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر رژیم دیکتاتوری آخوندی با اعدامها این پیام را به توده‌های مردم می‌دهد که هم‌چنان ظرفیت بالای خونریزی و کشتار در دفاع از حاکمیت را داراست. جدا از آن که آخوندها کشتار و حذف فیزیکی مخالفان را به صورت بی‌واسطه و مستقیم هم به نمایش می‌گذارند. بنابراین علاقمندی رژیم به اعدامهای خیابانی و مجازاتهای وحشیانه بیش از آن که ریشه در مقابله و مبارزه با جرائم اجتماعی داشته باشد، برخاسته از تلاش کارگزاران رژیم در مقابله با خیزشها و مقاومت‌های مردمی است، در حقیقت با هر اعدام خیابانی رژیم این پیام را برای مردم تکرار می‌کند که وقتی در مقابل یک جرم عادی که ضرری به حکومت ندارد بساط دار و اعدام برپاست، تردیدی در رفتار خشونت‌بار با مخالف سیاسی نخواهد کرد. چرا که مخالف سیاسی تبلور جرأت و پتانسیل جامعه در نفی حاکمیت است، لبه تیز حذف و کشتار به این دلیل بیش از همه مخالف سیاسی را نشانه رفته است که مخالفت‌های سیاسی به سرعت بر بستر مسائل و مشکلات اجتماعی رشد کرده و سازمان سیاسی مخالف را از پایگاه مردمی برخوردار می‌کند. از این جهت اعدام چنان چهره رعب‌آوری از حکومت نشان می‌دهد که شهروند عادی جرأت نزدیک شدن به فعالیت سیاسی سازمان سیاسی - را نیابد (۲).

#### پاورقی

۲) رئیس وقت دیوانعالی کشور، رژیم آخوند محمدی گیلانی طی نطقی که از رسانه‌های خبری پخش شد، در مورد مجاهدین و کسانی که با آنان همکاری می‌کنند گفت: «کشتن به شدیدترین وجه، حلق‌آویز کردن به فصاحت‌بارترین حالت ممکن، دست راست و پای چپ آنان بریده شود، در کنار دیوار همان جا آنها را گلوله بزنید از نظر فقهی لازم نیست به محاکم صالحه بیاورید... اسلام اجازه نمی‌دهد که بدن مجروح این افراد به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کش شوند اگر زیر تعزیر آنها جان هم بدهند کسی ضامن نیست که عین فتوای امام است...» (کیهان، ۲۹ شهریور ۶۰ و جمهوری اسلامی، ۲۸ اردیبهشت ۶۱) آخوند گیلانی کسی است که چنین حکمی را در مورد دو فرزند مجاهد خودش نیز روا می‌دانست!

## جرم پدیدہ‌ی اجتماعی است

از قرن هجدهم تصور و تفکر جدیدی در مورد جرم به عنوان یک پدیده و بلیهٔ اجتماعی مطرح گردید و باورهای کهنه قرون وسطی را درهم ریخت. جرم دیگر ارتکاب عملی از جانب یک فرد بدطینت نیست، جرم همانند مجرم، قبل از هر چیز معلول و محصول جامعه است. براین اساس، پاسخگویی جرائم صرفنظر از مسئولیت فردی که جای خود دارد، به عهده جامعه است، جرم یک فنومن اجتماعی است، معضلی است ناشی از دردهای اجتماعی که به طور قانونمند در ضعیفترین لایه‌ها و حلقه‌های جامعه به رفتار جرم‌گرایانه تبدیل می‌شود. از این جهت باید از سوی جامعه بهای مکفی بر اصلاح مجرم و بازگرداندن او به جامعه مبذول داشت. حذف فیزیکی مجرم و اعدام به شیوهٔ قرون وسطا راه‌حل نیست. نادیده گرفتن نقش اصلی جامعهٔ جرم‌زا در پرورش مجرم و ازدیاد جرم در سطح جامعه است، در حقیقت مجازات مجرم، بدون ریشه‌یابی اجتماعی و سیاسی آن، به جامعه در قبال جرم مصنوعیتی نمی‌دهد، بلکه فرصت و فرجهٔ بقا دادن به محیط و سیستم جرم‌زای سیاسی و اجتماعی هم هست. به این ترتیب وقوع هر اعدام در هریک از شهرهای ایران، دقیقاً همین نقش را در ابعاد مضاعف به سود رژیم آخوندی و به زیان مردم ایران ایفا می‌کند، یعنی علاوه بر سؤاستفادهٔ ابزاری آخوندها در ایجاد رعب و وحشت برای جلوگیری از خیزشهای مردمی، اعدام مجرمان عادی، توجهات را از رژیم به عنوان مسبب و مجرم در جامعهٔ جرم‌زا و آلوده، منحرف می‌نماید. آمار میلیونی مبتلایان به موادمخدر، تعداد فزایندهٔ بیماران روانی، ازدیاد خودکشی، کودکان خیابانی، کاهش سن اعتیاد و فحشا بیان مجملی است از حدیث مفصل واقعیت‌های تلخ جامعه ایران.

## نقش حاکمیت در جرائم حاد اجتماعی و...

اعدام مجرمان عادی در رژیم آخوندی نسبت به رژیم‌های دیکتاتوری ماقبل از آن سیر تصاعدی یافته است. آخوندها این افزایش را ناشی از بالا رفتن میزان ارتکاب جرائم اعلام کرده‌اند، اما افزایش جرم بر بستری اجتماعی است از این

جهت آن‌چه باید مورد توجه قرار گیرد، موجبات وقوع جرم است و در ساده‌ترین شکل سؤال این است که باعث افزایش ارتکاب جرم چیست، چرا زندگی مردم ایران که همواره به‌دور از فساد دستگاه حاکم و حاکمیت یک روند شرافتمندانه را می‌پیمود، به‌صورت یک جامعه بیمار و مبتلا به جرائم اجتماعی درآمده است، حال آن‌که حذف دیکتاتوری و رژیم سابق قاعداً می‌باید گامی به جلو و موجب پیشرفت در همه امور از جمله در زمینه کاهش جرائم و... باشد، امری که آخوندها خود را به آن راه می‌زنند، زیرا محصول نقش بلافصل و عملکرد خود آنان در تباهی جامعه ایران است. جرم به‌عنوان پدیده‌ی اجتماعی نه بر عهده مرتکب که در ذمه سردمداران رژیمی است که یک نسل از جامعه ایران را به چنان فساد و تباهی کشانده‌اند که آمار جرائم در آن ابعاد نجومی دارد، اگر مجازات اعدام در همین جرائم به عدالت نزدیک باشد، واقعیت این است که همین بساط دار و اعدام می‌باید برای جنایتکاران حاکم برپا شود، از بابت جنایاتی که روزمره علیه همه مردم ایران صورت می‌گیرد و دقیقاً از همین نقطه، قصاص، واجد و موجد حیات اجتماعی است. این نیاز به بازخوانی آیینی دارد که توسط آخوندها به مذبح تأویلهای قرون وسطایی کشانده شده است.

### قرن بیستم چالش با نظامهای دیکتاتوری، چالش با اعدام

باور جدید و نگرش نو بر پدیده جرم به‌عنوان پدیده و بلیه‌ی اجتماعی، چالش با مجازاتهای خشن و در رأس آن اعدام را موجب شد. پیوند تنگاتنگ اعدام با حضور و وجود حکومتهای توتالیتر و خودکامه، سؤاستفاده مداوم از اعدام برای بقای حکومتهای فاشیستی، در قرن بیستم عینیت متفاوتی یافت. اولین نمونه‌ها و نشانه‌های حذف و لغو مجازات اعدام با فروپاشی حاکمیت فاشیستی در نیمه قرن بیستم مقارن بوده در پایان جنگ جهانی دوم، با شکست کشورهای محور، ایتالیا اولین کشوری بود که پس از فروپاشی فاشیسم موسولینی در سال ۱۹۴۷ مجازات اعدام را لغو کرد. پس از محو نازیسم هیتلری در آلمان نیز موجب لغو اعدام در سال ۱۹۴۹ شد. این در حالی بود که تأسی کشورهای دیگر به اعلام رسمی لغو مجازات اعدام با تأخیر و تأنی زیادی صورت گرفت، اما قاعده فروپاشی رژیمهای مستبد، فاشیست و نژادپرست منحصر به

متحدین در جنگ بین الملل دوم نبود. هم چنین باید از پیروزی مردم آفریقای جنوبی بر رژیم نژادپرست پرتوریا یاد کرد که در اولین گامها، مجازات ظالمانه و ضدبشری اعدام را لغو و حذف کرد، جنبش پیروزمند ضد نژادپرستی در سال ۱۹۹۴ بلافاصله پس از درهم شکستن آپارتاید قانون اعدام را لغو کرد.

## دنیا... ایران و اعدام!

در حالی که طی دو قرن اخیر کشورهای جهان به سمت لغو مجازات اعدام حرکت کرده اند، در کشور ما آمار اعدامهای مجرمان عادی نیز پیوسته افزایش یافته است. آخرین آمارها ایران را به لحاظ تعداد اعدامها در رتبه دومین کشور جهان قرار می دهد، البته بعد از کشور چین که حدود ۱۹ برابر ایران جمعیت دارد.

در مورد کشورهای مختلف روند حذف و نسخ قوانین مربوط به مجازات اعدام به صورت گوناگون به منصفه ظهور رسیده است. این روند را در سایر کشورها در اشکال زیر می توان طبقه بندی نمود:

- ۱- کاهش احکام اعدام: در پاره‌یی از کشورها روند لغو حکم اعدام با کاهش چشمگیر در آرای اعدام صادر شده توسط محاکم مواجه بوده است.
- ۲- کاهش موارد و جرائمی که مجازات آن اعدام است، به این ترتیب با بازنگری در قوانین موضوعه جزایی، اکثر جرائمی که مجازات آن اعدام مشخص شده بود به مجازاتهایی به غیر از اعدام تبدیل شده است.
- ۳- تغییر اشکال خشونت بار اعدام: کشورهایی که سیستم تدریجی لغو اعدام را برگزیدند، اشکال و نحوه‌های قرون وسطایی اعدام و حذف فیزیکی را به صورتی تغییر دادند که هرچه بیشتر از بار خشونت آمیز آن کاسته شود، مجازاتهایی چون سنگسار، اعدام به صورت حلق آویز، اعدام در علن و ملأعام همه از اشکال بدوی مجازات اعدام است.
- ۴- وضع نکردن قوانین جدید که در آن مجازات جرائم در حد اعدام باشد.
- ۵- تبدیل مجازات اعدام به مجازاتهای دیگر از جمله حبس، با تغییر قوانین جزایی.



## ماهیت سیاسی اعدامهای رژیم آخوندی

اما آنچه در کشور ما در جریان و روزمره است، حدّت و شدت تداوم اعدامهاست آن هم در خشن ترین اشکال ممکن. آن چنان که اعدام به صورت حلق آویز رایجترین روش حذف فیزیکی شده است. روشی از شدیدترین و خشن ترین انواع کشتار است. هم چنین سنگسار که در دنیای کنونی تنها منبعث از طبع جنایتکار آخوندهای حاکم تکرار می شود و بالاخره استمرار اعدامهای خیابانی که توحش را به خاطر ایجاد رعب و وحشت اجتماعی دامن می زند. پس به سادگی می توان دریافت که کثرت اعدامها و اعدام مجرمین عادی در رژیم آخوندی قبل از این که ماهیت حقوقی و هدف قضایی داشته باشد، دارای ماهیت سیاسی است و با هدف حفظ حاکمیت آخوندها صورت می گیرد. پدیده‌ی که بحث اعدام در این رژیم را سراپا با کشورهایی که فوقاً اشاره کردیم، متفاوت می کند.

## مقاومت ایران و فعالیت برای لغو اعدامها

اجرای سالانه صدها مورد حکم اعدام در ایران، موجی از نفرت بین‌المللی را به دنبال داشته است. تازه آن چه اجرا می شود بخش کوچکی از احکام بی‌رویه اعدامی است که هر روزه از محاکم قرون وسطایی رژیم آخوندی صادر می شود. رژیم ملاها به خاطر ابعاد گسترده اعدام و کشتار در ایران توسط مجامع و مراجع حقوق بشری در نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی، یعنی حق حیات مورد بازخواست و محکومیت دائمی است. نقش مقاومت ایران علیه ادامه روند اعدامها بسیار مهم مؤثر بوده است، در اولین گامها با افشای اعدامهای انجام شده و در گام بعد با انتشار اخبار از آرای محاکمی که حکم ضدبشری اعدام صادر می نمایند، علیه اجرای حکم اعدام در ایران یک جنبش بین‌المللی برانگیخته است، تا مانع رژیم آخوندی در ادامه بی وقفه اعدامها شود.

علاوه بر نقش مقاومت و مجاهدین علیه اعدام و اجرای آن، جا دارد از عملکرد خود مقاومت طی سالهای پر تنش مبارزه با دشمنی ضدبشری یاد کرد، در جنگی نابرابر در مقابل سفاکترین رژیم دیکتاتوری که دهها هزار زندانی سیاسی در فاصله کوتاهی به جوخه اعدام

سپرده شدند (۳) و جنایتی بی نظیر را در صفحات تاریخ ایران به ثبت رساندند (۴). در چنین شرایط و در مقابل با جنایات آخوندهای درنده و وحشی اما، رهبر این مقاومت به رغم مواجهه با جنایاتی که آخوندها برای جنایات بیشتر به داخل صفوف مقاومت فرستاده بود، مجازات هیچ یک از این مزدوران را به رغم تمام استدلالهای منطقی و درخواستهای مکرر صاحبان حق نپذیرفت و از منظری بالاتر، صاحبان حق را در عین احترام به حقوقشان، به عفو و بخشایش فراخواند و مجرمان را معاف از هرگونه مجازات آزاد گذاشت تا به هر کجای می خواهند بروند. این مقاومت در اصلیتزین اسناد خود بر رعایت حقوق انسان و ابتدایی ترین آن یعنی حق زندگی تأکید و تصریح نموده است. این نویدی است برای ایجاد جامعه‌ی فارغ از ترس، رها از اعدام و وحشت ناشی از آن!

رئیس جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی در آذر ۸۳ طی سخنانی در پاریس به مناسبت روز جهانی حقوق بشر اعلام داشت: «... رنجها ادامه دارند و ما امروز، به کارنامه حکومتی می‌نگریم که در تمامی ۵۷ ساله که از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد، هیچ حکومتی در جهان به اندازه آن، این اعلامیه را نقض نکرده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر «حق حیات» اساسیترین حقوق انسانی است. اما مردم ایران اسیر رژیم هستند که رکورددار بی‌گفتگوی اعدام انسانهاست. این سند دستخط خمینی - فرمان مکتوب خمینی برای قتل عام زندانیان سیاسی مجاهد است. این یک فرمان نابودی جمعی است، که به موجب آن ۳۰ هزار زندانی بی‌دفاع در سال ۱۳۶۷ پاورقی

(۳) در تابستان ۱۳۶۷ رژیم خمینی قتل عام زندانیان سیاسی در ایران که محکوم شده دادگاههای خمینی بودند و اکثر آنان مجاهد بودند، آغاز کرد ظرف چندماه بیش از ۳۰ هزار زندانی سیاسی بدون محاکمه و بدون هیچ گونه دلیل به جوخه‌های اعدام سپرده شدند، این قتل عام آن چنان مفتضح بود که منتظری، ولیعهد خمینی را وادار به اعتراض کرد وی طی نامه‌ی در این رابطه خطاب به خمینی نوشت: «افرادی که در سابق محکوم به کمتر از اعدام شده‌اند، اعدام کردن آنان بدون مقدمه و بدون فعالیت تازه‌ی بی‌اعتنایی به همه موازین قضایی و احکام قضات است ... با حکم جنابعالی بسا بیگناهی هم اعدام می‌شوند».

(۴) خامنه‌ای در رابطه با قتل عام سال ۶۷ زندانیان: «... و اما اعدامها، اعدامهای جمعی در ایران ... ما در جمهوری اسلامی مجازات اعدام را داریم ... این آدمی که از داخل زندان با حرکات مجاهدین که حمله مسلحانه کردند به داخل مرزهای جمهوری اسلامی ارتباط دارد، او را به نظر شما باید برایش نقل و نبات ببرند، خوب ما محکوم به اعدامش می‌کنیم» (رادپو رژیم، ۱۵ آذر ۶۷).

قتل عام شدند، درنده‌خویی، آن قدر تکانه‌دهنده بود که جان‌شین وقت خمینی، به او اعتراض کرد و نوشت با این فرمان بسیاری از بیگناهان کشته شده‌اند و اعدام چند هزار نفر در چند روز با زتاب منفی دارد. در حاکمیت این رژیم فقط شمار اعدام‌شدگان سیاسی به ۱۲۰ هزار نفر می‌رسد. در این سند - لیست شهیدان - مشخصات بیش از ۲۰ هزار تن از آنها گردآوری شده است. کشتن «حق حیات» فقط به درون مرزهای ایران و با اتباع ایران محدود نمی‌شود. صدور مرگ و ترور بخشی جدایی‌ناپذیر از اندیشه و عمل آخوندهاست که آن را در فتوای اعدام رشدی و ناشران آثارش، در ۴۵۰ عمل تروریستی در خارج مرزهای ایران و در تروریسمی که امروز ابزار صدور بنیادگرایی و بلعیدن عراق است، می‌توان دید...»

اقدامها و فعالیتهای مقاومت مردم ایران در سه دهه گذشته و اهداف اعلام شده آن چیزی جز جانفشانی برای احقاق ابتدایی‌ترین حقوق مردم ایران نبوده است. حق زندگی به دور از ترس از اعدام و توحش آخوندها، حق زیستن و برخورداری از حیات در آزادی، عصاره آن چیزی است که بارها توسط مسئول شورای ملی مقاومت در سرفصلهای مختلف تأکید و تصریح شده است. پایان بخشیدن به روند مجازات سرکوبگرانه اعدام با برپایی جامعه‌ی عاری از سرکوبی و اختناق آخوندی؛ بنای جامعه‌ی آزاد و رها از همه بندهای اسارت‌بار و خوارکننده شأن انسانی که یکی از اصلیتین تعهدات آن گذاردن مهر پایانی بر مجازاتهای وحشیانه و الغای اعدام است؛ نویدی است که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، خانم رجوی در سخنان خود در ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ آن را تکرار و تصریح کرد: «... راه حل ما و شاهراه ما از منظر تمام آزادیها می‌گذرد. ما در پی احیای گوهر پایمال شده انسانیتم که همان آزادی است. به قول مسعود، احیای مقوله آزادی همانا احیای بشریت و انقلابهای مغلوب است... مقاومت ایران به همه حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین‌المللی مربوط به آن پایبند است. ما در ایران آزاد شده از ستم ملایان از لغو حکم اعدام و از امحای همه انواع و اشکال مجازاتهای وحشیانه دفاع می‌کنیم و نسبت به آن متعهدیم. ما تعهد خود را به کنوانسیون منع شکنجه و قوانین بین‌المللی انساندوستانه و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان یکبار دیگر مورد تأکید قرار می‌دهیم. ما برآنیم که دل‌های خسته، جامعه بلا دیده و کشور مجروح از کینه و یأس و انتقامجویی را با گذشت و محبت و اعتماد التیام بخشیم.»



## اعدام ظالمانه و غیر متعارف

زیستن حقی است که با به دنیا آمدن فرد آغاز (۱) و با مرگ او به پایان می‌رسد. رژیم ضدبشری با دست داشتن در همه انواع این جنایتها، به طور مستمر با همه اشکال جرم علیه انسان و به تبع آن علیه تمام جامعه درگیر است (۲).

حق حیات از حقوق فطری و نه اکتسابی است. نفس زنده بودن یا ذی حیات شدن انسان، او را واجد حقوقی می‌کند که وابسته هیچ شرط، هیچ کس و هیچ قانونی نیست. حق زندگی و حیات در رأس حقوق انسانی است. کسی این حق را تفویض نکرده است تا بتواند بگیرد، از همین رو این حق غیر مشروط است. زندگی هر شخص متعلق به خود او است. تصرف در آن هم منوط و مربوط به خود شخص است. گرچه در این زمینه نیز نهی بسیاری به لحاظ اخلاقی حتی مذهبی وجود دارد. این حق امروزه نزد وجدانهای بیدار جامعه بین‌المللی تحت عنوان حقوق بشر مورد شناسایی است. ثقل حقوق بشر حق حیات است که به طور تاریخی مورد نفی و انکار حکومتهای استبدادی و هیزارشی بنیادگرایی حاکم بر ایران بوده است.

پاورقی

(۱) به لحاظ حقوقی حق حیات حتی برای جنین نیز شناخته شده است که در اغلب متون حقوقی به لحاظ مدنی و جزایی به آن تصریح شده است.

(۲) کشتن یک انسان به مثابه کشتن تمامی مردم است هم‌چنان که زنده کردن آدمی موجب حیات اجتماعی است - سوره مائده آیه ۳۲

درجه شقاوت در احکام اعدام و هم‌چنین ماهیت محاکمی که منشأ صدور آن هستند جدا از بعد جنایی، از وجوه بسیاری قابل تأمل و امعان نظر است.

جامعه بشری و مسیری که تاکنون پیموده، راهی است به بینش و دانش، از کوری جهل، به عصر عقلگرایی و روشنگری و گذار از دوران تحجر و سیاهی به روشنایی خرد. عصر خرد بسیاری از مظالم جامعه بشری را که محصول دوران سیاهی و تباهی بود، زدود. دوره‌یی که انسان به موجودی گنهکار، ستمگر، و جهنمی تعریف می‌شد که نتیجه آن به کار بردن انواع خشونت‌ها در مجازات دنیوی بود و علاوه بر آن عقاب و پادافره اخروی که بر انسان گنهکار وارد می‌آمد این طبع گناهکار برای جلب بخشایش خداوندی نیاز به نماینده‌یی از جانب او در زمین داشت که دینداران و دین‌فروشان این نقش را ایفا می‌کردند، آنان بازوان و دست خدا بر روی زمین بودند تا هم جزای دنیایشان را فراهم کند و هم عهده‌دار ثواب و جزای اخروی باشند. حاکمیت دینی یا به‌همین دلیل مذهبی شکل گرفت، آن‌چه امروز مردم ایران بر اثر یک فریب تاریخی تجربه می‌کنند، تجربه هزاران باره مردم اروپاست که سالیان مدید تحت حاکمیت کلیسا به‌صورت اعدام و شکنجه و زجر و آسیب بر جسم و روحشان تجربه شد. حال این تجربه را مردم ایران و به‌زبان گویاتر یکبار دیگر همه بشریت تجربه می‌کند. همان تفکر قرون‌وسطی امروزه در ایران با غصب نام دین، تحت‌عنوان شریعت و مذهب بیداد می‌کند، اعدام بارزترین جنایتی است که آخوندها تحت نام دین و در حقیقت برضد آن به‌منصه ظهور می‌رسانند، بحث اعدام بدون ورود در جزئیات و اشاره به انواع و طرق گوناگون آن، قبل از این که محک قضاوت برای اسلام و دین خدا باشد، ماهیت آخوندهای جنایتکار را گویاست. هم‌چنان که جنایات قرون‌وسطای کلیسا گرچه به‌نام عیسی (ع) بود ولی هیچ‌گاه حضرت مسیح و طریقت او را بازتاب نداشت مگر نگرش عقب‌مانده کلیسا را دعوی امروز با آخوندها که تحت نام دین، اصلی‌ترین حقوق انسان یعنی حق حیات را نقض می‌کنند، پیش از آن که یک دعوی سیاسی، از نوع قدرت و ... باشد یک جدل و جدال عقیدتی و فکری است، آنان خود را نماینده آیینی جا می‌زنند تحت‌عنوان دین و مذهب و در واقع علیه آن به تکاپو مشغولند.

دینی که با نام رحمان و رحیم آغاز کرده است، سرآغاز هر سخن و سوره و شروع هر خواندن قرآن که با نام بخشایشگر و مهربان است، پیامی جز رحمت و رحمانیت ندارد. عجباً که اعدام را هم با همین نام پاک رحمان و رحیم به انجام می‌رسانند. این

شقاوت‌بارترین توهینها به اسلام رحمت و رهایی است، در این زمینه قطعاً آن‌چه توسط آخوندها به‌طور روزانه در ایران به اجرا در می‌آید - اعدام - برخاسته از ماهیت ددمنش و دیوصفت آخوندی است که تفکرات و باورهای مضمحل هزاره‌های قبل را به مردم آن‌هم تحت نام اسلام اعمال می‌کند. در واقع امر آنان - آخوندها - خواسته و بهتر بگوییم ماهیت ضدبشری خود را با غطاء و روکش دین مشروعیت تصنعی می‌دهند تا دهان را آن‌چنان بدوزند که گویی هر مخالفی با آن، مخالفت با خواست خداست، این بازی شیدانه آشنای قرون وسطی در اروپاست که هزاران نفر را به همین جرم به آتش سوختند. این‌جا دیگر «خدا» تعبیری سخیف از تمایلات قدرت‌طلبانه آخوندهاست که علیه جامعه به کار گرفته می‌شود. جای عجب نیست که با کمال وقاحت خامنه‌ای را منتسب به وحی هم قالب می‌کنند، این انتساب نه از جنبه اخروی بلکه دقیقاً بر حساب و کتاب دنیوی است که هر جنایتی به نام خدا و هر مخالفتی علیه سیاستهای مرگبار رژیم را رودرویی با خداوند و عالم علوی اعلام می‌کند. وصل به وحی یعنی روی حرف این کاست و قشر عقب‌مانده هر حرفی تباین با حرف خداوند است که کیفر دنیوی توسط پاسداران و شکنجه‌گران و دژخیمان و عقاب اخرویش هم در دنباله دنیا‌گریبانگیر خواهد بود. به این ترتیب دهان مخالف را به نام خدا بستن با حربه اعدامی است که جانب‌خدای آخوندها فرض و واجب دانسته شده است.

با اندکی غور، بررسی و تحقیق پیرامون ریشه‌های تاریخی، و نیز زبان متفاوت قرآنی که نیاز به تفسیر از مهمترین شیوه‌های بررسی و دریافت آن است، به‌سادگی روح و جوهره متفاوتی از اسلام قابل دستیابی و تحصیل است. حتی در کلمه‌یی مانند قصاص که فلسفه آن طبق نص صریح قرآن «حیات» و حفظ و حمایت و دفاع از آن است. روایتی تاریخی از نصوص بسیار قدیمه در این باره زمینه‌های متفاوتی را پیش رو برای بررسی و تحقیق باز می‌گذارد: «فردی مردی را بکشت، او را پیش رسول (ص) آوردند رسول صل‌الله علیه به [صاحب دم] گفت هیچ ممکن باشد که عفو ش کنی، گفت از دلم برنیايد، گفت دیت بستانی، گفت نه! رسول علیه‌السلام گفت: پس تو مثل او باشی! مرد گفت یا رسول‌الله عفو ش کردم! اهل علم این را تأویل کردند که یعنی تو نیز چون او قاتل باشی! (۳).

پاورقی

(۳) ابوالفتح رازی - قرن پنجم هجری، تفسیر قرآن کریم، جلد دوم صفحه ۳۲۹ و بعد.

این روایت تاریخی - مذهبی که به دلیل قدمت آن از اعتبار بالایی برخوردار است با روح قرآنی مبنی بر رحمت و بخشایش بسیار سازگار است. پیامبر از صاحب خون خواستار عفو است نه کشتار، و وقتی وی استنکاف می‌ورزد از طرف پیغمبر همانند قاتل تلقی می‌شود! معنای نغز این موضعگیری پاسخی است به احکام اعدام و اجرای آن از طرف شخص پیامبر که متصل اصلی به منبع وحی است. آن‌که او به باور مسلمانان، خود مستقیم کلام خدا بر زبانش جاری است، او خود حکم خدای را بر رأفت و گذشت تفسیر می‌کند و امر به عفو پرواضح است که در آن شرایط تاریخی اگر مجازات اعدام نهی می‌شد، از قضا در روزگار جهل و برده‌داری، این به زیان «حیات» می‌بود. پس با اندکی تدبّر و تحقیق در جوهره آیینی که سراسر مدّعی نجات بشریت و سرلوحه هر سخنش به نام رحمان و رحیم است و به تصریح قرآن، قتل یک فرد به مثابه قتل تمام بشریت است. باور به چنین خشونت‌های غیرقابل‌تصور که امروزه بعد از ۱۴ قرن در رژیم آخوندی بنام اسلام اعمال می‌شود، نه سخن خدا، نه سیره رسول و نه پیام ائمه معصومین است. هر چه هست تحریف و تخدیش روح، عصاره و جوهر همان آیینی است که جز هدایت و رستگاری، انسانیت و تعالی‌شان انسانی هدف دیگری ندارد. به نام دین و علیه پیام و روح آن پایه سلطه‌ننگین خود استوار می‌کنند.

از آن‌جا که در نشان‌دادن سؤاستفاده آخوندها از اسلام برای توجیه دست‌یازیدن به اعدام، از کلیسا و احکام قرون وسطایی مثال زده شد به جاست لغو حکم اعدام توسط واتیکان را یادآوری می‌کنیم. به زبان بی‌زبانی حتی واتیکان هم به آخوند حالی می‌کند که کلیسا هم در روند پیشرفت خود به لغو اعدام رسیده است. در حالی که در کشور ما هنوز تجربه یک هزار سال قبل کلیسا تکرار می‌شود! بدیهی است که اعدام در رژیم آخوندی چه به‌عنوان مجازات و چه انتقام ستمگرانه در خدمت منافع حاکمیت نامشروع آنهاست. نمونه‌های آماری از اعدام‌های صورت گرفته نشان‌دهنده این است که بیشتر نفراتی که اعدام شده‌اند به لحاظ دارایی ضعیف و از تمکن مالی قلیلی برخوردار بوده‌اند. این واقعیت هولناک از دو جهت قابل بررسی است: اول به لحاظ قوانین جنایتباری که از طرف رژیم آخوندی وضع و تصویب شده است، قصاص با پرداخت دیه قابل اسقاط و به بیانی قابل خریداری است. طبعاً اقشار متمکن کمتر با خطر اعدام روبه‌رو هستند و در مقابل جرائم برابر، اقشار ضعیف به لحاظ مالی و در اصطلاح فقیر اکثریت اعدام‌شدگان را تشکیل می‌دهند، به این ترتیب در مقابل



جرم واحد، مجازات نابرابر اعمال می‌شود. مثال بسیار روشن و درعین حال دردناک آن‌را در پرونده قتل‌ی که توسط پسر فلاحیان، وزیر پیشین اطلاعات (۴) صورت گرفت، می‌توان سراغ گرفت. بنابراین کسانی پای چوبه‌دار می‌روند که در اساس تمکن مالی کافی برای پرداخت دیه - جهت کسب رضایت صاحب خون- را نداشته باشند. ناعادلانه بودن این احکام قبل از هر چیز رودرروی همان عدل خداوندی که شیعیان علی بن ابی طالب (ع) آن‌را از ارکان مذهب حقه خود می‌دانند. به همین دلیل باید بر مسلمانی آخوندها و دم زدنشان از تشیع علوی و پیروی از ائمه اطهار یکسره باید خط بطلان کشید. چرا که آخوندها به تنها راهی که اعتقاد ندارند و درعین حال آن‌را در جهت منافع پلید خود سؤاستفاده می‌کنند راه و شیوه امامان معصوم شیعه (ع) است.

در بررسی تخصصی تر باید به توان برخورداری طبقات متمکن از امکانات قضایی پرداخت. یعنی حق دفاع، و کیل و بالاخره تشبثات حکومتی (و نیز رشوه و رانت) طبقات محروم و اقشار نادار جامعه کمتر دسترسی دارند و به همین خاطر بیشتر در معرض اعدامند، براین اساس باز هم جنایت حکومتی اعدام نصیب محرومان است. یعنی از هر سه وجه یادشده اعدام در دستگاه آخوندی نه تنها پاسخ به جرم ارتكابی نیست، بلکه کیفر اجتماعی است که بیم طغیان و شورش ضدحکومتیش به طور غیرمستقیم و با اجرای علنی احکام اعدام بر روی طیفهای ضعیف نگهداشته شده جامعه، بالاترین تضمین حکومتی است برای ساکت نگه داشتن همانها که بالاترین خطر طغیان و انقلاب از سویشان محتمل است. از این حیث هر اعدام به مثابه یک جنایت حکومتی است و ادامه آن تکرار جرم و تداومش حاکمیت را مجرم به عادت می‌کند. عادت مخوف اعدام برخاسته و ناشی از نیاز حکومت است. حاکمیت آخوندی برای بقایش نیازمند نظم حکومتی است. نظم حکومتی در حاکمیتی که توان حل مسائل جامعه را فاقد است و هر لحظه در معرض تهدید از جانب توده‌های به‌جان آمده قرار دارد. مردم تحت فشارهای طاقت‌فرسا، ضد نظم حکومتی هستند، چرا که نظم حکومتی علیه نظام اجتماعی است که ترقی و تکامل جامعه را تضمین

پاورقی

۴) آخوند فلاحیان هم‌اکنون عضو خبرگان رهبری است که با این سمت، بر جنایتهای مافوق تصور وی در زمان وزارتش پرده‌پوشی شده است. پسر وی نیز یک قاتل است که با پرداخت دوازده میلیون تومان، پرونده قتل‌ی که مرتکب شده بود، بستند و به این ترتیب بر چشم مردمی که شاهد اعدامهای خیابانی هستند، خاک پاشید.

می‌کند. این یک دوگانگی منافع است، منافع اجتماع که نظم خاص خود را داراست و نظم حکومتی که ضامن منافع کاست حکومتی است. اعمال سرکوب یعنی برقراری نظام حکومتی با زور که محل پیشرفت واقعی و طبیعی جامعه است. به همین خاطر هیچ قانون، قاعده و ضابطه‌ی نیست که مردم خود و بر وفق مراد و میل خود به آن تن داده و رعایت کنند. این نظم تحمیلی یک حکومت غاصب در گام نخست مورد بی‌اعتنایی مردم در گامهای بعدی به نفعی و نقض آن بالغ می‌شود. به طوری که نقض قانون و مقررات حاکم به صورت یک عرف دلخواه مردمی تبدیل می‌شود. نقض قانون بیانی از ضدیت با حکومت است، اشکال مقاومت مردمی تحت سیطرهٔ ظلم حکومتی، از یک جریان ضد قوانین و مقررات حاکم می‌گذرد، طغیان اجتماعی علیه فشارهای حاکمیت که به دلیل تداوم اعدامها فروخورده و تحت فضای خفقان، از بروز و نمود بیرونیش جلو گرفته می‌شود، همواره موجد امواج و جریانی از مخالفتها و سرکشیهای مردمی علیه در عرصه‌ها و زمینه‌های دیگر می‌گردد که سهل‌الحوصلترینش مخالفت عملی در نقض قوانین و قواعد و نظامات مصوب است. اعدامها در حقیقت پاسخ رژیم آخوندی است به همین عصیانهای مردمی، جامعهٔ عصیان‌زده را جز با حربهٔ حکومتی و جنایتی به نام اعدام نمی‌توان کنترل کرد. از این جاست که اعدام به صورت یک نیاز حکومتی نمایان می‌شود. چرا که اگر قانون این است که کسی نباید کسی را بکشد، این قانون شامل خود حاکمیت هم هست، حاکمیت هم حق کشتن ندارد، اگر مجازات کشتن مرگ است پس حکومتی که می‌کشد بیش از همه مستحق اعدام است. به خصوص که اعدام را تحت لوای اجرای عدالت و وجهه برحق می‌دهند! عدالتی که می‌کشد عدالت نیست، نفس بی‌عدالتی است! قتل از جانب هر کس محکوم است، بر این روال اعدام دولتی یک نسل‌کشی توسط حکومت آخوندی است. حکومتی که بنایش بر استبداد و بنیادگرایی است. به‌ضرس قاطع می‌توان گفت که در ایران تحت حاکمیت آخوندی، اعدام نه یک کیفر و نه حتی پاسخی به جرم خاص، بلکه جواب پیکره فاسد و جنایتکار حکومتی است برای کنترل جامعه‌ی به‌پا خاسته، عصیانی که غلیان خود را در اشکال متفاوت نشان می‌دهد، اعدامها نقش بازدارنده برای این تلاطم طغیانی در منافع نظم و نظام حکومتی بازی می‌کنند.

اما قدرتمندی رژیم آخوندی در تداوم اعدامها در سطح جامعه و استفادهٔ ابزاری

که از آن برای جلوگیری از خیزشهای مردمی و در نهایت تأمین بقای حاکمیت سود می‌برد در تحلیل نهایی مبین یک ضعف است. بازرترین گواه در ماندگی در حل مسائل مبتلابه میلیون‌ها انسان است. خشونت برخاسته از اعدام و ارباب ناشی از آن را جایگزین می‌کند، از این هم فراتر می‌توان رفت. هر اعدام یک شکست است برای جامعه. چرا که قرین است با حضور و تداوم رژیم دیکتاتوری آخوندی. یک شکست ابتدا برای جامعه ایران و در گام بلافصل، شکستی است برای جامعه بشری که در آن، هیچ امر مجردی در هیچ نقطه و گوشه جهان به وقوع نمی‌پیوندد مگر در رابطه‌ی تأثیرگذار بر پیکره جامعه بشری و تأثیرپذیر از آن، اعدامها در ایران بی‌تردید پیامی دردناک است به جامعه بشری که فاصله با عصر بربریت را تنها در یک گام و فقط یک گام زمانی نشان می‌دهد. اگر هر اعدام یک جنایت است، جنایتی سازمانیافته و حکومتی، تکرار و باز تکرار آن یک شکست است ابتدا برای جامعه ملی و سپس جامعه بشری. شکست برای جامعه ملی از این رو که هر اعدام یعنی یک یورش موفق، افراطی و جنایتبار نیروهای اهریمنی در پیشبرد مقاصد شومشان در منکوب کردن آزادیهاست، منکوب کردن حقوق بشر و در رأس آن حق زندگی... در پس تضییع حق حیات و زندگی کدام حقی مصون از تعرض باقی خواهد ماند؟ در حقیقت تداوم اعدام، تداوم محض و مطلق نقض حقوق بشر در ایران است، روی تعاریف محدود نباید ماند. یک اعدام در کشور ما مشت نمونه خروار و گویای ابعاد کل جنایات در جامعه است. از همین رو نفی اعدام در ایران به معنای حذف و نفی بسیاری از اعمال خشونت‌بار دیگری است که به آن جداگانه باید پرداخت.

تا زمانی که اعدامها در جریان است هیچ حق دیگری را نمی‌توان از دستخوش ایلغار آخوندی محفوظ دانست. تا زمانی حکومت آخوندی بر اریکه قدرت است، توقفی بر اعدامها ملحوظ نیست، این دور باطل را تنها از یک نقطه می‌توان گسست، نقطه از هم گسستن نظام ضدبشری، چرا که یک نمونه اعدام در جامعه ما به معنای پیامی است روشن بر استمرار حکومت جنایت آخوندی و از همین جاست که محتوای غنی این کلام که «هرکس انسانی را بکشد گویی همه جامعه را به قتل رسانده و هر آن کس که انسانی را زندگی بخشد حیاتبخش همه مردمان است» بیش از پیش آشکار می‌شود، در این معنی نیز یک رمز حیاتبخش نهفته است که پیروزی انسان است، زنده کردن یک انسان پیروزی همه انسانها. اعدام در حکومت آخوندی

منجزترین جنایت علیه حیات است، هر لحظه از روند تکوینی یک اعدام، از محاکمه تا پایان اجرای حکم، یک آگاهانگی کامل و قطعی است که ماهیتی و رای سبعیت به آن می‌دهد، این دستگاه جهنمی برای اعدام، از اولین گامها تا آخرین لمحہ پایان دادن به زندگی، اراده‌ی صلب و تردیدناپذیر را اعمال می‌کند که خصلتی ضد انسانی داراست. بی‌هیچ شبهه و تردیدی، نقض اصلی‌ترین حق انسانی را وظیفه خود تلقی می‌کند و به آن جامه عمل می‌پوشاند. استواری دژخیم بر اجرای اعدام تا به آخر بی‌سبب نیست. چرا که پشتگرمی دژخیم به حکومتی است که او را در جنایتش شقی تر می‌کند. حال به این باید افزود، پشتوانه مجعول مشروعیت دینی که تا حد ثواب (به جای گناه و جرم و جنایت) عمل دژخیم را در اجرای اعدام اعتبار می‌بخشد. هم‌چنان که قانونگذار کذایی را در تصویب قانون، شریح قاضی (۵) را در صدور حکم و ...

اعدام با این تفصیل یک کار جمعی حکومتی است که از بالاترین نقطه حاکمیت تا مجری صرف حکم همه اندامواره جنایتی واحدند علیه بشریت و در مقابل ارعاب جامعه است ناشی از اعدام برای جلوگیری از هراقدام علیه حکومت جابر- اعدام اصلی‌ترین حربه برای اختناق است. اعدام و حذف همیشگی یک زندگی، در معنای حیات مقطعی و تضمین بقای حاکمیتی است که در کارنامه ننگینش روزانه چند اعدام به ثبت می‌دهد. یکبار مضاعف بر دوش مردم ایران و فشار سهمگینی بر وجدانهای بیدار جامعه بشری است که با جنایتی ارگانیک و سازمانیافته روبه‌رو هستند. در بخش وسیعی از دنیای ۷۰ میلیون انسان، حقوق انسان و حقوق بشر را ملعبه بازی مرگ و زندگی سازد!

اما کار به همین جا خاتمه نیافته و متوقف نمی‌ماند، وقتی اعدام بازتاب کیفر در مقابل جرم نیست و ابزاری است حکومتی، لاجرم نمایشی است موحش که ابعاد متصور و نامتصور جنایت یک رژیم را گویاست این که حاکمیت آخوندی تا کجا خواهد رفت، نهایتش کجاست و تا کجا دست باز به خود داده است. از حیثه تصور خارج است. این فاجعه‌ی است که هر از گاهی گوشه‌های کوچکی از آن برملا شده

پاورقی

(۵) قاضی دستگاه معاویه و یزید است که علیه امام حسین (ع) فتوی و بر قتل آن حضرت حکم داد، در مثل قاضی را که برخلاف حق فتوا دهد به شریح قاضی تشبیه می‌کنند.

و تبدیل به یک شوک داخلی برای مردم ایران و یک مسأله فراملی برای افکار عمومی جهانی می‌گردد.

در رابطه با ماهیت قدرت اهریمنی آخوندها، ساده‌لوحانه است که اعدام را در ترجمه و تفسیر بسنده کنیم. ابعاد خشونت در امتداد اعدام در بُعد خارجی لاجرم به سلاحهای کشتار جمعی، به ساخت و تکثیر تسلیحات هسته‌یی راه برده است. نگاهی کوتاه به اصرار هیستریک رژیم آخوندی در غنی‌سازی اورانیوم و تهیه آب سنگین به‌عنوان مقدمات دست‌یافتن به سلاح اتمی، تبعات بلافصل خشونت و افراط‌گری است که از اعدامهای روزمره خیابانی می‌گذرد. مسامحتاً سلاح اتمی را می‌توان معلول همان چیزی دانست که درون ایران با اعدام پاسخ می‌یابد. اهمیت نقشی که اعدام در داخل ایران برای رژیم ایفا می‌کند را در روی دیگر سکه یعنی بعد خارجی آن در تلاش آشکار و پنهان برای دستیابی به تسلیحات اتمی می‌توان یافت. اگر اعدام به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین ابزار رویارویی با خیزشهای مردمی، برای خریدن زمان و بقای رژیم عمل می‌کند، از بُعد خارجی نیز تسلیحات اتمی به معنی «امنیت» است که بیان شرمگینانه تلاش برای سرنگون شدن است! وجدان بین‌المللی وقتی بیدار می‌شود که تهدید سلاح اتمی و ساخت موشکهای دوربرد را در چند قدمی خود حس و لمس می‌کند. گرچه ابعاد جنایات آخوندی را از بسیار قبل، مردم ما با تکرار اعدامها در کوچه و خیابان شاهد و گواه بوده‌اند، جنایاتی که حال یک درد مشترک است، درد مشترک جامعه بشری که مردم ایران اولین هدف آن با اعدام- و جامعه بین‌المللی هدفی یک دورتر با دستیابی به تسلیحات هسته‌یی توسط رژیم آخوندی است.

هم‌چنان که احکام اعدام و محکومیتها به مرگ، منحصر و محدود به حیات یک فرد یا تعدادی از افراد نمانده و تأثیر بلافصل آن‌را در کل جامعه می‌توان گواه بود، تأثیر اعدامها فراتر از اثر گذاری مقطعی کنترلی در مخدوش کردن فرهنگ اجتماعی نیز سهم مخرب به‌سزا دارد. اعدام که در ظاهر حیات جسمانی آحادی از اعضای جامعه را نشانه می‌رود، آثار زیانبارش از آسیب جسمی فراتر رفته و به تمامیت فکری اجتماع راه می‌برد، ستیزه رژیم آخوندی با مردم ما، علاوه از آن که یک ستیزه جسمی است، یک تقابل، جنگ و رویارویی معنوی است. در حقیقت اعدامها حیات معنوی جامعه را هدف قرار داده است، سقوط ارزشها، جایگزینی ابتدال، فرومردن معنویت والا و پدیدار شدن گسترده نابهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی، زیر مجموعه‌هایی است که

بلاشک در اعدام سرمنشأ دارد. از این روست که به جرأت می‌توان گفت، احکام اعدام فرهنگ جامعه ایران را هم نشانه رفته است. فرهنگی که حاوی ارزشهای اصیل ملی و مذهبی و مایه مباحثات و زبانزد همگان بوده است. فروریختن بسیاری از سجایای والا که مردم ایران به آن شهره بوده‌اند، بخشی از این فروکشی معنوی است. جامعه‌یی که هر شام را با صحنه‌های وحشت بار اعدام صبح می‌کند، به لحاظ روحی دچار صدمه‌یی می‌گردد که حاصل آن یک جامعه بیمار است. کشتن یک زندگی در ملأعام در روند سالیان متمادی، تغییر یا زوال ارزشها و هویت‌زدایی فرهنگی جامعه را به دنبال دارد. بنابراین مقوله اعدام تنها یک عمل جنایت‌بار، یک کیفر و مجازات نیست بلکه برپایی یک شاخص ضدارزشی درون جامعه است که حول آن بسیاری از ارزشهای متعالی در جامعه فروپاشانده می‌شود. با هر اعدام یکبار معنویت جامعه ایران توسط رژیم آخوندی به چوبه‌دار سپرده می‌شود، وقتی جان یک انسان تا لحظاتی قبل از مرگ دستخوش خرید و فروش و معاملات برسر آن است، وقتی مجازات به امری شخصی بدل می‌شود که صاحب دم به حیات یا مرگ محکوم حکم می‌کند، وارد کردن حکم و اعدام و قضا به صحنه کوی و برزن و در زیر چوبه‌دار... این فروپاشی معنویت در جامعه است. حکومتی سراپا فساد، فساد درونی خود را به آحاد مردم نیز سرایت می‌دهد تا آن‌جا که مردم عادی و شهروندانی که از مفاسد حکومتی به دور بوده‌اند، به ناگاه در پای چوبه‌دار حاضر می‌شوند و حکم به پایان زندگی می‌دهند. این اوج سقوط معنویت جامعه است. آخوندها با اعدام، معنویت جامعه و فرهنگ اصیل ما را سربریده‌اند. اعدام نه تنها نفی بیولوژیک حیات انسانی بلکه نفی توانایی انسان برای تفکر در جایگاه و شأن انسانیش است. شهروند عادی که در پای چوبه دار به حراج و قیمت‌گذاری حیات دیگری تن می‌دهد، دیگر یک انسان عادی و یک شهروند آزاد نیست، بلکه او خود نیز در توحش آخوندی سقوط کرده است. این محصولات اجتماعی و کارکرد فروپاشی معنویت جامعه توسط حکومت آخوندهاست که با اعدام رقم می‌خورد. در این نقطه این اصول اخلاقی است که پایمال می‌شود، نقطه آغازی که فعلیت اعدام و حذف و هدم حیات انسانی است راه به نقض اصول مسلم اخلاقی می‌برد، این‌جا دیگر حیات معنوی جامعه است که در حال سقوط است، واقعیت این است که حاکمیت آخوندی با اعدام جامعه را به ورطه نابودی معنوی می‌کشاند. این‌جاست که معنا و مفهوم غیر اخلاقی اعدام رخ می‌نماید.

فروپاشی اخلاق، فروپاشی معنویت، اپیدمی جنایت آخوندی و گسترش آن در سطح جامعه به مبحث عمیق‌تری راه می‌برد، محکوم دانستن اعدام به‌عنوان شیوه‌یی از مجازات که حذف و نفی حیات را هدف قرار داده است، قطعاً گامی است انسانی علیه این شیوه جنایتکارانه ولی در مقابل رژیم‌ی که کاربرد اعدام برایش هم‌چو ابزاری است در جهت کنترل و سرکوبی جامعه، گامی فراتر لازم است بلکه گام نهادن در لغو اعدام در حکومتی که اساس بقا و حیاتش در گرو اعدام است، پای گذاردن در بطن مبارزه‌یی برای ساختار و ساختمان اجتماعی متفاوت را ضرور می‌سازد. نمی‌توان با اعدام مخالف بود مگر در کنه آن مبارزه‌یی همه‌جانبه و قطعی برای نفی و حذف کل ساختار فاسد آخوندی وجود داشته باشد. اعدام یک پدیده منجز و مجزا نیست، این پدیده جزء لاینفک حضور و وجود نظامی است که با اعدام بر سراسر حیات اجتماعی میهن ما چنگ انداخته است. سرفصل تباهی است. پرچم و شاخص جنایاتی است که بر مردم ما می‌رود تحت این لواست که همه ساخت و بافت چپاول، اجحاف، تبعیض، ظلم و ناروایی‌های بسیار اعمال می‌شود. اعدام اکنون یک کد اجتماعی است از همه بلیات دیگری که بر روزگار مردم ما حاکم شده است. همه اجزای این ساختار با هم همخوانی دارد، لذا طرح مسأله لغو اعدام در رژیم آخوندی لزوماً طرح نفی ساختار حکومتی موجود و ساختمان اجتماعی متفاوتی است که مد نظر است، به‌محض این که صحبت از جامعه بدون اعدام پیش آید بسیاری از مختصات و مشخصات آن جامعه نیز بیان می‌شود. لذا لغو اعدام در ایران خمینی زده مبین ساختار و ساختمان جامعه‌یی است فارغ از استبداد و خودکامگی که حیاتی دموکراتیک و آزاد را نوید می‌دهد!

اعلام لغو اعدام از سوی دولت در سایه و اپوزیسیون در واقع امر اعلام ورود به مرحله مشروعیتی است برخاسته از ساختاری دموکراتیک که برآرا و موافقت مردمی استوار است. این‌جا به‌سادگی اعلام‌الغای اعدام توسط مقاومت و عدم توان رژیم آخوندی در نزدیک شدن به چنین مقوله‌یی را به‌خوبی می‌توان دریافت. در حقیقت لغو اعدام در میهن ما مستلزم مشروعیت است. چنین مشروعیتی در رژیم آخوندی در اساس موجود نیست و به‌همین خاطر جرأت و جسارت لغو اعدام و مخالفت با آن نیز از آن توسط نظام آخوندی امکانپذیر و حتی متصور نیست. چرا که در اساس اعدام اعمال شده توسط آخوندها، برای بقای حاکمیت است و صرف نظر کردن از اعدام برای آخوند نه به‌معنای مشروعیت یافتن نظام بلکه به معنای پایان حاکمیت ضد مردمی است

چنان که در نقطه مقابل آن هم می توان دریافت که چگونه بافتی دموکراتیک به سادگی به لغو اعدام و اعلام علنی آن مبادرت می کند. وقتی ترس از جامعه وجود نداشته باشد، موجبی هم برای اعدام نیست هم چنان که خود جامعه هم ترسی از اعدام ندارد. نه اعدامی وجود دارد و نه ترسی از آن، این مجموعه متوازن، زندگی متفاوت اجتماعی را رقم می زند. نه حاکمیت اعدام را می پذیرد و نه جامعه به هیچ روی به آن تن می دهد، این ساختار متفاوتی است که مردم ما بعد از رژیم آخوندی آن را برای اولین بار در تاریخ خود تجربه خواهند کرد. در کشور آخوندزده‌یی که با لغو اعدام، حق زیستن، حق حیات، و رای همه تفاوتها، هم چون یک اصل بنیادی، منادی حقوق بشر در سراسر ایران است، حقوق بشر به مثابه حقوقی غیر قابل تجزیه، همیشگی و غیر قابل تفکیک که شیوه‌یی نو از زندگی را در ایران پاکزدایی شده از هر گونه صیغهٔ دیکتاتوری و ارتجاع نوید می دهد. حقوق بشر در ایران ما، یک شیوه زندگی است شیوه‌یی بر اساس احترام به حقوق انسانهای برابر در مقابل قانون، برابر در برخورداری از مواهب گوناگون و در رأس آن حق زندگی در جامعه‌یی مردمی، که حق زندگی حق فطری آدمی است، از سوی کسی به او تفویض نشده و لاجرم کسی هم حق ندارد آن را از او بگیرد. جنبشی نوین در حقوق بشر که نه تنها در پایه‌ها و اصول که در زندگی روزانه شهروندان ظاهر خواهد شد. بهره‌وری از حقوق بشر از مباحث تئوریک، فصول کتب و بندهای قطعنامه‌ها و مصوبه‌ها راه به زندگی آحاد مردم میهن ما خواهد برد و دفاع نظری از آن با زیستن انسانی به دفاعی عملی و روزمره تبدیل خواهد شد. این حق ملتی است که برای زندگی به دور از اعدام و شکنجه و سرکوب در مقابل مخوفترین دیکتاتوری مذهبی تاریخ مقاومتی همه‌جانبه و طولانی را متحمل شده است.

در جامعه‌یی آزاد و دموکراتیک، آن گونه که مقاومت ایران وعده کرده است، لغو اعدام نه بر پایه‌یی مسئولیتی بلکه به طور عمیق و دقیق بر این استوار است که بار سنگین خشونت اجتماعی را پذیرفته و حکومت مسئولیت آن را بر عهده دارد. با سقوط رژیم آخوندی ما نه تنها با جامعه اتوپیایی مواجه نیستیم که باید پاسخگویی عملکرد سده‌هه حاکمیت ملایان خونریز هم باشیم، مردمی که از زیر یوغ ستم سالیان آخوندی بیرون آمده‌اند به حق مطالبه حقوق حقه خود را دارند. آن هم نه به صورت وعده که به طور حال و نقد! در حالی که همه بلا یا و مصائب ناشی عملکرد خمینی، خامنه‌ای و اذناشان بر جسم و روح جامعه باقی است. کار در آن زمان لغو اعدام از یکسو و مواجه



با خشونت‌های اجتماعی از سوی دیگر است. امری که تفکر بر روی آن از امروز آغاز شده است، که در فردای یقینی، در مقابله با این شرایط حتمی‌الوقوع چه کاری برای حمایت از شهروندان باید صورت گیرد، تا بدون دست یازیدن به اعدام، مردم بیگناه در مقابل خشونت‌های بیماران اجتماعی مولود و محصول سالهای حکومت آخوندی، مصون از تعرض باشند. دفاع اجتماعی علیه خشونت‌های فردی و در عین حال دفاع فردی در مقابل خشونت‌های حکومتی، این تنها با یک مسئولیت‌پذیری در خور مقاومت مردمی امکان‌پذیر است. از آن‌جا که این یک پارادوکس و تناقض، واقعیت درون جامعه است، اندکی مسامحه در آن نتایج فاجعه‌آمیزی به‌همراه خواهد داشت، نبود تضمین‌های مکفی، باندهای جنایت را به تضييع حقوق مردم جری می‌کند و بالابردن خشونت برای جلوگیری از جرائم افراد، منجر به نقض دولتی حقوق افراد و در نتیجه جرح حقوق بشر خواهد شد. این امر خطیری است که مقاومت در پیش رو دارد گرچه طرح‌های شورای ملی مقاومت و به‌خصوص مصوبات پایه‌یی آن راه‌های اصولی جهت مواجهه با آن را پیش بینی نموده است (۶).

مقاومت ایران بر این باور است که یافتن راه‌حل برای دفاع از حیات انسانها، از ارزشمندترین تلاش‌های ممکن است که در گام نخست از حذف رژیم ضدبشری می‌گذرد گرچه پایان رژیم آغاز کار دشوار دیگری است ...

پاسخ به خشونت‌های اجتماعی و جرائم ارتكابی علیه جان و مال افراد، خشونت متقابل حکومتی نیست و ای بسا چنین رویکردی موجب تشدید معضلات اجتماعی گردیده و یک دور کور خشونت را ایجاد و دامن زند. انتقام به‌عنوان جواب یا کیفر جرم، یک بربریت محض است که در تاریخ بسیار دور و هم‌چنین در رژیم ارتجاعی آخوندی سابقه دارد. پایان بخشیدن به جرائم سنگین اجتماعی اگر با پاسخ و جزای اعدام قابل علاج و از بین رفتن بود تاکنون هزاربار از جهان رخت بر بسته بود. در حالی که آمار افزایش خشونت‌های اجتماعی به‌رغم اعدام‌های خیابانی بدوی در شهرهای ایران گویای حقیقت سخت دیگری است مبنی بر این که نه تنها اعدام باعث کاهش جرایم نشده بلکه تحت حاکمیت این رژیم و قوانینی و قضایه‌اش جرایم و فجایع اجتماعی روند

پاورقی

(۶) مصوبات شورای ملی مقاومت در سه مجلد توسط دبیرخانه این شورا در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده و انتشار یافته است.

تصاعدی یافته‌اند. تعهدی که مقاومت ایران برای آینده‌ی رها از رژیمهای مستبد و خونریز پذیرفته است نه یک عوامفریبی از نوع وعده‌های کلی و نامشخص خمینی در پاریس، که از سر اعتقادی عمیق به حقوق انسانی و پذیرفتن مسئولیت در مواجهه با شرایط اجتماعی مصیبت‌بار کنونی است که حیات انسانی در آن به ساده‌ترین شکل و بدون هیچ ممانعتی به‌طور رسمی و غیررسمی حذف و نابود می‌شود. آن‌چنان عادی که حتی از وسایل و ابزارهای کار روزمره نیز به‌عنوان چوبه‌دار بهره می‌جویند. لذا این تعهد و پذیرش مسئولیت همراه با درک واقع‌بینانه از شرایط کنونی ایران است، کشوری که در آن نقض حقوق بشر و ضدیت با اجرای ارزشهای شناخته‌شده جهانی در این زمینه، به‌طور علنی صورت می‌پذیرد، آن‌هم زیر پوشش دین! دجالان حاکم، با حمله به حقوق بشر، ماهیت خود را تحت نام اسلام پنهان می‌کنند تا از یکسو از حملات متقابل محفوظ باشند و از سوی دیگر هر تهاجم برحقی به عملکرد سبعانه‌شان تحت پوشش دین بازتاب جنگی صلیبی و صورت جنگ کفر و دین بیابد. این دجالگری که از روزگار خمینی آغاز شد هم‌چنان به‌شدت و وسعت ممکن به کار گرفته می‌شود، رودرو قرار دادن اسلام با حقوق بشر به‌خاطر نیاز حکومتی خونریز برای دوام و بقا، خائنه‌ترین شیوه علیه آیین پاک محمدی و علیه آرمانهای برحق بشری است. اعدام زیر پرده دین، استبداد زیر پرده دین (۷) و افراط‌گری تحت نام دین، همان دین‌فروشی حکومتی است که حیات و هستی مردم ایران را تا آن جا مورد تهاجم قرار داده است. تعاریف اسکولاستیسم جهت منافع خود حاکم می‌کند. و در عین حال دجالانه تلاش می‌کند تا با سؤاستفاده از وجهه عمومی جنبش عدالت‌خواهانه عصر روشنگری، و تحت نام و عنوان عدالت چوبه‌دار برپا کند. حال آن‌که صفحات خونین تاریخ، که دجالگرانه اعدام را تحت نام عدالت به اجرا در می‌آورد نیز به پایان خود رسیده است. هم‌چنان که اعدام تحت پوشش دین نیز دیگر مشروعیتی و محلی از اعراب ندارد.

سکوت در مقابل رژیم خونریز تنها اتهام بی‌عملی را به‌دنبال ندارد بلکه همدلی و همسویی با آن محسوب می‌شود. زیرا در مقابل خیانتی که بر سرنوشت مردم می‌رود، ماندن، و اختیار سکوت حتی از سوی همین رژیم خونریز نیز به معنای تأیید ضمنی

پاورقی

۷) استبداد زیر پرده دین بدترین نوع استبداد است، جمله‌ی از پدرطالقانی است که اولین بار در تابستان ۱۳۵۸ خطاب به مرتجعین حاکم بیان شد.

است. باید با جرأت آن‌چه را که نمی‌شود به اجرا در آورد و آن‌چه را که سخت است پی گرفت. این جا بر حقیقتی قابل ذکر و تکیه باید پای فشرده. بحث رژیم آخوندی از اصلاح قانون و تغییر قانون اساسی و لغو احکام اعدام یا عدم اجرای حکمهای صادره نمی‌گذرد. این رژیم پوسیده‌تر از آن است که به اصلاح تن دهد یا با اصلاحات مردم‌فریبانه‌ی شکلی دگرگون شود. هم‌چنان که درد مردم ایران وجود قانون اعدام و قصاص نیست، که کاش بود! زیرا با تغییر یا اصلاح یک ماده قانونی سرنوشت مردم و جامعه‌ی دیگر می‌شد. واقعیت در جامعه‌ی ما نه نقص قوانین و نه نقص مجریان خرد و بزرگ اعدام، بلکه مصائب جامعه‌ی ما به دلیل حاکمیت یک نظام جرم‌زاست. مجموعه این سیستم حکومتی است که با عملکردهای خود پیدایش جرایم را دامن می‌زند و با ابزار و ارگانهای خاص خود بساط دار و اعدام را برپا نگه می‌دارد، تا زمانی که این ساختار هست، تبعات آن نیز خواهد بود و درب روزگار آخوندی همواره بر پاشنه جنایات خواهد گشت. عدالت، آزادی و حقوق بشر هیچ‌گاه به خودی خود حاصل نمی‌شود، بلکه دستاورد کوشش ماست که ضامن و متضمن تغییر شرایط و ایجاد تحولات نوین برای مردم ایران خواهد بود. شرایطی نو در جامعه‌ی فارغ از رژیم فرتوت آخوندی و آزاد از همه‌ی قیود و بندهای کهنه و ارتجاعی آن که با تغییر بنیادین و دگرگونی کامل حاکمیت همراه خواهد بود.



## فعاليتها برای لغو حکم اعدام

### اولین کنگره «روز جهانی لغو اعدام»

اولین کنگره «روز جهانی لغو اعدام» به ابتکار یک انجمن فرانسوی به نام «همبسته علیه حکم اعدام» در ۳۱ خرداد تا ۲ تیر ۱۳۸۰ در شهر استراسبورگ برگزار شد. این انجمن شمار زیادی از حقوقدانان، نویسندگان، نمایندگان پارلمان از کشورهای اروپایی و پارلمان اروپا، خبرنگاران و هم‌چنین سازمانهای مدافع حقوق بشر از سراسر جهان را با پشتیبانی برخی از دولت‌های اروپایی در سالن جلسات شورای اروپا گردهم آورد که طی سه روز به بحث و تبادل نظر پیرامون وضعیت حکم اعدام در جهان و ابعاد گوناگون آن و شیوه‌های لغو آن پرداختند.

هیأتی از شورای ملی مقاومت نیز در این کنگره شرکت کرد و به افشاگری در مورد اعدام‌های گسترده در ایران تحت حاکمیت آخوندی و پخش اسناد و مدارک مختلف در این زمینه پرداخت.

در این کنگره نام رژیم خمینی به عنوان یگانه کشوری که در سطح جهان مجازات وحشیانه و قرون وسطایی سنگسار را در قانون جزای خود به رسمیت شناخته معرفی گردید. در انتهای این کنگره قطعنامه‌یی به تصویب رسید که در یکی از بندهای آن تأسیس یک «ائتلاف جهانی برای لغو حکم اعدام» که روزی را به همین مناسبت

نامگذاری کند، اعلام گردید.

یکسال بعد در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۱ این ائتلاف جهانی متشکل از دهها سازمان غیردولتی و انجمنهای مدافع حقوق بشر اعلام موجودیت کرد و ضمن اعلام ۱۸ مهر به عنوان روز جهانی لغو حکم اعدام، دستور کار خود را فعالیت گسترده در سطح بین‌المللی برای وادارساختن کشورها به الغای حکم اعدام در قوانین داخلی خود نمود.

تا کنون از ۱۹۱ کشور عضو ملل متحد، ۸۰ کشور حکم اعدام را برای همه جرایم لغو کرده‌اند، ۱۵ کشور حکم اعدام را لغو کرده‌اند مگر در مورد جرایم استثنایی مانند جنایتهای جنگی، ۲۳ کشور در عمل حکم اعدام را لغو کرده‌اند، اگر چه در قوانین داخلی آنها هنوز اعدام وجود دارد، ولی حداقل ۱۰ سال است که کسی در این کشورها اعدام نشده و سمت و سوی سیاستشان الغای این مجازات است. اما ۷۸ کشور جهان هنوز حکم اعدام را در شمار مجازاتهای قانونی خود دارند و به اجرا می‌گذارند که رژیم حاکم بر ایران از آن جمله است و به این لحاظ رژیم آخوندی با فاصله‌یی کیفی در صدر جدول قرار می‌گیرد.

زیرا آن‌چه رژیم را از سایر کشورهایی که هنوز حکم اعدام را لغو نکرده‌اند، متمایز می‌کند اجرای احکام وحشیانه و غیرانسانی نظیر سنگسار، قطع گردن، و دو یا سه بار حلق‌آویز محکوم به اعدام و اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال است. ناگفته نماند که در هیچ نقطه‌یی از جهان کسی را قبل از اعدام شلاق نمی‌زنند و در ملأعام اعدام نمی‌کنند و کودکان را زندانی نمی‌کنند تا به سن قانونی برسند و سپس آنها را اعدام کنند. این تازه مربوط به جرایم عادی است. قساوتهای رژیم آخوندی در مورد زندانیان سیاسی از اعدام زنان حامله، افراد زخمی، منفجر کردن زندانها و کشتن توسط لودر و به فجیع‌ترین شکل، زجر کش کردن، تقطیل و صدها شیوه قرون وسطایی دیگر، اعمال شده است.

## کنگره مونترال

دومین کنگره جهانی لغو مجازات اعدام پنجشنبه ۱۶ مهر ۸۳ در مونترال کانادا برگزار شد. در جریان برگزاری این کنگره، میزگردهایی حول موضوعات مختلف شکل گرفت. در میزگردی که اختصاص به خاورمیانه و کشورهای مسلمان داشت، آقای گلستانه از فعالان مقاومت ایران شرکت داشت. رؤسای جلسه احمد عییدات، نخست وزیر سابق اردن و احمد عثمانی، رئیس پی.آر.آی بودند. بحث اصلی حول اعدام و سنگسار زنان بود. و

## بیانیه نخستین کنگره جهانی علیه مجازات اعدام

(اول تیر ۱۳۸۰)

ما خواستار الغای جهانی مجازات اعدام هستیم و به این منظور از شهروندان و حکومتها و سازمانهای بین‌المللی می‌خواهیم که:

حکومتها قوانینی در جهت لغو مجازات اعدام به تصویب رسانند و عهدنامه‌های بین‌المللی و منطقه‌یی لغو مجازات اعدام را امضا نمایند.

کشورهایی که مجازات مرگ را به‌مورد اجرا می‌گذارند آنرا از قوانین خود حذف نمایند.

کشورهایی که حکم مرگ افرادی که در هنگام ارتکاب جرم، نوجوان بودند را به مرحله اجرا گذارند، ناقض فاحش حقوق بین‌المللی شناخته شوند.

افراد مبتلا به بیماریهای روانی نباید به مرگ محکوم شوند.

کشورهایی که مجازات اعدام را ممنوع اعلام داشته‌اند یا آنرا به مرحله اجرا نمی‌گذارند، از تحویل دادن مجرمان به کشورهایی که مجازات مرگ را اعمال می‌کنند، خودداری نمایند. هرچند این کشورها تضمین کنند که مجرم اعدام نخواهد شد.

کشورها موظف به انتشار مرتب و آشکار اطلاعاتی در مورد محکومان به مرگ، شرایط بازداشت‌شدگان و چگونگی اجرای حکم اعدام می‌باشند

از تمام حکومتها می‌خواهیم که از هر گونه اقدام در جهت تعلیق مجازات اعدام که به وسیله سازمان ملل متحد و به منظور تحقق الغای جهانی مجازات اعدام انجام می‌گیرد، پشتیبانی نمایند.

خانم نورا بورسالی، روزنامه‌نگار از تونس سخنرانی خودش را به مجازات سنگسار در ایران اختصاص داده بود.

آقای گلستانه در این میزگرد با اشاره به اعدام عاطفه رجبی نوجوان ۱۶ ساله و گزارش عفو بین‌الملل در مورد آن، گفت: در ایران از آغاز سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۵۰ نفر اعدام شده‌اند البته اینها آمار رسمی است و آمار واقعی بسیار بیشتر است. الان در حالی که این جانشسته‌ایم بسیاری در معرض اعدام قرار دارند. نمونه آن چهار نفری هستند که مشخصات آنها را در غرفه بیرون سالن در اختیار قرار دادیم و علاوه بر بحث کلی در مورد لغو مجازات اعدام و محکوم کردن آن، باید اقدامات مشخص برای نجات آنهایی که در حال حاضر در معرض چنین خطری قرار دارند، صورت گیرد.

در میزگرد دیگری که موضوع اصلی بحث اعدام نوجوانان بود. رئیس جلسه، اریک پروشکو از آمریکا سخنانش را با اعدام عاطفه رجبی آغاز کرد. آقای گلستانه نیز در سخنرانی خود با اشاره به اعدام عاطفه رجبی گفت: مشکل این است که متأسفانه این تنها مورد نیست. طی دو دهه گذشته انبوه نوجوانان و کودکان در ایران اعدام شده‌اند. در حال حاضر بسیاری منتظر حکم اعدام هستند که در مورد آنها اجرا شود. اگرچه می‌دانم هدف همه ما که این‌جا گرد هم آمده‌ایم لغو مجازات اعدام است اما صرف کارهای حقوقی در این مورد کافی نیست. باید اراده سیاسی برای چنین کاری موجود باشد. بدون چنین اراده سیاسی کارهای زیادی می‌توان انجام داد که هیچ‌یک تضمین اجرایی ندارند. می‌خواستم توجه همه شما را به میزان زیاد اعدامها و سرکوب در ایران و به آنهایی که در انتظار اجرای چنین حکمی قرار دارند جلب کنم تا هر چه در توان دارید برای جلوگیری از اجرای این احکام به کار ببرید

رئیس جلسه در ادامه گفت: ایران امضاکننده یکسری از پیمانهای بین‌المللی و از جمله حق کودک است و به این دلیل مسئول اجرای آنهاست.

در این برنامه یک میز کتاب در سالن مجتمع دژردن به کمیته دفاع از حقوق بشر اختصاص داده شده بود که نمایشگاهی کوچک از عکسهای اعدام در ملأعام، اعدام زنان و مشخصات چهار زندانی سیاسی زیر اعدام را تشکیل می‌داد و توجه حاضران را برمی‌انگیخت به طوری که بعضاً مراجعه کرده و می‌گفتند که هر کمکی از دستشان بریاید حاضرند انجام بدهند.



## فعالیت جهانی

به مناسبت روز جهانی لغو حکم اعدام، هواداران مقاومت در ۲۱ شهر جهان به تجمعات و اقدام‌های اعتراضی علیه اعدام در ایران دست زدند و فریاد اعتراض علیه حکومت آخوندی به‌عنوان رکورددار اعدام در جهان را طنین‌افکن کردند. در این تجمعات سراسری، جامعه بین‌المللی برای اقدامی عاجل جهت متوقف کردن موج اعدام‌ها در ایران فراخوانده شد.

در این تجمعات نمایشگاه‌هایی از تصاویر اعدام در ملأعام و اعدام نوجوانان و هم‌چنین عکسهای شهیدان و زندانیان سیاسی که حکم اعدامشان صادر شده و در انتظار اجرای آن به‌سر می‌برند، گوشه‌های بسیار کوچکی از ابعاد جنایات رژیم را در معرض دیدگان مردم قرار داده و هر بیننده‌ی را تحت تأثیر قرار می‌داد.

آکسیون نمایش صحنه‌های اعدام عاطفه رجبی، دختر ۱۶ساله نکایی در کنار چوبه دار و قاضی جلاد، رهگذران را دقایقی در جای خود میخکوب می‌کرد و بسیاری از آنان همبستگی خود با شرکت‌کنندگان در گردهمایی و انزجارشان از جنایتهای آخوندهای حاکم را نشان می‌دادند.

شرکت‌کنندگان در این تجمعات در شهرهای مختلف در بیانیه مشترکی اعلام کردند: «امروز، در آستانه روز جهانی علیه حکم اعدام، ما در حالی گردهم آمده‌ایم که موج جدیدی از اعدام‌های علنی میهن به خون تپیده ما، ایران را فرا گرفته است.

بنا بر گزارش مطبوعات رسمی آخوندها، تنها طی چند روز گذشته ۷ زندانی در سه نقطه در ایران حلق آویز شدند. در یکی از این اعدام‌ها، یک زندانی جوان را در چهار راه رباط اصفهان در ملأعام و در برابر چشمان همسر و فرزندش به‌دار آویختند.

حلق آویز عاطفه رجبی ۱۶ساله در ملأعام در نکا به‌دست قاضی جنایتکار و محکوم کردن چهار نوجوان زیر ۱۸ساله به اعدام در اوت گذشته، جهان را شوکه کرده است.

شمار زندانیان اعدام شده در نیمه اول سال ۸۳ دست کم ۱۲۰تن بوده که تنها شامل اعدام‌هایی است که توسط روزنامه‌های رژیم اعلام شده و اعدام‌های مخفی را در بر نمی‌گیرد.

رژیم آخوندی که ارمغانی جز کشتار، خفقان، سرکوب و درد و بدبختی برای مردم ایران به‌همراه نداشته، در زمینه اعدام، رتبه اول را در دنیا کسب کرده و پیوسته بر تشدید سرکوب و خفقان افزوده است.

ما امروز همصدا با هموطنانمان در سراسر اروپا، کانادا و استرالیا در دادخواهی برای حقوق پایمال شده مردم ایران گرد هم آمده‌ایم تا از جامعه بین‌المللی خواستار یک اقدام عاجل بین‌المللی برای مقابله با روند فزاینده اعدامهای خیابانی در ایران بشویم و برای صدور یک قطعنامه محکومیت نقض گسترده حقوق بشر در ایران توسط اجلاس فعلی مجمع عمومی فراخوان دهیم.

ما گرد هم آمده‌ایم تا در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران نیروی محوری مقاومت ایران و شورای ملی مقاومت به‌عنوان بدیل دموکراتیک این رژیم خونخوار، با صدای بلند به جهانیان اعلام کنیم که زمان استمالت و مماشات با این رژیم ضد ایرانی که تنها نتیجه آن افزایش طول عمر این رژیم و افزایش روز افزون سرکوب و خفقان در ایران بوده است، فرا رسیده است.

آری مردم ایران عزم جزم کرده‌اند تا در حمایت از مقاومت سازمانیافته خود، با سرنگونی حکومت آخوندی، برای همیشه بر دوران اعدام و داغ و درفش در ایران مهر پایان بزنند».

در گردهمایی هواداران مقاومت در لندن آقای ویلفرید وونگ از فعالان حقوق بشر و از حامیان مقاومت مردمی ایران و از مسئولان انجمن حقوق بشری مسیحی جوبیلی کمپین، سخنرانی کرد و ضمن برشمردن جنایات رژیم آخوندی و محکوم کردن اعدامهای روزمره خیابانی از مبارزات حق طلبانه سازمان مجاهدین خلق ایران تجلیل نمود.

در پایان برنامه هیأتی از مسئولان انجمنهای ایرانی در انگلستان نامه‌یی با محتوای محکوم کردن اعدامهای روزمره در ایران توسط دیکتاتوری مذهبی و در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و درخواست بیرون آوردن سازمان مجاهدین خلق از لیست تروریستی اتحادیه اروپا، تحویل دفتر نخست وزیری انگلستان شد.

در نروژ نیز آقای مورتن هوگلوند، نماینده مجلس نروژ در جمع هواداران مقاومت در این روز شرکت و سخنرانی کرد. وی گفت:

به مناسبت روز جهانی علیه اعدام این جا گرد آمده‌ایم. در ایران حکم اعدام روزانه در جریان است، ترور فعالان اپوزیسیون که جرأت می کنند تا رژیم را به چالش بکشند، در ایران صورت می گیرد.

نبود حقوق بشر و احترام به ارزشها، فضایی را در ایران به وجود آورد که باید از آن فاصله گرفت، نباید سکوت کرد، باید به سیاستمداران و پارلمانتورها گفت که در ایران

چه می‌گذرد. به‌خصوص در رابطه با اعدام کودکان.

کدام رژیم است که با نسل آینده، نسل سازنده خود چنین می‌کند؟

رژیم ایران، رژیم سرکوبگری است که دخترپچه را اعدام می‌کند، اما مرد را شلاق می‌زند. خبری که در مطبوعات نروژ درج شد و ما از آن مطلع شدیم. من نمی‌توانم در مقابل این اعمال ساکت بنشینم.

خوشبختانه اکثریت اعضای پارلمان که ساختمان آنها در پشت سر من قرار دارد، ضمن امضای بیانیه‌یی از سازمان مجاهدین خلق به دلیل دفاع از حقوق بشر، آزادی و دموکراسی، در برابر سرکوب رژیم حمایت نموده است. این رژیم مدتها پیش باید می‌رفت و امیدوارم چیز زیادی از عمرش باقی نمانده باشد.

خانم هانه مور، کشیش مترقی نروژی نیز ضمن محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران برای مقاومت و برای تحقق صلح و آزادی دعا کرد و گفت: ما خواستار بیداری قلبهای بی‌تفاوتیم، کسانی که در گوشه‌یی می‌ایستند، ظلم را می‌بینند ولی واکنش نشان نمی‌دهند. ما مخالف حکم اعدام هستیم چون می‌دانیم که این ضدخواست توست که یک انسان جلاد انسان دیگری باشد. (خدایا) ما از تو می‌خواهیم که دخالت کنی و از این ظلم جلوگیری به‌عمل بیاوری. ما از تو می‌خواهیم کسانی به قدرت برسند که عدالتخواهند، تا مردم در امنیت و آسایش زندگی کنند.

در استرالیا یک نامه اعتراضی توسط هیأتی به دفتر سازمان ملل متحد ارائه شد. در این دیدار مسئولین مربوطه با دیدن گزارشهای مربوط به نقض حقوق بشر در ایران به‌خصوص خبر اعدام «عاطفه رجبی» دگرگون شده و قول دادند به‌سرعت گزارشها را به دفتر مرکزی در شهر کانبرا ارسال کنند تا نسبت به محکوم نمودن رژیم ایران در نشست مجمع عمومی در ماه آینده، اقدام شود.

## ایرانیان در لندن علیه نقض وحشتناک حقوق بشر و اعدامهای گسترده

در کشورشان اعتراض می‌کنند



یونایتد پرس ۱۷ مهر ۸۳:

در سالروز روز جهانی علیه اعدام، ایرانیان در بیرون دفتر نخست‌وزیری داوینگ استریت امروز تجمع کرده و به نقض وحشتناک حقوق بشر و اعدامهای گسترده در ایران اعتراض

کردند. مطبوعات دولتی ایران گزارش داده‌اند که از ماه مارس امسال به این سو بیش از ۱۲۰ نفر حلق آویز شده‌اند و این در حالی است که بسیاری از اعدامها نیز به صورت مخفی انجام شده‌اند. از جنایتهای بیرحمانه رژیم ایران می‌توان به نمونه‌های تکانه‌دهنده اخیر از جمله اعدام یک دختر ۱۶ساله به جرم اعمال منافی عفت و حلق آویز کردن یک پدر در جلو چشم ۴تن از فرزندانش...

در شرایطی که سیاست «گفتگوی سازنده» که توسط دولت انگلیس در قبال ایران اتخاذ شده هیچ‌گونه ثمره‌ی نداشته و در زمانی که رژیم ایران تهدید جدی‌یی را علیه منطقه و جهان از طریق پیگیری تهیه سلاحهای اتمی، و حمایت از تروریسم و دخالت در عراق، دنبال می‌کند، ایرانیان در داویننگ استریت تجمع کرده و از دولت انگلستان خواستند که مواضع قوی علیه سیاست نقض حقوق بشر رژیم ایران اتخاذ کرده و جهت محکوم کردن رژیم ایران به‌خاطر نقض حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد اقدام نماید.

## حلق آویزها را متوقف کنید حکم اعدام: ایرانیان در رم تظاهرات می‌کنند



خبرگزاری آنسا ۱۹مهر ۸۳:

یک گروه از ایرانیان مقیم ایتالیا امروز در میدان باربرینی در رم علیه حکم اعدام در کشورشان تظاهرات کردند و خواستار مداخله جامعه بین‌المللی برای متوقف کردن حلق آویزها در ایران شدند.

یکی از نمایندگان ایرانیان گفت در کشور اسلامی، در عرض ۲روز ۷زندانی اعدام شدند و در ۱۵اوت گذشته یک دختر ۱۶ساله در ملاعام اعدام شد. تظاهرکنندگان اعلامیه‌یی را در بین عابران پخش می‌کردند که در آن از دولت ایتالیا خواسته شده قطعنامه‌یی برای محکوم کردن رژیم دیکتاتوری ملاحا به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد.

## نمایشگاه نقض حقوق بشر در ایران به دعوت ۳۴سازمان مدافع حقوق بشر

به مناسبت ۱۹آذر، روز جهانی حقوق بشر، نمایشگاه بزرگی درباره تاریخچه بیش

از دو دهه نقض حقوق بشر در ایران و وضعیت کنونی آن، با عنوان «ایران - حقوق بشر سنگسار شده» در پاریس آغاز به کار کرد.

این نمایشگاه و میزگردهای متعددی که به موازات آن به مدت سه روز جریان داشت، از جانب ۳۴ انجمن و سازمان غیردولتی فرانسوی و اروپایی مدافع حقوق بشر حمایت شده بود.

در این نمایشگاه ابعاد و اشکال گوناگون نقض حقوق بشر در ایران با ارائه عکسها، اسناد، فیلمهای مستند و همچنین آثار هنرمندان ایرانی در همین زمینه در سالنهای مختلف چهار طبقه از مجتمعی به نام «فرش سرخ» واقع در منطقه دهم پاریس، در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت.

**در طبقه اول:** نمایشگاه «نقض حق حیات» به عنوان پایه‌ی‌ترین حقوق بشر در غرفه‌های متعدد به تصویر درآمد. در غرفه‌ی زیر عنوان «اعدام: ابزار حاکمیت آخوندی»، روند حذف فیزیکی مخالفان از پیش از ۳۰ خرداد ۶۰ تا موج اعدامهای آغاز دهه ۶۰ و در ادامه آن قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ به تصویر درآمده است. تداوم این وسیله‌ارباب و سرکوبی جامعه در تازه‌ترین عکسهای حلق‌آویزهای خیابانی که در مطبوعات و رسانه‌های رژیم آخوندی منتشر شده، در برابر دیدگان بازدیدکنندگان قرار دارد. در همین طبقه غرفه‌های مربوط به «قربانیان تروریسم» و «قتلهای زنجیره‌ی» بیانگر اشکال دیگری از حذف مخالفان توسط حکومت آخوندها در ادامه اعدامهای سیاسی هستند.

در این قسمت، عکس هولناکی هست که بازدیدکنندگان را برجایشان میخکوب می‌کند. عکسی که یک عکاس هلندی در بهار ۶۸ در تبریز گرفت و در آن ۱۸ تن به بهانه قاچاق مواد مخدر یکجا در ملأعام به دار آویخته شده‌اند. در صحنه‌های مشابه این اعدامهای جنایتکارانه در شهرهای مختلف وقتی زندانیان مجاهد قبل از بالا کشیده شدن طناب دار شجاعانه فریاد کشیده و خطاب به مردم گفته بودند: مردم ما قاچاقچی نیستیم و به جرم هواداری از مجاهدین اعدام می‌شویم... این ترفند آخوندهای جنایتکار نیز برملا شد.

تصاویر تکانه‌دهنده اعدامهای خیابانی نشان می‌دهد که چگونه خیابانهای سراسر ایران به صحنه سرکوب اجتماعی فزاینده‌ی تبدیل گردید.

فراتر از اعمال مجازات علیه یک فرد، این اعدامها همواره برای رژیم ملاها

وسيله‌ی برای ارباب جامعه و ایجاد فضای خفقان برای مردم ناراضی بوده است. به همین دلیل است که دستگاه قضایی بر علنی بودن این اعدامها تأکید می‌کند. به‌رغم اظهار تنفر افکار عمومی و باوجود رسوایی آخوندها در مراجع بین‌المللی. جراثقالها، داربستهای خانه‌های نیم‌ساخته، تیرهای چراغ برق، و حتی درختان خیابانها به‌وسيله‌ی برای اعمال این جنایت «قانونی‌شده» تبدیل شده‌اند. نیروهای سرکوبگر، جمعیت هراسان و اندوهگین و خشمگین را از صحنه دور نگه می‌دارند. تصاویر تکانه‌نده این قسمت از نمایشگاه از احمد دولتیاری و پیام امینی تا عطفه ۱۶ساله و پیرمرد ۶۴ساله، از کاسب و دانشجو پزشکی تا دانش آموز و ورزشکار و... را دربر گرفته و نشان می‌دهد که هیچ قشر اجتماعی و هیچ طبقه سنی از این شقاوت قرون وسطایی در امان نبوده و نیستند. روش جنایت‌باری که همین روزها نیز ادامه یافت و هفت تن از مردم محروم زاهدان را به قربانی گرفت.

به‌دار آویختن زنان در ملاعام، دستگیریهای گسترده زنان در خیابانها، صحنه‌هایی از اجرای حکم سنگسار، عکسهایی از زنان محکوم به این مجازات ضدبشری، گزیده‌هایی از قوانین و مطبوعات رژیم در همین زمینه محتوای این تابلوها را تشکیل می‌دهد.

**در طبقه دوم:** قوانین ضدبشری رژیم و محکومیت این نظام مبتنی بر نقض حقوق بشر توسط مراجع بین‌المللی مدنظر قرار گرفته بود. گزیده‌هایی از قوانین جزایی و مدنی که هم‌اکنون در میهنمان توسط رژیم آخوندی به‌اجرا گذاشته می‌شود و به‌خصوص قسمتهایی از «قانون مجازات اسلامی»، سرکوب زنان، تبعیضهای گوناگون علیه اقلیتهای مذهبی و قومی و نقض آزادی بیان... از موضوعاتی بود که در این قسمت به‌صورت اسناد و عکسها و تصویرهای مختلف ارائه شده‌اند. ۵۱قطعه‌نامه نهادهای مختلف ملل متحد در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران و هم‌چنین گزیده‌ی از قطعه‌نامه‌های پارلمان اروپا و عفو بین‌الملل در همین زمینه تکمیل‌کننده اسناد و مدارک این قسمت از نمایشگاه است.

**طبقه زیرزمین:** شرحی از اشکال مختلف شکنجه، به‌خصوص مجازاتهای بیرحمانه و وحشیانه که زیر عنوان «تعزیر» یا «قصاص» جان انسانها را در رژیم قرون وسطایی آخوندها به بازی می‌گیرد، در زیرزمین نمایشگاه ارائه شده‌اند. در طبقه همکف، لیست اسامی و تصویرهای بیش از ۲۰هزار تن از شهیدان مقاومت ایران بیانگر بهای سنگینی است که مردم ایران تاکنون در راه آزادی داده‌اند.

جهت تکمیل مباحث ارائه شده در قالب اسناد، عکس و فیلم جلساتی نیز طی سه روز برپایی نمایشگاه برگزار گردید.

در یکی از این جلسات از بخش فرانسوی عفو بین الملل خانم ژاکلین پرانکیو، هماهنگ کننده اقدام در مورد ایران، شرکت داشت که گزارشی از اقدامهای عفو بین الملل در زمینه نقض حقوق بشر در ایران را ارائه داد. سپس برخی از خانواده‌های شهیدان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ حاضر در جلسه و هم‌چنین شماری از زندانیان هوادار مجاهدین که در همان مقطع در زندان بوده‌اند شکایتهای و انتظارات خود را با ایشان در میان گذاشتند.

روز جمعه ۲۰ آذر در جلسه افتتاحیه نمایشگاه نقض حقوق بشر که به مدت سه روز ادامه داشت، خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت سخنرانی کرد و طی سخنانش از جمله گفت: ما امروز، به کارنامه حکومتی می‌نگریم که در تمامی ۵۷ ساله که از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد، هیچ حکومتی در جهان، به اندازه آن، این اعلامیه را نقض نکرده است.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر «حق حیات» یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی است. اما مردم ایران اسیر رژیم هستند که رکورددار بی‌گفتگوی اعدام انسانهاست.

... ساختار حاکمیت ملایان و قانون اساسی این رژیم و هم‌چنین روح و متن قوانین موضوعه آن، با اصل حاکمیت مردم و با روح و متن اعلامیه جهانی حقوق بشر در تضاد کامل است.

در یک کلام: در حاکمیت آخوندها، نقض حقوق بشر، قانون است و رعایت حقوق بشر، نقض قانون است...

دوستان عزیز،

«حقوق بشر قابل مذاکره نیست» ولی دولتهای اروپایی ارزشهای انسانی و اصول حقوق بشر را به قربانگاه منافع تجاری و سیاسی می‌برند و با خطرناکترین دشمن بشریت به مذاکرات حقوق بشر و معاملات شرم‌آور مشغولند.

توجیه کنندگان چنین مذاکراتی می‌گویند: منزوی کردن ملایان نقض حقوق بشر را تشدید می‌کند و گفتگو تعدیل کننده است. گزارشهای رسمی اروپایی حاکی از بی‌ثمر بودن مذاکرات و وخامت وضع حقوق بشر در ایران است. اما فاشیسم مذهبی، از دستاوردهای دیپلماتیک خود در این مذاکرات خوشحال است. معاون امور اروپا

در وزارت خارجه رژیم، دو سال پیش گفت «موافقت اتحادیه اروپا با گنجاندن نام منافقین در لیست گروههای تروریستی» یک «دستاورد دیگر» بود که «گشایشهایی» را در زمینه اقتصادی و «تسهیل صادرات ایران به اروپا» به دنبال داشت.

من نمی دانم دولتمردان اروپایی از بابت این گونه گشایشهای اقتصادی و قراردادهای آغشته به خون، به خود تبریک می گویند یا تسلیت؟ ولی این را می دانم که در دوران خاتمی، شمار سنگسارها و اعدامهای خیابانی بیشتر شد. فقط همین هفته ۲ نفر را در ملأعام برای ارباب مردم به دار آویختند. این یک صحنه از اعدامهاست (اشاره به تصویر - تصویر در صفحه ۴۸)...

نخستین سخنران جلسه، آقای دانیل ژاکوبی، دبیرکل فرانس لیبرته، بنیاد خانم میتران و رئیس افتخاری فدراسیون بین المللی حقوق بشر گفت سرکوب در ایران هیچ وقت کاهش نیافته و نقص حقوق بشر بی وقفه ادامه داشته است.

سخنران دیگر این کنفرانس، آقای مولود آئونیت، دبیرکل مراپ (جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی بین خلقها) گفت: بخش بزرگی از مردم فرانسه حامی آرمان شما هستند. زمانی که این تصاویر را می بینیم، وجدان تک تک ما تحت تأثیر قرار می گیرد. چگونه می توان با وجدان راحت به خواب رفت زمانی که می دانیم در ایران به طور مرتب چنین چیزهایی رخ می دهد؟ زمانی که با بیرحمی زایدالوصف انسانها را سنگسار می کنند، وقتی کودکان اعدام می شوند، وقتی قاضی به جای میرغضب می نشیند. این جرمی نه تنها علیه تمامی ما که از حقوق بشر دفاع می کنیم، بلکه علیه بخشی از چهره و آرمان فرانسه است.

سخنران بعدی این کنفرانس، آقای کلود شسون، وزیر خارجه پیشین فرانسه بود. وی آنچه را که در ایران رخ می دهد، «واقعاً وحشتناک» توصیف کرد و گفت همه آنچه را که خانم رجوی گفتند، حرف دل من نیز هست. وی افزود: اگرچه در ایران سرمایه گذاری زیادی کرده ایم و اگرچه به نفت علاقه زیادی داشته ایم، اما حقیقتاً پاسخی جز این نیست که این رابطه را متوقف کنیم.

در ادامه این کنفرانس پیام آقای رودی سال، رئیس گروه مطالعات حقوق بشر مجلس ملی فرانسه خوانده شد. وی در پیام خود گفت، جنایتهای رژیم آخوندی از جمله اعدام نوجوانان را برشمرد و گفت سازمانهای بین المللی وضعیت وحشتناک ایران را محکوم می کنند.

خانم سیمون لاندردی از لیگ بین المللی زنان برای صلح و آزادی گفت: وخیم شدن



وضعیت حقوق بشر در ایران بیش از پیش برای جامعه جهانی نگران کننده است. وی خواستار آن شد که گزارشگر ویژه‌ی برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران تعیین شود.

در این کنفرانس هم چنین پیام «سازمان همبستگی علیه حکم اعدام» قرائت شد. در این پیام خاطر نشان شده که ایران یکی از بدترین حکومتها را در اجرای مجازات اعدام دارد و یکی از موارد نادری است که به اعدام افراد زیر سن قانونی دست می زند. با دیدن تصویرهای اعدامها در ایران مصمم تر می شویم که علیه این مجازات در سراسر جهان و البته در ایران بیشتر فعالیت کنیم.



## افشای مجازات‌های مقاومت ایران علیه مجازات‌های اعدام

شورای ملی مقاومت ایران طی ۳ هفته در فاصله ۳ تا ۲۵ خرداد ماه ۱۳۸۴ با برگزاری ۲۱ کنفرانس مطبوعاتی در اروپا و آمریکا، اسناد تکانه‌دهنده‌ی جنایت‌های ضدبشری رژیم آخوندی را در معرض دید جهانیان قرار داد. یکی از این اسناد، صحنه هولناک اعدام سه جوان به نام‌های صفر خسیانی، علی ایلوانیان و امید دعوتی در شهر خرم‌آباد بود که در مرداد ماه سال ۸۳ توسط جنایتکاران رژیم آخوندی در ملأعام انجام شد. سن هیچ‌کدام از این سه نفر بالاتر از ۲۵ سال نبود.

روز سه‌شنبه سوم خردادماه ۱۳۸۴، کنفرانس مطبوعاتی مقاومت ایران با عنوان «افشای اعدام‌های وحشیانه در ایران و خیانت به حقوق بشر» در پاریس برگزار شد و فیلم تکانه‌دهنده صحنه حلق آویز سه جوان در خرم‌آباد، در معرض دید نمایندگان رسانه‌های خبری و شخصیت‌های سیاسی قرار گرفت.

این فیلم ۱۰ دقیقه‌ی که گوشه‌ی از وحشیگری آخوندها را به نمایش می‌گذاشت، حاضران را به شدت متأثر ساخت و خبرنگاران و ناظران حقوق بشر را نسبت به آنچه در ایران می‌گذرد، شوکه و میخکوب کرد.

در این کنفرانس آقایان محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه، محمدرضا روحانی، مسئول کمیسیون ملیتها و دکتر سنابرق زاهدی، مسئول کمیسیون قضایی شورای ملی مقاومت ایران، درباره مجازات‌های قرون وسطایی در نظام آخوندی به

روشنگری پرداختند.

آقای بهزاد نظیری، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران که خود زندانی سیاسی شکنجه شده توسط آخوندهاست، طی سخنانی گفت: «صحنه های دلخراشی که مشاهده کردید، یک امر روزمره در ایران است. این جنایتها فقط یک بیرحمی علیه فرد مشخصی نیست، بلکه وسیله یی برای ایجاد وحشت در مردم است. مردم ناراضی هستند و شرایط انفجاری است. رژیم برای مقابله با این شرایط به این اقدامات سرکوبگرانه دست می زند.

این سند که به تازگی به دست ما رسیده از جنایتی پرده برمی دارد که تاریخ وقوع آن دوم اوت ۲۰۰۴ است، سندی زنده از صحنه هایی که در ۲۰ سال گذشته بسیار بوده اما متأسفانه اسناد کمی باقی مانده است. ما این سند را در اختیار نهادهای بین المللی ملل متحد و سازمانهای حقوق بشری قرار خواهیم داد».

سپس آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران در سخنانش از جمله گفت: «کدام وجدان انسانی از دیدن این صحنه برآشفته نمی شود؟ کدام وجدان انسانی، در مقابل چنین جنایاتی سکوت می کند؟ کدام رژیمی در ابتدای هزاره سوم به چنین جنایات کثیفی مبادرت می کند؟ و چقدر کثیف است معامله زد و بند با چنین رژیمی.

آیا این شرم آور نیست که اروپا با این رژیم سفاک گفتگوی حقوق بشر راه انداخته است. مسئولان این جنایتها امروز در بروکسل و فردا در ژنو با ترویکای اروپا مذاکره می کنند تا برای تولید بمب اتم وقت بخرند. مذاکره کنندگان رژیم همان مسئولان شکنجه و کشتار و ترور هستند. آنها همزمان با مذاکرات همه آمادگیها را برای تولید اورانیوم غنی شده، دستیابی به میزان کافی پلوتونیوم کسب می کنند. دست اندرکار ساختن ماشه های اتمی و به دست آوردن گرافیت خالص برای استفاده در کلاهک اتمی هستند.

من از آقایان بارنیه، استراو و فیشر می خواهم قبل از این که به ملاقات سردمداران رژیم بروند، این فیلم را تماشا کنند. شما فردا به دیدار کسانی می روید که مسئول همین اعدامها هستند».

## صحنه‌یی که هر روز در شهرهای ایران تکرار می‌شود

رژیم آخوندی در مرداد ماه سال ۱۳۸۳ سه جوان به نامهای صفر خسیانی، علی ایلوانیان و امید دعوتی را به نحو شقاوت باری در ۳ نقطه از خیابانهای پُر جمعیت شهر خرم‌آباد اعدام کرد.

قاضی این پرونده به نام امرایی ابتدا تصمیم می‌گیرد هر سه نفر را، در حالی که در گونی پیچیده شده‌اند، از بالای یک مناره به پایین پرتاب کنند، ولی متعاقباً به دلیل ترس از خشم مردم، دیوانعالی رژیم اعلام می‌کند که اجرای حکم، به صورت حلق‌آویز، در سه نقطه جداگانه در شهر اجرا شود.

بنا به گزارشهای شاهدان عینی از صحنه، هنگام اعدام امید دعوتی در میدان شقایق، مردم تمام نرده‌ها را کردند.

بسیاری می‌دانستند که یکی از اعدامیها از کودکی یتیم بوده و با فقر و مسکنت بزرگ شده است.

علی ایلوانیان تنها پسر خانواده بود و هنگام اعدام وی، زنانی که در محل بودند، همراه با مادرش گریه می‌کردند. رژیم برای اعدام آنان سه روز در شهر تبلیغ می‌کرد. بنابر آنچه از فیلم که در شرایط خاص تهیه شده، شنیده می‌شود، صحنه چنین است:

یک نفر متن حکم اعدام را می‌خواند:

اهالی شهیدپرور خرم‌آباد

به اطلاع می‌رساند به موجب حکم شماره ۸۳/۲۴۰۴۲۰ صادره از دادگاه عمومی خرم‌آباد که به تأیید دیوانعالی کشور رسیده است، سه نفر از مفسدین شهر خرم‌آباد به اسامی:

علی ایلوانیان فرزند اسدالله

صفر خسیانی فرزند عبدالله

امید دعوتی فرزند پنجشنبه

به اتهام زنا به عنف و اکراه، به اعدام محکوم شدند که این حکم جهت خشنودی شما مردم مؤمن شهر خرم‌آباد، رأس ساعت ۵ بعد از ظهر امروز در ملاعام در سه نقطه از شهر خرم‌آباد واقع در پل شهدا، میدان بزرگ و میدان امام حسین، اجرا و مجرمین

به‌دار مجازات آویخته خواهند شد.

## صحبت‌های جوان محکوم به اعدام لحظاتی قبل از مرگ

- محکوم: چشم‌هایم را باز کنید (چند بار این جمله را تکرار می‌کند).
- مأمور: ببینید پیامی دارد.
- محکوم موقع انداختن طناب: صبر کنید، چشم‌هایم را باز کنید.
- مأمور: فاصله بگیر، ساعت دارد (یعنی باید رأس ساعت انجام شود).
- محکوم: چشم‌هایم را باز کنید به شما می‌گویم چشم‌هایم را باز کنید تا مردم را ببینم (چند بار تکرار می‌کند).
- مأمور: هر چه داری بگو.
- محکوم: تو را به ابوالفضل قسم چشم‌هایم را باز کنید تا مردم را ببینم.
- یک مأمور: هر چه داری بگو.
- محکوم خطاب به مردم و مأمور: ما ممکن است انسان گناهکاری بوده باشیم، ولی ما حقمان اعدام نبود. آن خانم را همه مردم می‌شناسند. این خانم را همه می‌شناسند. ما حقمان اعدام نبود. طاهری و امرایی (امرایی قاضی است) دست به یکی کردند و ما را اعدام می‌کنند. به درگاه خداوند شکر می‌کنم و ممنون او هستم. سرنوشت من این بوده است. مردم خرم‌آباد! مرا حلال کنید. ملت مرا حلال کنید. هیچ چیزی ندارم. هیچ ترسی ندارم. سرنوشت من این بوده است.
- یکی از مأمورین به اعدامی نزدیک می‌شود که نفر اعدامی می‌گوید آقا صبر کن.

- مأمور: برای جوانها چه پیامی داری؟
- محکوم: برای جوانها پیام اینست که به راه راست بروند. از خداوند می‌خواهم برایشان بسازد (یعنی وضع مادی و مالی برایشان فراهم شود) تا ازدواج کنند که هیچ‌وقت از راه راست خارج نشوند. دوست خود را بشناسند، با دوست بد نچرخند ... صد هزار بار به درگاه خداوند شکر می‌کنم.

- مأمور: چه کسانی همراه شما بودند؟ آنها جرمشان چه بود؟
- محکوم: آنها هیچ جرمی نکرده‌اند. هیچ گناهی ندارند. باید آزاد شوند.
- مأمور: چرا باید آزادشان کنند. چرا باید آزادشان کنند؟



صحنه‌هایی از اعدام خیابانی در خرم آباد  
مردادماه ۱۳۸۳

- محکوم: آنها در این آدمربایی شرکت نکرده‌اند. آنها را باید آزاد کنند.  
- محکوم: جناب سرهنگ، جناب سرهنگ، تو را به مادر ابوالفضل قسم چشمه‌هایم را باز کنید.  
لحظاتی بعد جوان اعدامی با چشمه‌های بسته به‌دار آویخته می‌شود.

## ابراز انزجار و تنفر جهانی نسبت به رژیم جنایتکار ولایت فقیه

فیلم این جنایت ضدبشری که توسط سازمان مجاهدین خلق از ایران خارج شده و طی ۳ هفته در کشورهای مختلف از جمله: فرانسه (پاریس، مونپلیه)، انگلستان (لندن)، آمریکا (نیویورک، کلرادو، تگزاس و شمال کالیفرنیا)، سوییس (ژنو)، ایرلند (بلفاست)، هلند (لاسه)، ایتالیا (رم، والمانتونه)، آلمان (هامبورگ و اشتوتگارت) هلند (خرونینگن)، لوکزامبورگ، نروژ، سوئد (استکهلم) به‌نمایش گذاشته شد. پخش این سند که تنها گوشه‌یی از شقاوت روزمره جنایتکاران حاکم بر ایران است، بازتاب‌های گسترده‌یی داشت و توجهات زیادی را جلب نمود. مشاهده جنایات آخوندی موجی از تنفر نسبت به رژیم جنایتکار ولایت فقیه را به‌دنبال داشت. در جلسات برگزار شده حین نمایش تصویرهای اعدام، بسیاری از حاضران به‌شدت متأثر شده و گریه می‌کردند.

**در پاریس** اسقف گایو، شخصیت انساندوست مشهور فرانسه گفت: «من به‌شدت متأثر و دگرگون شدم. توان حرف‌زدن ندارم. تاکنون چنین صحنه‌هایی ندیده بودم. باورکردنی نیست که در چنین دورانی چنین جنایاتی صورت می‌گیرد». آقای ژیل پاروئل، رئیس سابق کانون وکلای دادگستری استان والدواز گفت: موضوع اول اعدام جوانان ایران در ملأعام است که فیلم مستندی از آن را مشاهده کردیم. به‌عنوان یک وکیل و به‌عنوان یک انسان این اعدامها برای من غیرقابل قبول و توجیه‌ناپذیر است.

ولی چیزی که بسیار تعجب‌آور است، در ایران ملاحا، این اعدامها به امری عادی تبدیل شده‌اند.

این‌گونه اعدامها در ایران به‌طور روزمره به اجرا گذاشته می‌شوند و رژیم ملاحا مردم را مجبور می‌کند که به‌تماشای این صحنه‌های رقت‌انگیز بایستند.



خانم دلفین موکارزل، وکیل فرانسوی گفت: فیلمی که امروز در این جا نمایش داده شد برای من بسیار شوک آور بود و این اولین بار است که من شاهد یک صحنه اعدام هستم.

**در لندن** کری پولارد، نماینده سابق مجلس عوام انگلستان که ویدئو را در محل کانون وکلا در مرکز لندن معرفی کرد، گفت: من هرگز در عمرم چنین چیزی ندیده‌ام و امیدوارم که دوباره هرگز نبینم. این ماورای شوک است، تنفر انگیز است. چگونگی یک انسان می‌تواند چنین کاری با یک انسان دیگر بکند، من نمی‌فهمم». آقای کری پولارد، که به زحمت می‌توانست بر احساساتش غلبه کند، طی سخنانی ضمن محکوم کردن سیاست مماشات و دلجویی اتحادیه اروپا از رژیم گفت: ما باید از سازمان مجاهدین خلق ایران که پیشتاز این مقاومت سراسری است، حمایت کنیم. جفری بایندمن از سرشناسترین وکلای حقوق بشری انگلستان و رئیس دارالوکاله بایندمن نیز که به شدت از ویدئو متأثر شده بود، گفت: پس از تماشای این صحنه‌های وحشتناک صحبت کردن برایم بسیار مشکل است.

در آمستردام بعد از نمایش فیلم، آقای رابرت روزنهام، کشیش مترقی و مدافع برجسته حقوق بشر در هلند طی سخنانی گفت: من از مشاهده این صحنه‌های رعب‌آور شوکه شده‌ام. به گفته عفو بین الملل سال گذشته در ایران چنین صحنه‌هایی ۱۵۹ بار تکرار شده است. بسیاری از این اعدامها به طور مخفی صورت می‌گیرد و جهان خارج از آن مطلع نمی‌شود.

آقای روزنهام گفت مایه تاسف است که ما در ایران با رژیمی طرف هستیم که این چنین دست به نقض شدید و گسترده حقوق بشر می‌زند، اما گروهی مانند دیدبان حقوق بشر به جای دفاع از قربانیان این جنایات، به تخطئه آنان پرداخته است.

در استراسبورگ، برنات ژوان ایمری، نماینده پارلمان اروپا گفت ما در کمیته دوستان ایران آزاد و در تمامیت پارلمان اروپا نباید در مقابل نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران سکوت کنیم و باید راههای مقابله با این وحشیگری را بررسی نماییم.

پائولو کاساکا، رئیس هیأت پارلمان اروپا در کمیته پارلمانی ناتو گفت من از آقای محدثین به خاطر همکاریشان با این ابتکار، که به اعتقاد من بسیار مهم است، متشکرم زیرا هیچ چیز مهمتر از دیدن واقعیتها و داده‌ها به طور ملموس نیست.

فکر می‌کنم فیلمی را که امروز این جا دیدیم، می‌تواند برای افشای ماهیت این

رژیم بسیار مؤثر باشد. رژیمی که به عنوان مدره و رفرمیست مطرح می شود، ولی ما می دانیم که ماهیت این رژیم چیزی غیر این است و خودش را پنهان می کند، اما ناقص شدید حقوق بشر است. این یک رژیم استبدادی است که عامل قتل و سرکوبی مردم ایران است و رژیمی است که هرگونه مخالفتی را به شدت سرکوب می کند. در نروژ آقای لارش ریه، نماینده پارلمان و عضو کمیسیون خارجی مجلس گفت خیلی متأسفیم که مجبوریم این فیلم را در اینجا نشان دهیم این فیلمی بسیار تکانه‌دهنده و دلخراش است.

## گوشه‌هایی از بازتابهای افشاگری مقاومت ایران

پخش فیلم مستند اعدام سه جوان در خرم‌آباد که تنها بخش کوچکی از واقعیت روزمره در ایران را نشان می دهد، انعکاسات گسترده‌یی در رسانه‌های خبری کشورهای مختلف جهان داشت.

## اپوزیسیون ایران صحنه اعدامها در ملأعام در ایران را به نمایش می گذارد



آسوشیتدپرس - ۱۱ خرداد ۸۴

بنابر گزارش عفو بین‌الملل طی سال ۲۰۰۴، تعداد ۱۵۹ نفر، که دومین تعداد اعدام در جهان است، توسط رژیم ایران اعدام شده‌اند.

یک گروه اپوزیسیون ایرانی ویدئوی اعدام در ملأعام دو نفر را در ایران به نمایش گذارد. صدها نفر جمعیت برای تماشا جمع شده بودند، طنابهای دار که از جراثقال آویزان شده بود به دور گردن دو نفر انداخته شد، بازوی جراثقالها سپس بلند شده و دو نفر در حالی که اجسادشان تکان می خورد، کشته شدند.

بنا به گفته حسین عابدینی، از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، این تنها نوک کوه یخ نقض حقوق بشر در ایران است. او می گوید وضعیت طی سالیان اخیر بسیار وخیمتر شده است...

## صحنه‌های شوکه‌کننده سه اعدام در ملاعام در ایران توسط مخالفان تبعیدی در لندن به نمایش درآمد

The Press Association  
The UK leader in news and sports information

پرس آسوسی‌شن - ۱۱ خرداد ۸۴

شورای ملی مقاومت ایران یک ویدئوی ۱۰ دقیقه‌ای، را که نشان‌دهنده اجرای مجازات اعدام سه جوان بود، به نمایش گذاشت. هر سه نفر به وسیلهٔ بالا کشیدن توسط یک جراثقال که روی کامیون سوار بود، اعدام شدند.

چندین تن از شرکت‌کنندگان در این برنامه تحت تأثیر صحنه‌ها گریه می‌کردند. کری پولارد، نماینده سابق مجلس عوام، دولت انگلستان و دولتهای اروپایی را به پایان بخشیدن به آن‌چه که «استمالت» از رژیم ملایان ایران می‌نامید، فراخواند. شورای ملی مقاومت ایران می‌گوید که این اعدامها ماه اوت سال گذشته در شهر خرم‌آباد در غرب ایران به اجرا درآمد...

در این ویدئو جمعیت زیادی از جمله کودکان برای تماشای اعدام گردآمده بودند. در اولین سکانس، یک جراثقال مکانیکی نشان داده شد که به روی پل آورده و برای اعدام آماده می‌شد، یک طناب دار آبی رنگ به قلاب جراثقال وصل شد. مأموران اولین نفر را که یک چشم‌بند سفید به چشم داشت برای اعدام بیرون آوردند.

بنا بر ترجمهٔ شورای ملی مقاومت، او می‌گفت: بگذارید ببینم، چشم‌بندم را بردارید، صبر کنید، صبر کنید، چشم‌بندم را باز کنید، خواهش می‌کنم، ترا به خدا چشم‌بندم را باز کنید، می‌خواهم مردم را ببینم، ممکن است که ما مرتکب گناه شده باشیم، ولی حق ما اعدام نیست.

قبل از این که طناب دار به دور گردنش انداخته شود وی جوانان را به زندگی خوب و معاشرت نکردن با افراد بد تشویق می‌کرد.

او گفت که دو نفر دیگری که به همراه وی به اعدام محکوم شده‌اند مرتکب هیچ جرمی نشده‌اند.

در حالی که وی هنوز چشم‌بند داشت و میچ پاهایش بسته و دستانش نیز از پشت بسته بود قلاب جراثقال بالا رفت، بدنش ظاهراً کمی تکان خورد.

در سکانس بعدی فرد دومی در نقطهٔ دیگری با جراثقال مشابهی و طناب دار قرمز نشان

داده شد. جسد وی سپس به زمین آورد شده و روی یک برانکارد فلزی قرار گرفت. صحنه‌های اعدام سوم در ویدئو که بنا به اظهار شورای ملی مقاومت طی چند روز گذشته از ایران خارج شده واضح نبود.

حسین عابدینی، از شورای ملی مقاومت ایران، گفت: این تنها نوک کوه یخ نقض حقوق بشر در ایران است.

ویلفرد وونگ، از جوینلی کمپین، که یک سازمان حقوق بشری مسیحی است، اظهار داشت طی سال گذشته در ایران حداقل ۱۵۹ مورد اعدام بوده است. وی گفت «تعداد اعدامها در آن کشور بسیار نگران کننده است».

## تایمز لندن: فیلمی که از ایران مخفیانه خارج شده اعدام در ملأعام را نشان می دهد

### THE TIMES

وکلای حقوق بشر، ایرانیان تبعیدی و خبرنگاران صحنه‌های اعدام را در حالی که طناب به دور گردن محکومین انداخته شده بود و توسط جراثقال از زمین بلند می شدند، در سکوت تماشا می کردند.

یک زن که با صدای بلند فریاد می کشید و چندین تن از حاضران که به شدت تحت تأثیر واقع شده و می گریستند. صحنه‌هایی را که به طور مخفیانه در سال گذشته فیلمبرداری و اخیراً دریافت شده بود را تماشا می کردند.

## ۱۲۰ هزار اعدام در ۲۵ سال حاکمیت آخوندها و ۴۵۰ عمل تروریستی در تمام جهان

روزنامه ایتالیایی ۵ روز (استان رم)، ۷ ژوئن ۲۰۰۵  
روز یکشنبه گذشته نمایشگاه حقوق بشر والمانتونه، به ایران تحت کنترل ملاها اختصاص داشت. نمایشگاه «انسانیت ۲۰۰۵» مکان بزرگ و مخصوصی را به وضعیت ایران اختصاص داده بود.

در ساعت ۱۶ نمایش چند فیلم ویدئویی که مخفیانه از ایران خارج شده و در مورد اعدامهای خیابانی در تهران و سایر شهرها می باشد، به نمایش درآمد.

## سرزمین قتل‌های قانونی!

تنها براساس آن دسته از گزارش‌هایی که توسط رسانه‌های حکومتی طی ۱۴ ماه گذشته منتشر شده است، بیش از ۳۳۶ زندانی در شهرهای مختلف کشور، از جمله در تهران، شیراز، اراک، اصفهان، اهواز، ایلام، ورامین، بابل، بوکان، بهبهان، پلدختر، تبریز، تجریش، تنکابن، خرم‌آباد، دهلران، زابل، زاهدان، ساری، ساوه، سلماس، سمیرم، فومن، قزوین، کرج، کرمان، گناباد، مشهد و نجف‌آباد حلق‌آویز شده یا به اعدام محکوم شدند. برخی از اعدام‌شدگان و محکومین به اعدام را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند (۱).

این آمار، البته صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی و اعدام‌های مخفیانه را در برنمی‌گیرد.

برای مثال یک زن به نام اکرم قوبدل ۴ سال در زندان در انتظار اعدام بود اما رژیم اسم وی را اعلام نکرد تا این که یک خبرنگار زن که دو روز در بند عمومی زندان اوین بوده از حکم اعدام مطلع شده و توسط وی این خبر فاش می‌شود.

پاورقی

(۱) طبق گزارش عفو بین‌الملل در ایران در سال ۲۰۰۳ حداقل ۱۰۸ تن اعدام شده‌اند و در سال ۲۰۰۴ ایران با دست کم ۱۵۹ مورد اعدام در ردهٔ دوم در جهان قرار دارد. بر اساس همین آمار اعلام شده، تعداد اعدام در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۳ بیش از ۳۲ درصد افزایش داشته است.

در طول مدت فوق حداقل ۶ زن حلق‌آویز شده و ۱۲ زن دیگر به اعدام محکوم شده‌اند.

رژیم آخوندی در بهمن سال ۸۳ اعتراف کرد که حداقل ۳۰ زندانی در زندانهای تهران و رجایی‌شهر کرج به‌خاطر جرایمی که در سنین زیر ۱۸ سال مرتکب شده‌اند در انتظار اجرای حکم اعدامند.

دژخیمان رژیم آخوندی هم‌چنین در شهرستان نکا در یک جنایت تکانه‌دهنده، یک دختر ۱۶ ساله، به‌نام عاطفه سهاله راه در ملأعام به‌دار آویختند. اعدام عاطفه خشم و نفرت مردم این شهر به‌ویژه همسایگان و اهالی منطقه سکونت خانواده او را برانگیخت.

در جریان محاکمه نمایشی این دختر نوجوان، هیچ و کیلی حضور نداشت و تلاشهای خانواده وی برای گرفتن وکیل به‌جایی نرسید.

در جریان این محاکمه، عاطفه شخصاً به دفاع از خود و به پاس‌خگویی به‌دژخیم حاجی رضایی، رئیس این بیدادگاه پرداخت و از جمله گفت: اگر شما راست می‌گویید به‌جای قربانیان فساد اخلاق، عاملان اصلی آن را محاکمه کنید. برخورد شجاعانه این دختر نوجوان، خشم و کینه حیوانی دژخیم را برانگیخت و در حالی او را به اعدام محکوم نمود که مجازات او حتی طبق قوانین ظالمانه رژیم اعدام نبود. این دژخیم که به عاطفه کینه می‌ورزید، شخصاً و خارج از روال معمول سایر احکام، در عرض سه ماه حکم اعدام را به تأیید دیوانعالی رژیم رساند. رضایی بعد از اعدام عاطفه گفته جرم او اعدام نبود، ولی چون زبان‌درازی کرده، اعدام شد. اعدام وحشیانه این دختر ۱۶ ساله نمونه‌یی از بروز طینت ضدانسانی و زن‌ستیز رژیم آخوندی است.

هم‌چنین در کارنامه سیاه رژیم جنایتکار آخوندی، صدور حکم اعدام دختر جوانی به نام طیبه ساری در مرند وجود دارد. بر اساس مدارک موجود، وی در زمان وقوع جرم، ۱۸ سال سن داشته است.

از طرف دیگر تحت حاکمیت آخوندهای جنایتکار و فاسد، نوجوانانی که بیش از هر چیز به محبت پدر و مادر و پرورش در کانون خانواده نیاز دارند را بعد از صدور حکم قصاص به کانون به‌اصطلاح «اصلاح و تربیت» می‌فرستند تا وقتی به سن قانونی رسیدند، اعدام شوند. ایمان فرخی، تنها در یکی از همین

نمونه‌ها نوجوانی که به هنگام «ارتکاب جرم» ۱۷ سال داشت را چند سال در انتظار اعدام نگهداشتند تا بعد طناب‌دار را برگردنش بیندازند. حکم اعدام در مورد این نوجوان به مرحله اجرا گذاشته شد.

بسیاری از قربانیان حاکمیت رژیم آخوندی از اقشار زحمتکش و تهیدست می‌باشند که حتی قادر به تأمین حداقل معیشت زندگی خود و خانواده خویش نیستند. صفرعلی پدر عاطفه سهاله دختری که در سن ۱۶ سالگی توسط آخوندهای فاسد و جنایتکار اعدام شد، از جمله این افراد است. وی که کهنه‌فروشی دوره‌گرد می‌باشد طی سه ماهی که دخترش عاطفه در زندان بود، فقط ده دقیقه او را دید حتی در شب اعدام عاطفه از اعدام دخترش با خبر نشد تا با او وادع کند یا در صحنه اعدام دخترش حضور یابد. صفرعلی در شب اعدام عاطفه در خیابان زرنندی کارگری می‌کرد.

هم‌چنین در حاکمیت آخوندهای ضدبشر، در موارد متعددی پدر در مقابل چشمان گریان فرزند و همسرش به‌دار کشیده می‌شود و به این ترتیب نه فقط فرد اعدامی، بلکه فرزند و همسر او را نیز همزمان منهدم و دفن می‌کنند. مهرزاد واجب‌الحقوق یکی از همین موارد است که در اصفهان در ملاعام و در برابر چشمان همسر و فرزندانش به‌دار آویخته شد. مردم از صحنه شقاوت‌بار اعدام پدری در مقابل چشمان فرزندش به‌خشم آمدند و با فریادهای خود به دژخیمان رژیم اعتراض کردند.

در یک نمونه دیگر از توحش افسارگسیخته آخوندی فردی به‌اسم احمد محمودی در آبادان تا ۳۵ دقیقه بعد از اعدام بر بالای چوبه‌دار باقی ماند. قابل توجه است که بار اول بعد از ۱۰ دقیقه در حالی که احمد زنده بوده وی را پایین کشیده و مجدداً او را به‌دار کشیدند.

البته دژخیمان در وحشت از گسترش اعتراضات، بسیاری از اعدامها را یا اعلام نمی‌کنند یا موقتاً به تعویق می‌اندازند. برای نمونه در تاریخ ۱۵ مرداد ۸۳ دژخیمان رژیم آخوندی یک زندانی ۲۹ ساله به‌نام شه‌بخش را در ملاعام در زاهدان حلق‌آویز کردند مردم حاضر در محل به‌ویژه جوانان که از این جنایت فجیع به‌خشم آمده بودند دست به اعتراض زده و با پرتاب سنگ به مقابله با نیروهای سرکوبگر پرداختند.

در درگیری میان مردم و پاسداران، حدود ۲۰ نفر از معترضان دستگیر و شماری از نیروهای سرکوبگر مصدوم شدند. دژخیمان در وحشت از گسترش دامنه اعتراضات اجرای احکام اعدام ۵ زندانی دیگر را که قرار بود در همان محل انجام شود به تعویق انداختند.

برخی از ارقام و نتیجه گیریهای آماری از مشخصات قربانیان حکومت ننگین آخوندی که در این لیست جمع آوری شده، به شرح زیر است:

۱- گروهبندی سنی ۱۳۷ نفر از قربانیانی که سن آنها در لیست ضمیمه مشخص شده، به قرار زیر است:

|                      |        |
|----------------------|--------|
| الف - نوجوان         | ۱۷ نفر |
| ب - زیر ۲۰ سال       | ۶۳ نفر |
| ج - بین ۲۰ تا ۳۰ سال | ۴۴ نفر |
| د - بین ۳۰ تا ۴۰ سال | ۱۷ نفر |
| هـ - بالای ۴۰ سال    | ۱۳ نفر |

۲ - ۶۷ درصد کسانی که محل اعدام آنان اعلام گردیده در ملأعام حلق آویز شدند و ۳۳ درصد آنها در زندان اعدام شده اند.

۳ - ۳ نفر از این قربانیان به بیش از یکبار اعدام محکوم شده اند. برای مثال، در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۸۴ قوه قضاییه آخوندی برای یک جوان حکم ۵ بار اعدام در ملأعام را صادر کرد.

۴ - مجموعاً ۷ نفر افغانی و یک نفر اهل بنگلادش، اعدام شده اند یا حکم اعدام آنها صادر شده است یکی از این نفرات فقط ۱۶ سال داشته است.

درحالی که دستگاه قضایی حکومت آخوندی هر روز در گوشه یی از ایران احکام اعدام صادر کرده و قربانیان فقر و بیکاری از میان اقشار حاشیه نشین را که برای انتقامجویی کور از سیستم حکومتی به سمت جنایت می روند را در انظار عمومی و میدانها و خیابانها حلق آویز می کند، در مورد جنایات مشابهی که آخوندهای فاسد و تبهکار مرتکب می شوند سکوت اختیار می کند. خبرگزاری حکومتی ایسنا در ۱۹ تیرماه ۸۳ به نقل از رازینی، رئیس کل بیدادگاه روحانیت وقت خبر داد در طول سال ۸۱ مجموعاً ۳۸ آخوند به جرم قتل عمد و غیرعمد



و ۲۱ آخوند دیگر در رابطه با قاجاق و ۱۵ آخوند در رابطه با آدمربایی دستگیر شده‌اند. اما تاکنون در هیچ روزنامه یا رسانه حکومتی هیچ گزارش یا خبری در مورد نحوه مجازات این آخوندهای جنایتکار منتشر نشده است. تنها مجازاتی که جرائمی که بیش از هر کس دیگر در جامعه نسبت به آن آگاه بوده‌اند، قضایه رژیم، آخوندهایی را که خلافکاریهای اخلاقی و جنسی و جنایت‌هایشان قابل پرده‌پوشی نبوده است را به «خلع لباس روحانیت» محکوم می‌کند.

وجدان انسانی و منطق حقوق بشر کجاست تا از این رژیم پلید بازخواست کنند که چرا جنایتکاران تازه هنگامی که افشا می‌شوند به جای مجازات‌هایی که حقشان است باز هم این امتیاز را دریافت می‌کنند که لباس انسانهای شریف جامعه را بپوشند؟!

راستی چرا حیثیت و شرف لباس انسانها باید به‌خاطر آخوندهای جنایتکار لکه‌دار شود؟!

## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات  | سن | محل اعدام | نام            | تاریخ  | ر  |
|--|----|-----------|----------------|--------|----|
|  |    | تهران     | حمیدرضا        | ۸۴۰۳۳۰ | ۱  |
|  | ۲۰ | تهران     | مرتضی          | ۸۴۰۳۳۰ | ۲  |
|  |    | تهران     | جواد           | ۸۴۰۳۲۶ | ۳  |
|  | ۲۴ | تهران     | حسین           | ۸۴۰۳۲۶ | ۴  |
|  |    | تهران     | رمضان          | ۸۴۰۳۲۵ | ۵  |
|  | ۲۸ | تهران     | اسم اعلام نشده | ۸۴۰۳۲۴ | ۶  |
|  | ۲۸ |           | اسم اعلام نشده | ۸۴۰۳۱۷ | ۷  |
|  | ۲۳ |           | اسم اعلام نشده | ۸۴۰۳۱۷ | ۸  |
|  |    | اهواز     | اسم اعلام نشده | ۸۴۰۳۱۶ | ۹  |
|  |    | اهواز     | اسم اعلام نشده | ۸۴۰۳۱۶ | ۱۰ |
|  |    | اهواز     | اسم اعلام نشده | ۸۴۰۳۱۶ | ۱۱ |
|  |    | تهران     | فاطمه          | ۸۴۰۳۰۵ | ۱۲ |
|  | ۴۸ | تهران     | پرویز          | ۸۴۰۳۰۳ | ۱۳ |
|  | ۲۲ | تهران     | ابوالقاسم      | ۸۴۰۳۰۲ | ۱۴ |
|  | ۲۱ | تهران     | وحید - غ       | ۸۴۰۳۰۲ | ۱۵ |
|  | ۲۸ | تهران     | فاطمه          | ۸۴۰۳۰۲ | ۱۶ |
|  | ۱۷ | تهران     | ستار - ش       | ۸۴۰۳۰۲ | ۱۷ |
| به گزارش خبرگزاری رسمی حکومتی - ایرنا در مقابل ترمینال زاهدان در انتظار عمومی اعدام شد. قبل از اعدام ۵۰ ضربه شلاق زده شد | ۲۰ | زاهدان    | رحمت الله - ق  | ۸۴۰۳۰۱ | ۱۸ |
|  | ۲۴ | تهران     | فاطمه          | ۸۴۰۲۲۸ | ۱۹ |
|  | ۲۷ | تهران     | حسنقلی         | ۸۴۰۲۲۸ | ۲۰ |
|  | ۱۹ | تهران     | حسین - الف     | ۸۴۰۲۲۶ | ۲۱ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات  | محل اعدام | سن | نام              | تاریخ  | ر  |
|--|-----------|----|------------------|--------|----|
|  | تهران     | ۱۸ | محمد             | ۸۴۰۲۲۲ | ۲۲ |
| مشخصات وی اعلام نشد                              | تهران     |    | اسم اعلام نشده   | ۸۴۰۲۲۲ | ۲۳ |
| در ملأعام اعدام شد                               | سوسنگرد   |    | عارف - س         | ۸۴۰۲۲۲ | ۲۴ |
| در ملأعام اعدام شد                               | سوسنگرد   |    | علی - س          | ۸۴۰۲۲۲ | ۲۵ |
| در ملأعام اعدام شد                               | سوسنگرد   |    | ناصر - ج         | ۸۴۰۲۲۲ | ۲۶ |
| به نوشته رسانه‌های حکومتی به اعدام محکوم شد      |           | ۲۶ | قدیر - ش.ج       | ۸۴۰۲۲۰ | ۲۷ |
|  | کرج       | ۲۳ | عباس             | ۸۴۰۲۲۰ | ۲۸ |
| در زندان شماره ۲ نوشهر به دار آویخته شد          | نوشهر     | ۲۳ | مجید - الف       | ۸۴۰۲۲۰ | ۲۹ |
|  | تهران     | ۴۱ | عبدالربیع        | ۸۴۰۲۱۸ | ۳۰ |
| در میدان چهارشیر در ملأعام به دار آویخته شد      | اهواز     |    | رضا - ح          | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۱ |
|  | تهران     | ۲۱ | محمد رضا         | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۲ |
|  | تهران     | ۳۵ | مسعود            | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۳ |
|  | تهران     | ۲۱ | مسلم             | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۴ |
| قوة قضاییه رژیم ۴ نفر را در زندان اوین اعدام کرد | تهران     |    | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۵ |
|  | تهران     |    | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۶ |
|  | تهران     |    | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۷ |
|  | تهران     |    | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۲۱۴ | ۳۸ |
|  | بجنورد    |    | هادی - ص         | ۸۴۰۲۱۳ | ۳۹ |
|  | تهران     | ۲۱ | اسم اعلام نشده   | ۸۴۰۲۱۳ | ۴۰ |

## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام  | سن   | نام                 | تاریخ  | ر  |
|---|------------|------|---------------------|--------|----|
| به ۵ بار اعدام در ملأعام محکوم شد   | تهران      | جوان | اسم اعلام نشده      | ۸۴۰۲۱۳ | ۴۱ |
| به گزارش خبرگزاری رسمی رژیم<br>ایرنا، در زندان کارون حکم اعدام وی<br>اجرا شد  | اهواز      |      | یعقوب - ر           | ۸۴۰۲۱۲ | ۴۲ |
|   | تهران      | جوان | قادر                | ۸۴۰۲۱۰ | ۴۳ |
|   | تهران      | جوان | میثم                | ۸۴۰۲۱۰ | ۴۴ |
|   | تهران      | ۳۳   | محسن - خ            | ۸۴۰۲۰۹ | ۴۵ |
| مرد ۵۰ ساله   | تهران      | ۵۰   | اسم اعلام نشده      | ۸۴۰۲۰۹ | ۴۶ |
|   | تهران      |      | اسماعیل             | ۸۴۰۲۰۸ | ۴۷ |
| به اعدام در ملأعام محکوم شد   | تهران      |      | حاتم                | ۸۴۰۲۰۷ | ۴۸ |
| به اعدام در ملأعام محکوم شد   | تهران      |      | محمد                | ۸۴۰۲۰۷ | ۴۹ |
|   | تهران      | ۳۶   | فرهاد               | ۸۴۰۲۰۴ | ۵۰ |
| در زندان خورین اعدام شد   | ورامین     |      | محسن - ش            | ۸۴۰۲۰۱ | ۵۱ |
| در ملأعام به دار آویخته شد  | سراوان     |      | خدابخش - ب          | ۸۴۰۱۳۰ | ۵۲ |
|   | تهران      |      | کاوه                | ۸۴۰۱۲۸ | ۵۳ |
|   | تهران      |      | نعمت                | ۸۴۰۱۲۸ | ۵۴ |
| به نوشته روزنامه حکومتی جمهوری<br>اسلامی، ۳ تبعه خارجی (افغان)<br>به اعدام محکوم شدند. این افراد<br>هم چنین به ۳۷۰ ضربه شلاق و ۱۲ سال<br>حبس محکوم شدند | راور کرمان |      | اسامی اعلام<br>نشده | ۸۴۰۱۲۸ | ۵۵ |
|   | راور کرمان |      | اسامی اعلام<br>نشده | ۸۴۰۱۲۸ | ۵۶ |
|   | راور کرمان |      | اسامی اعلام<br>نشده | ۸۴۰۱۲۸ | ۵۷ |
| برطبق گزارش خبرگزاری رسمی رژیم-<br>ایرنا یک روز قبل از اعدام در محدوده<br>زندان اصفهان حکم ۷۴ ضربه شلاق اجرا<br>شد و روز بعد در ملأعام اعدام گردید      | اصفهان     | ۴۵   | موسی - ع            | ۸۴۰۱۲۷ | ۵۸ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات  | محل اعدام | سن   | نام              | تاریخ  | ر  |
|--|-----------|------|------------------|--------|----|
|  | اصفهان    | ۱۷   | رسول - ع         | ۸۴۰۱۲۵ | ۵۹ |
|  | اهواز     |      | رتوف             | ۸۴۰۱۲۵ | ۶۰ |
| درفلکۀ ویلا شهر در ملأعام به‌دار آویخته شد.  | نجف آباد  | ۳۲   | قباد - س - م     | ۸۴۰۱۲۵ | ۶۱ |
|  | تهران     | ۳۱   | سعید             | ۸۴۰۱۲۵ | ۶۲ |
|  | تهران     |      | محمد - ش         | ۸۴۰۱۲۴ | ۶۳ |
|  | تهران     |      | محمد - م         | ۸۴۰۱۲۴ | ۶۴ |
| در زندان مرکزی یاسوج در استان کهگیلویه و بویر احمد اعدام شد  | یاسوج     | ۳۸   | حاتم - ج - ک     | ۸۴۰۱۲۳ | ۶۵ |
| در زندان مرکزی یاسوج در استان کهگیلویه و بویر احمد اعدام شد  | یاسوج     | ۵۰   | علی - ف - ه      | ۸۴۰۱۲۳ | ۶۶ |
|  | تهران     | ۲۲   | عبدالحسین - ق    | ۸۴۰۱۲۲ | ۶۷ |
| به‌اعدام در ملأعام محکوم شد  | کرمان     | ۱۸   | اسم اعلام نشده   | ۸۴۰۱۲۲ | ۶۸ |
| به‌اعدام در ملأعام محکوم شد  | کرمان     | ۲۲   | اسم اعلام نشده   | ۸۴۰۱۲۲ | ۶۹ |
| به‌نوشته روزنامه‌های حکومتی ۳ نفر در تهران در ملأعام اعدام شدند  | تهران     |      | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۱۲۱ | ۷۰ |
|  | تهران     |      | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۱۲۱ | ۷۱ |
|  | تهران     |      | اسامی اعلام نشده | ۸۴۰۱۲۱ | ۷۲ |
| خبرگزاری حکومتی ایسنا اعلام کرد که بیدادگاه آخوندی این جوان را به‌رغم این‌که اعلام کرده بیگناه است به‌اعدام محکوم کرده است | تهران     | جوان | صدیق             | ۸۴۰۱۲۰ | ۷۳ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام | سن   | نام              | تاریخ  | ر  |
|---|-----------|------|------------------|--------|----|
|   | خراسان    |      | ساقی             | ۸۴۰۱۱۸ | ۷۴ |
|   | رباط کریم | جوان | سعید             | ۸۴۰۱۱۸ | ۷۵ |
|   | کرج       | جوان | علی              | ۸۴۰۱۱۸ | ۷۶ |
|   | تهران     |      | داوود            | ۸۴۰۱۱۷ | ۷۷ |
|   | تهران     | ۵۰   | کبری             | ۸۴۰۱۱۷ | ۷۸ |
|   | تهران     | جوان | اسم اعلام نشده   | ۸۴۰۱۱۷ | ۷۹ |
| در ملأعام حلق آویز شد   | تویسرکان  |      | احمد - ب         | ۸۴۰۱۱۷ | ۸۰ |
| در ملأعام حلق آویز شد   | تویسرکان  |      | سهراب - ع        | ۸۴۰۱۱۷ | ۸۱ |
| در میدان فلسطین در ملأعام به دار آویخته شد  | ساوه      | ۳۷   | حسن - ر          | ۸۴۰۱۱۶ | ۸۲ |
| در ملأعام به دار آویخته شد  | تهران     |      | محمد - ب         | ۸۳۱۲۲۶ | ۸۳ |
| به نوشته روزنامه حکومتی اعتماد ۲مرد به اعدام محکوم شدند   | تهران     |      | اسامی اعلام نشده | ۸۳۱۲۲۶ | ۸۴ |
|   | تهران     |      | اسامی اعلام نشده | ۸۳۱۲۲۶ | ۸۵ |
| به نوشته روزنامه حکومتی کیهان به اعدام محکوم شد   | ساری      | ۲۲   | الف - ن          | ۸۳۱۲۲۵ | ۸۶ |
|   | مشهد      | جوان | سعید - ح         | ۸۳۱۲۲۵ | ۸۷ |
|   | ورامین    | جوان | بهرام - الف      | ۸۳۱۲۲۵ | ۸۸ |
| او را در پشت بیمارستان محمدی بندرعباس در ملأعام به دار آویختند. قبل از اعدام به وی ۷۴ ضربه شلاق زده شد                | بندرعباس  |      | جلیل - م         | ۸۳۱۲۲۴ | ۸۹ |
|   | بندرعباس  |      | سعید - ه         | ۸۳۱۲۲۴ | ۹۰ |
| برطبق گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا، وی متأهل و دارای ۲ فرزند بوده که به ۵ بار اعدام محکوم شده بود و در ملأعام اعدام شد | اهواز     | ۳۱   | علی - س          | ۸۳۱۲۲۲ | ۹۱ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام            | سن   | محل اعدام | توضیحات   |
|-----|--------|----------------|------|-----------|---|
| ۹۲  | ۸۳۱۲۲۰ | محمد - ف       | جوان | تهران     |   |
| ۹۳  | ۸۳۱۲۲۰ | اسم اعلام نشده | جوان | کرج       | این پسر جوان دانشجوی بوده است   |
| ۹۴  | ۸۳۱۲۲۰ | اصغر           | جوان | مشهد      | برطبق گزارش روزنامه حکومتی کیهان، حکم اعدام در زندان مشهد به اجرا درآمد   |
| ۹۵  | ۸۳۱۲۱۹ | سعید           | ۱۶   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی اعتماد این نوجوان ۱۶ ساله به اعدام محکوم شد  |
| ۹۶  | ۸۳۱۲۱۸ | ابوالقاسم      | ۲۲   | تهران     |   |
| ۹۷  | ۸۳۱۲۱۸ | اسم اعلام نشده | جوان | اصفهان    | برطبق گزارش روزنامه حکومتی همشهری حکم اعدام و ۱۰۰ ضربه شلاق برای این پسر جوان از طرف دیوانعالی حکومت آخوندی تأیید شد  |
| ۹۸  | ۸۳۱۲۱۵ | اکرم - ق       |      | تهران     | به اعتراف سایت حکومتی بازتاب این خبر توسط یک روزنامه نگار زن که دوروز در بند عمومی زندان اوین بازداشت بوده فاش شد که این زن ۴ سال است که در زندان اوین در انتظار اعدام به سر می برد |
| ۹۹  | ۸۳۱۲۱۵ | حمید           | ۲۷   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق محکوم به اعدام شد  |
| ۱۰۰ | ۸۳۱۲۱۳ | حمید           | ۴۹   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق به اعدام و ۱۰ سال زندان و ۱۷۳ ضربه شلاق محکوم شد   |
| ۱۰۱ | ۸۳۱۲۱۳ | محمد           | ۲۳   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق به اعدام و ۱۰ سال زندان و ۱۷۳ ضربه شلاق محکوم شد   |
| ۱۰۲ | ۸۳۱۲۱۳ | رضا            |      |           | برطبق گزارش روزنامه حکومتی جوان این مرد نقاش به اعدام محکوم شد  |
| ۱۰۳ | ۸۳۱۲۱۲ | مهام           | ۲۰   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق به محکوم اعدام شد  |

## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام              | سن   | محل اعدام | توضیحات  |
|-----|--------|------------------|------|-----------|--|
| ۱۰۴ | ۸۳۱۲۱۰ | صفر              |      | تهران     | تبعه افغانستان   |
| ۱۰۵ | ۸۳۱۲۱۰ | علی              | ۳۰   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق علاوه بر اعدام به ۱۵۴ ضربه شلاق هم محکوم شد   |
| ۱۰۶ | ۸۳۱۲۱۰ | حمید             | ۲۷   | کرمانشاه  | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق به اعدام محکوم شد   |
| ۱۰۷ | ۸۳۱۲۰۵ | فرشاد            | جوان | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی اعتماد به اعدام محکوم شد  |
| ۱۰۸ | ۸۳۱۲۰۴ | هادی             | ۲۰   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی شرق به اعدام محکوم شد   |
| ۱۰۹ | ۸۳۱۲۰۴ | اسم اعلام نشده   | ۴۵   | تهران     | برطبق گزارش روزنامه حکومتی اعتماد به اعدام محکوم شد  |
| ۱۱۰ | ۸۳۱۲۰۳ | طیبه - س         | ۲۱   | مرند      | در زمان وقوع جرم ۱۸ ساله بود   |
| ۱۱۱ | ۸۳۱۲۰۰ | محمد - م         | ۱۶   | شیراز     | بنا بر گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا، به دلیل آن که در زمان وقوع جرم ۱۶ ساله بود باید تا رسیدن به سن بلوغ منتظر باشد تا پس از آن، حکم صادره به اجرا در بیاید |
| ۱۱۲ | ۸۳۱۱۲۷ | بهزاد - م        |      | تهران     |  |
| ۱۱۳ | ۸۳۱۱۲۶ | اعظم - ق         | ۳۱   |           |  |
| ۱۱۴ | ۸۳۱۱۱۱ | اسامی اعلام نشده |      | اهواز     | برطبق توضیحات احمدی گلپایان، رئیس بیدادگاه شهرستان اهواز، ۲ نفر به اعدام در ملاعام محکوم شدند  |
| ۱۱۵ | ۸۳۱۱۱۱ | اسامی اعلام نشده |      | اهواز     | برطبق توضیحات احمدی گلپایان، رئیس بیدادگاه شهرستان اهواز، ۲ نفر به اعدام در ملاعام محکوم شدند  |
| ۱۱۶ | ۸۳۱۱۰۸ | محمد             |      | نیشابور   | برطبق گزارش روزنامه حکومتی خراسان به دار آویخته شد   |



## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام | سن | نام            | تاریخ  | ر   |
|---|-----------|----|----------------|--------|-----|
|   | تهران     | ۱۹ | حمید           | ۸۳۱۱۰۷ | ۱۱۷ |
|   | تهران     | ۳۳ | مرتضی          | ۸۳۱۱۰۷ | ۱۱۸ |
|   | اسلامشهر  | ۲۲ | سعید - ر       | ۸۳۱۱۰۵ | ۱۱۹ |
|   | تهران     | ۲۸ | محمدرضا        | ۸۳۱۱۰۵ | ۱۲۰ |
| برطبق گزارش روزنامه حکومتی اعتماد این فرد به اعدام محکوم شد   | تهران     | ۲۰ | علی            | ۸۳۱۱۰۴ | ۱۲۱ |
| برطبق گزارش روزنامه حکومتی اعتماد، این زن به اعدام محکوم شد   | تهران     | ۳۰ | اسم اعلام نشده | ۸۳۱۱۰۴ | ۱۲۲ |
| به نوشته رسانه های حکومتی به اعدام محکوم شد   | تهران     | ۲۵ | محمدرضا        | ۸۳۱۱۰۱ | ۱۲۳ |
| در ملأعام اعدام شد  | طبس       |    | مهدی - ر       | ۸۳۱۰۳۱ | ۱۲۴ |
| به هنگام دستگیری در سال ۷۹ تنها ۱۷سال داشت. وی در زندان اوین به دار آویخته شد                       | تهران     | ۱۹ | ایمان - ف      | ۸۳۱۰۳۰ | ۱۲۵ |
|   | تهران     |    | داوود - ب      | ۸۳۱۰۳۰ | ۱۲۶ |
| در زندان اوین حلق آویز شد   | تهران     |    | علیرضا         | ۸۳۱۰۳۰ | ۱۲۷ |
|   | تهران     |    | والی الله - ز  | ۸۳۱۰۳۰ | ۱۲۸ |
|   | تهران     | ۳۵ | کریم           | ۸۳۱۰۳۰ | ۱۲۹ |
| به نقل از روزنامه حکومتی ایران  | مشهد      | ۲۵ | ممد - س        | ۸۳۱۰۲۹ | ۱۳۰ |
|   | تهران     | ۳۵ | لطیف           | ۸۳۱۰۲۹ | ۱۳۱ |
| در بلوار شفای مشهد در ملأعام حلق آویز شد وی هم چنین به ۹سال زندان و تحمل ۱۵۴ضربه شلاق محکوم شده بود | مشهد      |    | اسم اعلام نشده | ۸۳۱۰۲۸ | ۱۳۲ |
|   | تهران     |    | غلامرضا        | ۸۳۱۰۲۱ | ۱۳۳ |

## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام | سن   | نام            | د      | ر   |
|---|-----------|------|----------------|--------|-----|
|   | تهران     | ۳۰   | عباس           | ۸۳۱۰۲۰ | ۱۳۴ |
|   | تهران     |      | علی            | ۸۳۱۰۱۵ | ۱۳۵ |
|   | تهران     |      | اسماعیل - ع    | ۸۳۱۰۱۵ | ۱۳۶ |
|   | تهران     |      | معصومه - ش     | ۸۳۱۰۱۵ | ۱۳۷ |
|   | تهران     |      | مسعود          | ۸۳۱۰۱۲ | ۱۳۸ |
|   | تهران     | ۳۰   | سعید - ب       | ۸۳۱۰۰۹ | ۱۳۹ |
|   |           |      | علیرضا         | ۸۳۱۰۰۸ | ۱۴۰ |
|   |           |      | مهدی           | ۸۳۱۰۰۸ | ۱۴۱ |
|   |           | ۱۸   | مهدی - ب       | ۸۳۱۰۰۸ | ۱۴۲ |
|   | تهران     | ۴۸   | اسم اعلام نشده | ۸۳۱۰۰۶ | ۱۴۳ |
| به گزارش روشنگری در منطقه<br>دوست آباد جاده قدیم قوچان در<br>ملأعام اعدام شد          | قوچان     | جوان | مصطفی          | ۸۳۱۰۰۶ | ۱۴۴ |
| به گزارش روشنگری در خیابان مهري<br>شمالی در بلوار هدایت در ملأعام به دار<br>آویخته شد | مشهد      | جوان | محمد رضا       | ۸۳۱۰۰۶ | ۱۴۵ |
|   | تهران     |      | ابوالقاسم      | ۸۳۱۰۰۱ | ۱۴۶ |
|   | جلفا      | ۲۲   | حاجیه - الف    | ۸۳۰۹۲۹ | ۱۴۷ |
|   | سمنان     |      | قدیر - ض       | ۸۳۰۹۲۳ | ۱۴۸ |
|   | سمنان     |      | حسین           | ۸۳۰۹۲۱ | ۱۴۹ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات                                       | محل اعدام        | سن | نام                       | تاریخ  | ر   |
|---|------------------|----|---------------------------|--------|-----|
|   | بندرعباس         |    | اسم اعلام نشده            | ۸۳۰۹۱۷ | ۱۵۰ |
|   | بندرعباس         |    | اسم اعلام نشده            | ۸۳۰۹۱۷ | ۱۵۱ |
|   | زابل             |    | اسم اعلام نشده            | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۲ |
|   | تهران            |    | حسن ک                     | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۳ |
|   | تهران            |    | حسین                      | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۴ |
|   | زاهدان           |    | به‌الله - گ               | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۵ |
| به‌نقل از روزنامه حکومتی اعتماد               | اسلام‌آباد (کرج) |    | حسین - ح                  | ۸۳۰۹۱۰ | ۱۵۶ |
| به‌نوشته مطبوعات حکومتی در ملأعام حلق آویز شد | زاهدان           |    | جمعه - گ                  | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۷ |
| به‌نوشته مطبوعات حکومتی در ملأعام حلق آویز شد | زاهدان           |    | ضیاءالحق - گ              | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۸ |
| به‌نوشته مطبوعات حکومتی در ملأعام حلق آویز شد | زاهدان           |    | علیرضا - ل                | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۵۹ |
|   | زاهدان           |    | محمد - ح.ز                | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۶۰ |
|   | زاهدان           |    | نعیم - ق                  | ۸۳۰۹   | ۱۶۱ |
|   | زاهدان           |    | عبدالمجید - غ             | ۸۳۰۹۱۶ | ۱۶۲ |
|   | عباس‌آباد        |    | محمدعلی - ج               | ۸۳۰۹۱۵ | ۱۶۳ |
| به‌نقل از روزنامه حکومتی ایران                | قم               | ۲۵ | امیر - الف                | ۸۳۰۹۱۰ | ۱۶۴ |
|   | تهران            | ۳۹ | حسن                       | ۸۳۰۹۱۰ | ۱۶۵ |
|   | تهران            | ۱۹ | مصطفی                     | ۸۳۰۹۰۹ | ۱۶۶ |
|   | تهران            |    | محمد - ع<br>(اهل بنگلادش) | ۸۳۰۹۰۸ | ۱۶۷ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام | سن     | نام              | ر   |
|---|-----------|--------|------------------|-----|
|   | مشهد      | ۲۵     | نجمه             | ۱۶۸ |
|   | تهران     | ۲۲     | کبری - ر         | ۱۶۹ |
|   | تهران     |        | وحید             | ۱۷۰ |
| فرزند جمال - در سنندج زیر ضربات شلاق پاسداران به قتل رسید     | سنندج     | نوجوان | کاوه - الف       | ۱۷۱ |
| به نوشته رسانه‌های حکومتی به اعدام محکوم شد                   | تهران     |        | علیرضا           | ۱۷۲ |
|   | تهران     |        | علیرضا           | ۱۷۳ |
|   | تهران     | ۲۵     | خسرو             | ۱۷۴ |
|   | تهران     |        | سیما             | ۱۷۵ |
|   | تهران     |        | محمد رضا         | ۱۷۶ |
| تاریخ اعدام اعلام نشده ولی در تاریخ ۲۸ مهر خبر آن منتشر شد    | قزوین     |        | اسم اعلام نشده   | ۱۷۷ |
|   | مازندران  |        | حسن              | ۱۷۸ |
|   | مازندران  |        | حمید رضا         | ۱۷۹ |
|   | مازندران  |        | رضا              | ۱۸۰ |
|   | مازندران  |        | محمد رضا         | ۱۸۱ |
| به نوشته مطبوعات تهران حکم اعدام ۳ نوجوان تأیید شد            | تهران     | نوجوان | اسامی اعلام نشده | ۱۸۲ |
|   | تهران     | نوجوان | اسامی اعلام نشده | ۱۸۳ |
|   | تهران     | نوجوان | اسامی اعلام نشده | ۱۸۴ |
| بر طبق گزارش ایرنا، خبرگزاری رسمی حکومتی در ملامع حلق آویز شد | شیراز     |        | عزیز - م         | ۱۸۵ |

## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام | سن | نام              | ر             |
|---|-----------|----|------------------|---------------|
| برطبق گزارش خبرگزاری رسمی حکومتی - ایرنا در ملأعام حلق آویز شد                      | شیراز     |    | مجتبی - الف      | ۱۸۶<br>۸۳۰۷۲۳ |
| به نقل از روزنامه حکومتی آفتاب  | قائم شهر  | ۳۶ | اسم اعلام نشده   | ۱۸۷<br>۸۳۰۷۲۳ |
|   | لاهیجان   |    | اسم اعلام نشده   | ۱۸۸<br>۸۳۰۷۲۳ |
|   | تهران     | ۳۳ | فاطمه - ح. پ     | ۱۸۹<br>۸۳۰۷۲۲ |
| به نقل از روزنامه حکومتی گیلان امروز  | رشت       |    | م - م            | ۱۹۰<br>۸۳۰۷۲۲ |
|   | تهران     | ۲۴ | محمد             | ۱۹۱<br>۸۳۰۷۲۱ |
|   |           |    | جواد             | ۱۹۲<br>۸۳۰۷۲۱ |
|   |           | ۲۴ | مهران            | ۱۹۳<br>۷۳۰۷۲۰ |
| در جاده کوت عبدالله در ملأعام به دار آویخته شد                                      | اهواز     |    | محمد - د         | ۱۹۴<br>۸۳۰۷۱۹ |
| برطبق گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا در یکی از میدانهای شهر در ملأعام به دار آویخته شد | مشهد      | ۴۳ | قاسم - س         | ۱۹۵<br>۸۳۰۷۱۹ |
| روزنامه حکومتی شرق  | تهران     |    | آرش              | ۱۹۶<br>۸۳۰۷۱۸ |
| روزنامه حکومتی شرق  | تهران     |    | عباس             | ۱۹۷<br>۸۳۰۷۱۸ |
| روزنامه حکومتی شرق  | تهران     |    | فاطمه            | ۱۹۸<br>۸۳۰۷۱۸ |
| برطبق گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا ۴ نفر در تنکابن اعدام شدند                        | تنکابن    |    | اسامی اعلام نشده | ۱۹۹<br>۸۳۰۷۱۵ |
|   | تنکابن    |    | اسامی اعلام نشده | ۲۰۰<br>۸۳۰۷۱۵ |
|   | تنکابن    |    | اسامی اعلام نشده | ۲۰۱<br>۸۳۰۷۱۵ |
|   | تنکابن    |    | اسامی اعلام نشده | ۲۰۲<br>۸۳۰۷۱۵ |
|   | تهران     |    | حمیدرضا - ص      | ۲۰۳<br>۸۳۰۷۱۴ |

## شماری از اعدام‌های جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام              | سن     | محل اعدام | توضیحات  |
|-----|--------|------------------|--------|-----------|--|
| ۲۰۴ | ۸۳۰۷۱۴ | اسامی اعلام نشده |        | سلمانشهر  | برطبق گزارش روزنامه‌های حکومتی، ۴ زندانی در زندان سلمان شهر اعدام شدند |
| ۲۰۵ | ۸۳۰۷۱۴ | اسامی اعلام نشده |        | سلمانشهر  | برطبق گزارش روزنامه‌های حکومتی، ۴ زندانی در زندان سلمان شهر اعدام شدند |
| ۲۰۶ | ۸۳۰۷۱۴ | اسامی اعلام نشده |        | سلمانشهر  | برطبق گزارش روزنامه‌های حکومتی ۴ زندانی در زندان سلمان شهر اعدام شدند  |
| ۲۰۷ | ۸۳۰۷۱۴ | اسامی اعلام نشده |        | سلمانشهر  | برطبق گزارش روزنامه‌های حکومتی، ۴ زندانی در زندان سلمان شهر اعدام شدند |
| ۲۰۸ | ۸۳۰۷۱۳ | اسامی اعلام نشده |        | جیرفت     | برطبق گزارش روزنامه‌های حکومتی، ۲ زندانی در زندان جیرفت اعدام شدند     |
| ۲۰۹ | ۸۳۰۷۱۳ | اسامی اعلام نشده |        | جیرفت     | برطبق گزارش روزنامه‌های حکومتی، ۲ زندانی در زندان جیرفت اعدام شدند     |
| ۲۱۰ | ۸۳۰۷۱۲ | مهرداد           |        | تهران     |  |
| ۲۱۱ | ۸۳۰۷۱۱ | اسامی اعلام نشده | نوجوان | اصفهان    | بنا بر گزارش مطبوعات حکومتی، حکم اعدام ۲ نوجوان در اصفهان صادر شد      |
| ۲۱۲ | ۸۳۰۷۱۱ | اسامی اعلام نشده | نوجوان | اصفهان    | بنا بر گزارش مطبوعات حکومتی، حکم اعدام ۲ نوجوان در اصفهان صادر شد      |
| ۲۱۳ | ۸۳۰۷۱۰ | مهرداد - و       | ۳۳     | اصفهان    | در چهارراه رباط مقابل چشمان همسر و فرزندانش حلق آویز شد                |
| ۲۱۴ | ۸۳۰۷۰۹ | حبیب             | ۴۵     | کرج       | به‌نقل از روزنامه حکومتی اعتماد  |
| ۲۱۵ | ۸۳۰۷۰۸ | حمید - خ         |        | اهواز     | در میدان کودک، بلوار گلستان اعدام شد                                   |

## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام              | سن   | محل اعدام | توضیحات  |
|-----|--------|------------------|------|-----------|--|
| ۲۱۶ | ۸۳۰۷۰۸ | اسم اعلام نشده   | ۵۸   | کرج       | برطبق گزارش روزنامه حکومتی ایران در زندان رجایی شهر کرج به دار آویخته شد |
| ۲۱۷ | ۸۳۰۷۰۷ | اسامی اعلام نشده |      | ساوه      | روزنامه‌های حکومتی اعلام کردند که ۲ نفر افغانی به دار آویخته شدند        |
| ۲۱۸ | ۸۳۰۷۰۷ | اسامی اعلام نشده |      | ساوه      | روزنامه‌های حکومتی اعلام کردند که ۲ نفر افغانی به دار آویخته شدند        |
| ۲۱۹ | ۸۳۰۷۰۶ | محسن             |      | اهواز     | حلق آویز   |
| ۲۲۰ | ۸۳۰۷۰۶ | علیرضا           |      | تهران     |  |
| ۲۲۱ | ۸۳۰۷۰۴ | بهرام - الف      |      | شهرکرد    |  |
| ۲۲۲ | ۸۳۰۷۰۱ | محمد رضا         |      | تهران     |  |
| ۲۲۳ | ۸۳۰۶۳۱ | سعید             | ۲۲   | تهران     |  |
| ۲۲۴ | ۸۳۰۶۳۱ | اسم اعلام نشده   | ۲۲   | قزوین     | به گزارش مطبوعات تهران در قزوین اعدام شد                                 |
| ۲۲۵ | ۸۳۰۶۳۰ | مسعود - س        |      | اصفهان    |  |
| ۲۲۶ | ۸۳۰۶۳۰ | اسم اعلام نشده   |      | تهران     | حلق آویز   |
| ۲۲۷ | ۸۳۰۶۲۸ | اسم اعلام نشده   |      | میناب     | حلق آویز   |
| ۲۲۸ | ۸۳۰۶۲۷ | اسامی اعلام نشده |      | تهران     |  |
| ۲۲۹ | ۸۳۰۶۲۷ | اسامی اعلام نشده |      | تهران     |  |
| ۲۳۰ | ۸۳۰۶۲۷ | اسم اعلام نشده   | جوان | دزفول     |  |
| ۲۳۱ | ۸۳۰۶۱۸ | اسم اعلام نشده   |      | آبادان    |  |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام              | سن | محل اعدام | توضیحات  |
|-----|--------|------------------|----|-----------|--|
| ۲۳۲ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | تهران     | به نوشته روزنامه‌های حکومتی ۵ نفر در ساعت ۴ صبح در زندان اوین به دار آویخته شدند |
| ۲۳۳ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | تهران     |  |
| ۲۳۴ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | تهران     |  |
| ۲۳۵ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | تهران     |  |
| ۲۳۶ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | تهران     |  |
| ۲۳۷ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | تهران     |  |
| ۲۳۸ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | کرج       |  |
| ۲۳۹ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | کرج       |  |
| ۲۴۰ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | مشهد      |  |
| ۲۴۱ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | مشهد      |  |
| ۲۴۲ | ۸۳۰۶۱۸ | اسامی اعلام نشده |    | مشهد      |  |
| ۲۴۳ | ۸۳۰۶۱۸ | فیض محمد         | ۱۶ | کرج       | نوجوان افغانی  |
| ۲۴۴ | ۸۳۰۶۱۸ | علی - م          |    | تهران     | نوجوان   |
| ۲۴۵ | ۸۳۰۶۱۸ | مرتضی - ف        |    | تهران     | نوجوان   |
| ۲۴۶ | ۸۳۰۶۱۸ | میلاد - ب        |    | تهران     | نوجوان   |



## شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | سن | محل اعدام | نام              | تاریخ  | ر   |
|---|----|-----------|------------------|--------|-----|
|   |    | تهران     | اسامی اعلام نشده | ۸۳۰۶۱۷ | ۲۴۷ |
|   |    | تهران     | اسامی اعلام نشده | ۸۳۰۶۱۷ | ۲۴۸ |
|   |    | تهران     | اسامی اعلام نشده | ۸۳۰۶۱۷ | ۲۴۹ |
| در فلکه ذوالفقاری در ملاعام اعدام شد. وی تا ۳۵ دقیقه بعد از اعدام بر بالای چوبه‌دار بوده است بار اول ۱۰ دقیقه پس از اعدام در حالی که زنده بوده او را پائین کشیده و مجدداً به‌دار کشیدند | ۳۲ | آبادان    | احمد - م         | ۸۳۰۶۱۶ | ۲۵۰ |
|   |    | آبادان    | اسم اعلام نشده   | ۸۳۰۶۱۶ | ۲۵۱ |
|   |    | مشهد      | اسامی اعلام نشده | ۸۳۰۶۱۳ | ۲۵۲ |
|   |    | مشهد      | اسامی اعلام نشده | ۸۳۰۶۱۳ | ۲۵۳ |
|   |    | مشهد      | اسامی اعلام نشده | ۸۳۰۶۱۳ | ۲۵۴ |
| در میدان امیرکبیر اراک به‌دار آویخته شد   |    | اراک      | اسم اعلام نشده   | ۸۳۰۶۰۸ | ۲۵۵ |
| در نزدیک تهران به‌دار آویخته شد   |    | تهران     | اسم اعلام نشده   | ۸۳۰۶۰۴ | ۲۵۶ |
|   | ۳۰ | تهران     | فریدون           | ۸۳۰۶۰۲ | ۲۵۷ |
|   |    | کرمان     | حمید             | ۸۳۰۵۳۱ | ۲۵۸ |
|   |    | کرمان     | غلامرضا          | ۸۳۰۵۳۱ | ۲۵۹ |
|   |    | کرمان     | محمد             | ۸۳۰۵۳۱ | ۲۶۰ |
|   |    | تهران     | صمد              | ۸۳۰۵۳۱ | ۲۶۱ |
|   |    | تهران     | شهرام            | ۸۳۰۵۳۱ | ۲۶۲ |
|   |    | تهران     | حسین             | ۸۳۰۵۲۷ | ۲۶۳ |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام                 | سن   | محل اعدام      | توضیحات   |
|-----|--------|---------------------|------|----------------|---|
| ۲۶۴ | ۸۳۰۵۲۵ | عاطفه - س           | ۱۶   | نکا            | در خیابان راه آهن خیابان<br>سی متری در ملأعام به دار آویخته<br>شد. سن او ۱۶ سال بود اما به دروغ<br>گفتند او ۲۲ سال سن داشته |
| ۲۶۵ | ۸۳۰۵۲۰ | حسین - ز            |      | شبانکاره بوشهر | در ملأعام حلق آویز شد   |
| ۲۶۶ | ۸۳۰۵۱۸ | گل محمد             |      | تهران          |   |
| ۲۶۷ | ۸۳۰۵۱۸ | فاطمه               |      | تهران          |   |
| ۲۶۸ | ۸۳۰۵۱۸ | رضا                 |      | تهران          |   |
| ۲۶۹ | ۸۳۰۵۱۵ | شه بخش              | ۲۹   | زاهدان         | در ملأعام حلق آویز شد   |
| ۲۷۰ | ۸۳۰۵۱۵ | یوسف - پ            |      | زاهدان         | در تقاطع امیرالمومنین در ملأعام<br>حلق آویز شد  |
| ۲۷۱ | ۸۳۰۵۱۴ | مجید                |      | قزوین          | در زندان قزوین حلق آویز شد  |
| ۲۷۲ | ۸۳۰۵۱۳ | محمد                |      | تهران          |   |
| ۲۷۳ | ۸۳۰۵۱۳ | مرتضی               |      | تهران          |   |
| ۲۷۴ | ۸۳۰۵۱۳ | مجید                |      | تهران          |   |
| ۲۷۵ | ۸۳۰۵۱۳ | محسن                |      | تهران          |   |
| ۲۷۶ | ۸۳۰۵۱۳ | اسم اعلام<br>نشده   | جوان | بابل           | محکوم به سه بار اعدام   |
| ۲۷۷ | ۸۳۰۵۱۳ | اسم اعلام<br>نشده   |      | پلدختر         | به نوشته روزنامه حکومتی<br>رسالت یک زندانی در ملأعام<br>حلق آویز شد   |
| ۲۷۸ | ۸۳۰۵۱۲ | اسامی اعلام<br>نشده |      | مشهد           | به نوشته روزنامه حکومتی<br>جمهوری ۶ زندانی در مشهد<br>به اعدام محکوم شده اند  |
| ۲۷۹ | ۸۳۰۵۱۲ | اسامی اعلام<br>نشده |      | مشهد           |   |
| ۲۸۰ | ۸۳۰۵۱۲ | اسامی اعلام<br>نشده |      | مشهد           |   |

## شماری از اعدام‌های جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام              | سن   | محل اعدام | توضیحات  |
|-----|--------|------------------|------|-----------|--|
| ۲۸۱ | ۸۳۰۵۱۲ | اسامی اعلام نشده |      | مشهد      |  |
| ۲۸۲ | ۸۳۰۵۱۲ | اسامی اعلام نشده |      | مشهد      |  |
| ۲۸۳ | ۸۳۰۵۱۲ | اسامی اعلام نشده |      | مشهد      |  |
| ۲۸۴ | ۸۳۰۵۱۰ | اسم اعلام نشده   |      | تهران     | به نقل از روزنامه حکومتی<br>قدس، یک زندانی در تهران<br>محکوم به اعدام شد |
| ۲۸۵ | ۸۳۰۵۱۰ | آرش              | جوان | مشهد      | اعدام - ملأعام   |
| ۲۸۶ | ۸۳۰۵۱۰ | جواد             | جوان | مشهد      | اعدام - ملأعام   |
| ۲۸۷ | ۸۳۰۵۱۰ | داوود            | جوان | مشهد      | اعدام - ملأعام   |
| ۲۸۸ | ۸۳۰۵۱۰ | علی              | جوان | مشهد      | اعدام - ملأعام   |
| ۲۸۹ | ۸۳۰۵۰۸ | حمیدرضا - ض      |      | کرمان     | در هفت باغ کرمان در<br>ملأعام حلق آویز شد                                |
| ۲۹۰ | ۸۳۰۵۰۷ | احمد             | جوان | قزوین     | روزنامه حکومتی جمهوری<br>اعلام کرد که در زندان<br>قزوین حلق آویز شد      |
| ۲۹۱ | ۸۳۰۵۰۷ | بهمن             | جوان | قزوین     | روزنامه حکومتی جمهوری<br>اعلام کرد که در زندان<br>قزوین حلق آویز شد      |
| ۲۹۲ | ۸۳۰۵۰۷ | سعید             | جوان | قزوین     | روزنامه حکومتی جمهوری<br>اعلام کرد که در زندان<br>قزوین حلق آویز شد      |
| ۲۹۳ | ۸۳۰۵۰۷ | محمد - الف       | جوان | قزوین     | روزنامه حکومتی جمهوری<br>اعلام کرد که در زندان<br>قزوین حلق آویز شد      |
| ۲۹۴ | ۸۳۰۵۰۵ | علی              | جوان | کرج       | در شهرک فردیس کرج<br>حلق آویز شد   |
| ۲۹۵ | ۸۳۰۴۳۰ | سعید             |      | تهران     |  |
| ۲۹۶ | ۸۳۰۴۲۹ | موسی - ن         |      | دهلران    | حلق آویز در ملأعام در<br>میدان خمینی                                     |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

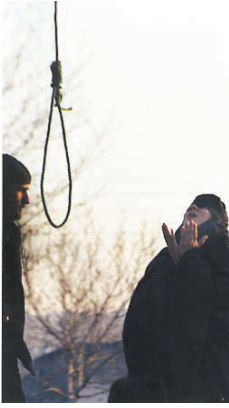
| ر   | تاریخ  | نام            | سن | محل اعدام | توضیحات   |
|-----|--------|----------------|----|-----------|---|
| ۲۹۷ | ۸۳۰۴۲۹ | مهدی - ی       | ۲۰ | نجف آباد  | حلق آویز در ملأعام در فلکة ویلاشهر                                |
| ۲۹۸ | ۸۳۰۴۲۹ | نواب - د       | ۱۹ | نجف آباد  | حلق آویز در ملأعام در فلکة ویلاشهر                                |
| ۲۹۹ | ۸۳۰۴۲۹ | حمیدرضا        |    | تهران     |   |
| ۳۰۰ | ۸۳۰۴۲۵ | اسم اعلام نشده |    | اصفهان    | خبرگزاری رژیم از حلق آویز نمودن یک زندانی در اصفهان خبر داد       |
| ۳۰۱ | ۸۳۰۴۲۵ | اسم اعلام نشده |    | کرج       | خبرگزاری رژیم از حلق آویز نمودن یک زندانی در کرج خبر داد          |
| ۳۰۲ | ۸۳۰۴۲۴ | امید - پ       |    | ساری      | حلق آویز در ملأعام در میدان خزر ساری                              |
| ۳۰۳ | ۸۳۰۴۲۲ | اسم اعلام نشده | ۲۷ | قزوین     | به گزارش روزنامه حکومتی کیهان یک زندانی زن در قزوین اعدام شد      |
| ۳۰۴ | ۸۳۰۴۲۲ | علی - د        |    | تهران     |   |
| ۳۰۵ | ۸۳۰۴۲۰ | ارشادالله      |    | فومن      | به نوشته روزنامه حکومتی ایران در ملأعام در فومن گیلان حلق آویز شد |
| ۳۰۶ | ۸۳۰۴۲۰ | محمدعلی        |    | فومن      | به نوشته روزنامه حکومتی ایران در ملأعام در فومن گیلان حلق آویز شد |
| ۳۰۷ | ۸۳۰۴۱۶ | آنه - د        |    | تهران     |   |
| ۳۰۸ | ۸۳۰۴۰۳ | شهرز           | ۲۴ | تهران     |   |
| ۳۰۹ | ۸۳۰۳۲۷ | محمود          |    | تهران     |   |
| ۳۱۰ | ۸۳۰۳۱۸ | هاشم           | ۲۰ | مشهد      |   |
| ۳۱۱ | ۸۳۰۳۱۵ | حسن            |    | مازندران  | به نقل از روزنامه حکومتی کیهان                                    |

### شماری از اعدامهای جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| توضیحات   | محل اعدام | سن   | نام                 | تاریخ  | ر   |
|---|-----------|------|---------------------|--------|-----|
|   | مازندران  |      | حمیدرضا             | ۸۳۰۳۱۵ | ۳۱۲ |
|   | مازندران  |      | رضا                 | ۸۳۰۳۱۵ | ۳۱۳ |
|   | مازندران  |      | شهرز                | ۸۳۰۳۱۵ | ۳۱۴ |
|   | مازندران  |      | محمدرضا             | ۸۳۰۳۱۵ | ۳۱۵ |
|   | مازندران  |      | نبی                 | ۸۳۰۳۱۵ | ۳۱۶ |
|   | مازندران  |      | نوروز               | ۸۳۰۳۱۵ | ۳۱۷ |
|   | تهران     |      | شهلا - ج            | ۸۳۰۳۲۸ | ۳۱۸ |
|   | تبریز     |      | عزت‌الله - م        | ۸۳۰۳۱۱ | ۳۱۹ |
| حلق آویز در ملأعام در میدان<br>بالاده   | کازرون    |      | یوسف - ص            | ۸۳۰۲۳۰ | ۳۲۰ |
| حلق آویز در ملأعام در<br>چهارراه طبهرسی   | مشهد      |      | فرهاد معروف به امیر | ۸۳۰۲۲۴ | ۳۲۱ |
| نقل از روزنامه خراسان   | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۲ |
| به‌نوشته روزنامه حکومتی<br>خراسان برای ۶ نفر دیگر<br>همزمان احکام اعدام صادر شد | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۳ |
|   | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۴ |
|   | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۵ |
|   | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۶ |
|   | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۷ |
|   | اراک      |      | اسامی اعلام نشده    | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۸ |
| روزنامه حکومتی جمهوری از<br>صدور حکم نهایی اعدام برای<br>این زن جوان خبر داد    | کرج       | جوان | اسم اعلام نشده      | ۸۳۰۲۱۷ | ۳۲۹ |
| روزنامه حکومتی خراسان،<br>صدور حکم اعدام این زن<br>جوان را اعلام کرد            | کرج       | ۱۹   | لیلا                | ۸۳۰۲۱۶ | ۳۳۰ |

## شماری از اعدام‌های جرائم عادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴

| ر   | تاریخ  | نام            | سن   | محل اعدام | توضیحات   |
|-----|--------|----------------|------|-----------|---|
| ۳۳۱ | ۸۳۰۲۱۵ | اسم اعلام نشده | ۴۳   | کرج       | به‌نوشته روزنامه حکومتی ایران در زندان قزلحصار کرج به‌دار آویخته شد                 |
| ۳۳۲ | ۸۳۰۲۱۴ | حسن - پ        |      | خرم آباد  | به‌نوشته روزنامه حکومتی جمهوری در میدان اسدآباد خرم آباد در ملأعام به‌دار آویخته شد |
| ۳۳۳ | ۸۳۰۲۱۳ | ابوالقاسم      |      | اهواز     | در خیابان سلمان فارسی در ملأعام به‌دار آویخته شد                                    |
| ۳۳۴ | ۸۳۰۱۳۰ | امیرحسین - ک   | جوان | تهران     | به‌نوشته روزنامه حکومتی ایران در زندان قصر اعدام شد                                 |
| ۳۳۵ | ۸۳۰۱۳۰ | حبیب - س       | جوان | تهران     | به‌نوشته روزنامه حکومتی ایران در زندان قصر اعدام شد                                 |
| ۳۳۶ | ۸۳۰۱۳۰ | علیرضا - ک     | جوان | تهران     | به‌نوشته روزنامه حکومتی ایران در زندان قصر اعدام شد                                 |



يك زن لحظاتی قبل از اعدام در شرق تهران  
اسفندماه ۱۳۷۹



صحنه‌هایی از اعدام جمعی در شرق تهران در ملاءعام  
اسفندماه ۱۳۷۹





اعدام جوانی به نام جمشیدی در ملاعام



اعدام ۳ جوان در سوسنگرد در ملاعام  
۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۴



- اعدام جوانی به نام جوادی در تهران  
- صحنه‌یی از اعدام در ملاءعام در اهواز



تصویرهای اعدام احمد دولتیاری معروف به احمد روسی در ملاعام  
اردیبهشت ماه ۱۳۸۱





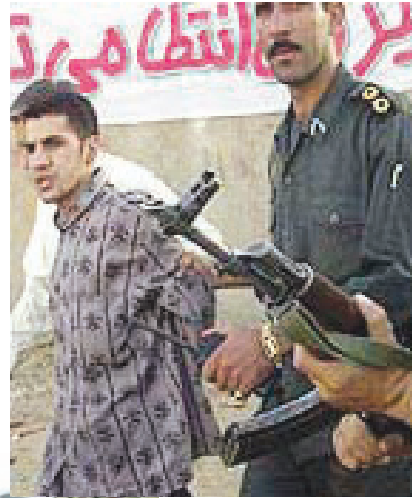
I SNA



صحنه‌هایی از اعدام جمعی در ملأعام



۲۹ دی ۸۳ - این جوان در بلوار شقای مشهد در ملأعام حلق آویز شد. وی هم چنین به ۹ سال زندان و ۱۵۴ ضربه شلاق محکوم شده بود.  
عکس از روزنامه ایران

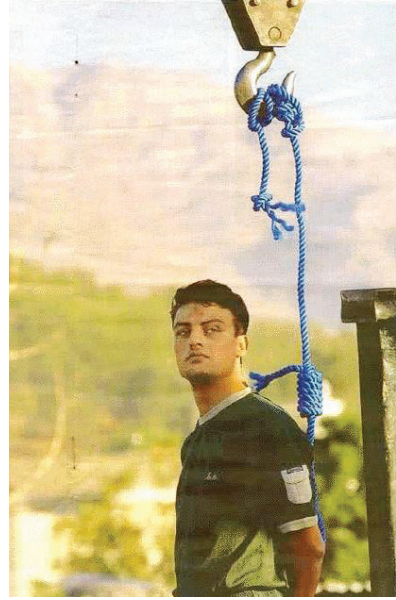


بهت و حیرت مردم از صحنه اعدام



اعدام در ملأعام با حضور زنان و کودکان





اعدام ۵ جوان در ملاءعام در تهران



۲۸ تیر ۱۳۸۴ - اعدام دو نوجوان ۱۸ و زیر ۱۸ سال در میدان عدالت مشهد

## اعدامها را متوقف کنید

افشاگری در مورد اعدامهای ظالمانهٔ آخوندهای شقاوت‌پیشه همواره بخشی از کارزار بین‌المللی شورای ملی مقاومت به‌منظور دفاع از حقوق بشر و جلوگیری از این روند فاجعه‌بار در ایران تحت ستم بوده است.

مقاومت ایران پیوسته با اتکا به حمایتها و منابع مردمی در داخل کشور اسناد این جنایات ضدبشری را به‌دست آورده و آن را نزد مجامع و ارگانهای جهانی و به‌خصوص افکار عمومی افشا کرده است. ارگانهای خبری مقاومت و از جمله دبیرخانهٔ شورا ظرف یک روز چند اطلاعیهٔ خبری دربارهٔ سرکوبها منتشر کرده‌اند.

اطلاعیه‌های شورای ملی جنایتهای رژیم طی ۱۴ دیماه ۸۲ تا پایان سال ۸۳، که در این فصل جمع‌آوری شده گویای افشاگریهای مداوم مقاومت ایران علیه این شقاوتهاست.

این افشاگریها، توجه نمایندگان پارلمانها، شخصیتهای سیاسی، مدافعان حقوق بشر، مراجع بین‌المللی و دولتها را نسبت به وضعیت فجیع حقوق بشر در ایران جلب کرده و موجب برانگیختن انزجار عمومی نسبت به آخوندها شده است.

مقاومت ایران همواره دبیرکل ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد را به اقدام فوری برای جلوگیری از اعدامهای افسارگسیخته در ایران فرا خوانده است.

این اقدامات روشنگرانه پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران و به‌خصوص تداوم

مجازات و حشیانۀ اعدام در ملأعام تأثیر گسترده بین‌المللی داشته و به‌ویژه در سالهای اخیر برای معامله و مماشات با این دیکتاتوری خونریز قرون‌وسطایی را دشوار کرده است.

در این میان شرف و افتخار مبارزاتی و سیاسی سزاوار نیروی مقاومتی است که لحظه‌به‌لحظه جنایتهای رژیم را در حق هر کس و به هر صورتی که رخ داده افشا نموده و پیوسته حامی و مدافع قربانیان این رژیم بوده است.

۲۳ دی ۸۲:

### ایران: ۱۱ اعدام در روزهای اول سال جدید میلادی

«رژیم آخوندی به‌منظور ایجاد جورعب و وحشت و ممانعت از گسترش خیزشهای ضدحکومتی موج جدیدی از اعدام در ملأعام به راه انداخته است. روز ۱۱ دیماه سردرژخیم امیر سهراب بیگ، رئیس کل دادگستری خوزستان گفت: «اقدامات قاطعانه دستگاه قضایی... در سطح وسیعی در حال شکل‌گیری است و با برنامه‌ریزی انجام شده اجرای اعدام در ملأعام قاطع‌تر از گذشته و به‌طور مرتب و منظم تا آخر سال در تمامی شهرهای استان خوزستان به فاصله هر ۱۰ الی ۱۵ روز اجرا خواهد شد» (روزنامه حکومتی شرق ۱۱ دی ۸۳).

روز ۲۲ دیماه دو زندانی به‌نامهای خیدان غلامی پور در ایلام و حسن رضا مقرب در مشهد اعدام شدند.

روز ۲۱ دیماه یک زندانی به نام عبدالله دیلمی در برابر دیدگان مردم وحشت‌زده اهواز در فلکه چهارشیر این شهر به‌دار آویخته شد. مردم اهواز میدان چهارشیر و پل نادری را به علت کثرت اعدامهایی که در آن‌جا صورت می‌گیرد، «میدان اعدام» و «پل اعدام» نامگذاری کرده‌اند.

بنا به رسانه‌های حکومتی یک زندانی به نام حمیدرضا، سحرگاه روز ۱۷ دی در زندان قصر تهران به‌دار کشیده شد. در همین روز مردی به‌نام رضا در میدان فجر، از میدانهای اصلی شهر تبریز حلق آویز گردید.

روز ۱۴ دیماه یک زندانی به نام عباس دلیلی در زندان ساری و دو زندانی به اسامی محمدل (۵۴ ساله) و حمیدرضا. الف (۳۴ ساله)، در گناباد به‌دار آویخته شدند. یک

زندانی دیگر به نام علی عبداللهی روز ۱۱دی در مقابل مقر نیروی سرکوبگر انتظامی تنکابن و در برابر چشمان وحشت زده ۲۰۰۰ تن از اهالی اعدام شد.

روزنامه حکومتی شرف روز ۱۳دی نوشت یک زن ۲۴ساله به نام کبری رحمانپور بعد از چهار سال تحمل زندان، بدون این که از قبل از زمان اجرای حکم اعدام مطلع گردد، ناگهان در نیمه شب ۹دیماه به بند مخصوص اجرای حکم در زندان اوین منتقل و در سحرگاه همان روز به پای چوبه‌دار برده شد و طناب بر گردنش انداختند، اما در آخرین لحظات به علت «کمبود وسایل فنی» اجرای حکم به هفته بعد موکول گردید.

روز ۱۸دی روزنامه‌های حکومتی از اعدام قریب الوقوع یک زندانی به نام ابوالقاسم. ع در بهبهان خبر دادند.

همزمان با موج جدید اعدامها، اجرای سایر مجازاتهای وحشیانه نیز در ملأعام ادامه دارد. صبح روز دوشنبه ۱۵دیماه جلادان حکومت آخوندی در میدان مرکزی شهر همدان دست راست یک زندانی را در ملأعام قطع کردند. روزنامه جمهوری اسلامی روز ۱۳دی به نقل از قوه قضاییه رژیم آخوندی نوشت که «در ادامه برخورد قاطعانه با عوامل ناامنی» دست یک زندانی به نام کاظم در میدان موشک شهر دزفول قطع شد. روز ۱۴دیماه مأموران سرکوبگر ۱۵جوان را در تهران در حالی که کلاههای بوقی بر سرشان گذاشته بودند و آفتابه‌های رنگارنگ بر گردنشان آویخته بودند به مدت سه ساعت در خیابانهای شهر می‌گرداندند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۳دی ۱۳۸۲ - ۱۳ژانویه ۲۰۰۴).

۱۱۸ اردیبهشت ۸۳:

### موج جدید اعدام در شهرهای ایران

یک زن ۱۹ساله در اراک و زن دیگری در کرج به اعدام محکوم شدند

«رژیم آخوندی طی سه روز گذشته چهار زندانی را در شهرهای خرم‌آباد، اهواز، تهران و کرج اعدام کرد و حکم مرگ دوزن و شش مرد دیگر را در شهرهای اراک و کرج صادر نموده است.

روزنامه حکومتی خراسان روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت از صدور حکم اعدام

برای یک زن جوان ۱۹ ساله به نام لایلا و روزنامه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت از صدور حکم نهایی اعدام برای یک زن جوان در کرج خبر دادند. به نوشته روزنامه خراسان، برای شش نفر دیگر نیز همزمان احکام اعدام صادر شده است.

به نوشته روزنامه ایران یک زندانی ۴۳ ساله صبح روز ۱۵ اردیبهشت در زندان قزلحصار کرج به دار آویخته شد. روزنامه جمهوری اسلامی نیز نوشت، حسن پیرداده پیرانوند صبح روز یکشنبه در ملأعام در میدان اسدآباد خرم آباد به دار آویخته شد. روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت یک زندانی به نام ابوالقاسم در برابر دیدگان وحشت زده صدها نفر از اهالی شهر اهواز در خیابان سلمان فارسی این شهر به دار آویخته شد. مردم شهر که از دیدن این صحنه شنیع به خشم آمده بودند، به سر دادن شعار علیه نیروی انتظامی رژیم پرداختند و با مزدوران سرکوبگر درگیر شدند (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳ - ۷ مه ۲۰۰۴).

## ۲۱ اردیبهشت ۸۳:

### اعتراف خاتمی به «چند برابر» شدن سنگسار ضرورت اقدام عاجل بین‌المللی برای مقابله با سرکوب فزاینده در ایران

«روز گذشته آخوند خاتمی در جلسه مشترک هیأت دولت و مجلس آخوندی، به «چند برابر» شدن سنگسار و سرکوب اعتراف کرد و مذبحخانه تلاش نمود خود را بی‌تقصیر نشان دهد. وی گفت: «چه اشکال داشت به جای شلاق زدن و چند برابر کردن سنگسار در دوره اصلاحات، می‌آمدیم در کنار هم قرار می‌گرفتیم و این مشکلات را حل می‌کردیم؟» (ایرنا ۲۰ اردیبهشت ۸۳).

اعتراف خاتمی در حالی است که ایادی رژیم از جمله دیپلماتهای حکومت آخوندی که اکثراً از باند خود او هستند، چند سال است در مجامع بین‌المللی ادعا می‌کنند سنگسار در ایران متوقف شده است. در ضمن معلوم نیست خاتمی در این سالها کجا بوده و چرا حالا که ریاست جمهوری در حال افول است و خامنه‌ای باندش را تصفیه کرده، به یاد چند برابر شدن سنگسار و شلاق زدن جوانان در خیابان افتاده است.

همزمان، شورای نگهبان ارتجاع روز گذشته با طرح «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» موافقت کرد. این طرح که خواهان اجتناب از «اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت» می‌شود، بر مبنای بخشنامه‌یی است که چند روز پیشتر، توسط رئیس قوه قضاییه آخوند هاشمی شاهرودی صادر شد. البته از نظر حکام شرع آخوندی، آزادیهای مشروع تنها آزادی پاسداران و تروریست‌هاست و اعدام و قتل عام‌هایی هم که تاکنون صورت گرفته نه تنها «بدون ضرورت» نبوده بلکه لازمه «حفظ نظام» بوده است. ۲۲ سال پیش از این در سال ۱۳۶۱ شخص خمینی با صدور فرمان معروف خود دستور توقف شکنجه و سرکوب را صادر کرد و البته بعد از آن صدها هزار نفر دستگیر و شکنجه و اعدام و قتل عام شدند.

تنها مصرف این بخشنامه‌ها برای ارائه به کشورهای غربی برای کسب امتیازهای اقتصادی و سیاسی است. اخیراً یکی از کارگزاران رژیم این حقیقت را به اختصار توضیح داد و در یک مصاحبه گفت آقای خرازی در سفر به خارج به این گونه بخشنامه‌ها نیاز دارد.

اگر خاتمی و شاهرودی و صحنه‌گردانهای مجلس ارتجاع، در دعاوی خود جدی هستند، چرا حتی یک کلمه به شکنجه‌ها و کشتارهایی که تا همین امروز ادامه دارد، اعتراف نمی‌کنند؟ چرا آمران و عاملان شکنجه ۵۰۰ هزار زندانی سیاسی و اعدام ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی را معرفی نمی‌کنند؟ چرا عاملان و آمران شکنجه و قتل زهرا کاظمی را به یک دادگاه بین‌المللی تحویل نمی‌دهند؟ چرا عاملان و آمران قتل‌های زنجیره‌یی را افشا نمی‌کنند؟ چرا در زندانها را به روی هیأت‌های تحقیق بین‌المللی باز نمی‌کنند؟ چرا وقتی گروه کار دستگیریهای خودسرانه، زیر فشار بین‌المللی به ایران سفر می‌کند، از دیدار اعضایش با زندانیان مجاهد ممانعت می‌کنند؟ چرا محل دفن ۳۰ هزار زندانی قتل عام شده در سال ۶۷ را پس از ۱۶ سال به خانواده‌های داغدار اطلاع نمی‌دهند؟ چرا اجازه نمی‌دهند خانواده‌های ۱۲۰ هزار اعدام شده سیاسی بر سر مزار فرزندان‌شان اجتماع کنند و هزاران سؤال دیگر... البته واضح است که استبداد مذهبی نه قادر به پاسخ دادن به این سؤالها و نه قادر به متوقف کردن سرکوب و شکنجه و اعدام است والا خشم و نارضایتی مردم در یک چشم به هم زدن این رژیم را به زباله‌دان تاریخ خواهد فرستاد.

افزایش سرکوب و خفقان در ایران و به خصوص اعتراف خاتمی به چند برابر شدن سنگسار، ضرورت یک اقدام فوری بین‌المللی علیه نقض و حشيانه حقوق بشر در ایران



را مضاعف می‌کند و هیچ بهانه‌ی برای کشورهای غربی برای ادامه مماشات با این رژیم باقی نمی‌گذارد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۳ - ۱۰ مه ۲۰۰۴).

۱۵ خرداد ۸۳:

۹ زندانی، از جمله یک زن در مازندران به اتهام «محرابه» و «ارتباط با اشرار مسلح» به اعدام و قطع دست و پا محکوم شدند

«در پی انتشار خبر صدور احکام اعدام و قطع دست و پا برای تعدادی از زندانیان در مازندران، آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران در نامه‌ی به کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و سایر مراجع بین‌المللی ذیربط، خواستار مداخله سریع آنان برای جلوگیری از افزایش هولناک صدور احکام اعدام و مجازاتهای وحشیانه در ایران گردید.

به نوشته روزنامه حکومتی کیهان، رئیس کل دادگستری مازندران از صدور حکم اعدام برای ۴ زندانی به اسامی رضا، حسن، محمدرضا و حمیدرضا به اتهام محاربه و مفسد فی الارض و ۳ زندانی دیگر به اسامی نبی، نوروز و شهرزاد به اتهام «ارتباط با اشرار مسلح» خبر داد. محمدرضا پولاد آملی هم چنین گفت دست راست و پای چپ دو زندانی دیگر، حسین و مرتضی، به اتهام محاربه قطع خواهد شد و برای بیش از ۹۰ تن دیگر در این پرونده احکام حبس و شلاق صادر گردیده است.

آقای محدثین در نامه خود به یک سلسله از اقدامات سرکوبگرانه جدید از سوی دیکتاتوری مذهبی حاکم برای تشدید جو رعب و خفقان، از جمله اعدام زندانیان در ملاعام در تهران، خرم‌آباد، کرج، اهواز و مشهد در روزهای اخیر، اشاره نمود» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۵ خرداد ۱۳۸۳ - ۴ ژوئن ۲۰۰۴)

۲۶ تیر ۸۳:

اعدام شش زندانی در یک هفته

«به گزارش رسانه‌های حکومتی، طی یک هفته یک زن و پنج مرد در تهران و



سایر شهرهای کشور حلق آویز شدند و یک زندانی دیگر در تهران محکوم به اعدام شد.

به گزارش روزنامه کیهان، دژخیمان رژیم آخوندی روز ۲۲ تیرماه، یک زندانی زن را در قزوین اعدام کردند.

روز ۲۵ تیرماه خبرگزاری رژیم از حلق آویز نمودن دو زندانی در اصفهان و کرج خبر داد.

روز ۲۰ تیرماه روزنامه حکومتی ایران گزارش داد که در شهر فومن دو نفر به نامهای ارشدالله و محمد علی حلق آویز شدند.

هم چنین روز چهارشنبه ۲۴ تیر یک زندانی در میدان خزر شهرستان ساری در ملأعام اعدام شد.

در یک تحول دیگر مأموران بسیجی رژیم عصر روز چهارشنبه (۱۷ تیر) یکی از استادان دانشگاه آزاد جهرم به نام اکبر رحمانیان را حین بازرسی به ضرب گلوله به قتل رساندند.

مقاومت ایران سازمانهای مدافع حقوق بشر و ارگانهای ذیربط بین المللی را به محکوم نمودن جنایات فاشسیم مذهبی حاکم بر ایران و اقدام فوری برای متوقف کردن موج جدید سرکوب و اعدام فرامی خواند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۶ تیر ۱۳۸۳ - ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۴).

## اول مرداد ۸۳:

### اعدام ۹ زندانی در ۱۰ روز

«به گزارش رسانه‌های حکومتی، در آخرین دهه تیرماه (اولین دهه ژوئیه) ۹ زندانی در تهران و سایر شهرهای کشور حلق آویز و سه زندانی دیگر به اعدام محکوم شدند.

روز ۲۹ تیرماه دو جوان ۱۹ و ۲۰ ساله به نامهای داوودی و یزدانی، در نجف آباد و زندانی دیگری به نام موسی نوری در دهلران در ملأعام به دار آویخته شد.

روز ۲۴ تیر یک زندانی در ساری و یک جوان ۲۵ ساله در اصفهان در ملأعام اعدام شدند.

روز ۲۲ تیرماه دژخیمان رژیم آخوندی یک زندانی زن در قزوین و یک زندانی

دیگر در زندان رجایی شهر کرج را اعدام کردند. مقاومت ایران سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به محکوم نمودن جنایات فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران فرامی‌خواند و از اجلاس آتی مجمع عمومی ملل متحد می‌خواهد روند فزاینده اعدامها و نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر در ایران را محکوم کند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱ مرداد ۱۳۸۳ - ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۴).

۸ مرداد ۸۳:

**دژخیمان رژیم آخوندی ۵ جوان را در قزوین و کرج به دار آویختند  
دست کم ۸۵ زندانی از آغاز سال ۸۳ اعدام شده‌اند**

«روز سه‌شنبه ششم مرداد ماه ۸۳ چهار جوان به نامهای محمد امین، بهمن، سعید و احمد در محوطه زندان مرکزی قزوین حلق آویز شدند. دژخیمان دو تن از آنان را پیش از اعدام با ۸۰ ضربه شلاق نیز مجازات کرده بودند (روزنامه جمهوری اسلامی ۷ مرداد).

روز دوشنبه ۵ مرداد نیز یک جوان دیگر به نام علی در شهرک فردیس کرج حلق آویز شد.

به این ترتیب از آغاز سال ۱۳۸۳ (۲۱ مارس ۲۰۰۴) تاکنون دست کم ۸۵ زندانی در ایران حلق آویز شده‌اند.

مقاومت ایران سازمانهای مدافع حقوق بشر و ارگانهای ذریبط بین‌المللی را به محکوم نمودن جنایات استبداد مذهبی حاکم بر ایران و اقدام فوری برای متوقف کردن موج سرکوب و اعدام در ایران فرامی‌خواند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۸ مرداد ۱۳۸۳ - ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴).

۱۲ مرداد ۸۳:

**۱۰ زندانی در مشهد به اعدام محکوم می‌شوند  
از ابتدای سال ۸۳ دست کم ۸۵ زندانی حلق آویز شده‌اند**

«روزنامه جمهوری اسلامی در شماره امروز خود نوشت ۶ زندانی در مشهد به

اعدام محکوم شده‌اند. به نوشته این روزنامه «برخی از این افراد قصد ترور برخی مسئولین، تماس با شبکه‌های جاسوسی و پناهندگی به آمریکا را داشته‌اند» روزنامه می‌افزاید «اعدام این افراد در ملأعام صورت می‌گیرد».

دو روز پیش نیز رسانه‌های رژیم خبر از صدور حکم اعدام برای چهار جوان به نامهای آرش، داود، علی و جواد در مشهد داده بودند. روزنامه حکومتی قدس در شماره ۱۰ مرداد خود خبر داد یک زندانی نیز در تهران محکوم به اعدام شده است.

صدور این احکام قرون وسطایی در حالی است که در هفته اول مردادماه دستکم ۵ نفر توسط دژخیمان رژیم حلق آویز شده‌اند. از ابتدای سال ۸۳ دستکم ۸۵ زندانی توسط دژخیمان رژیم آخوندی اعدام شده‌اند (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۲ مرداد ۱۳۸۳ - ۲ اوت ۲۰۰۴).

۱۷ مرداد ۸۳:

### اعتراض مردم خشمگین زاهدان نسبت به حلق آویز یک زندانی در ملأعام

– دژخیمان در وحشت از گسترش اعتراضات، اعدام ۵ زندانی دیگر را به تعویق انداختند

«عکس‌العمل مردم و جوانان خشمگین زاهدان، نسبت به اعدام یک جوان ۲۹ ساله در ملأعام در این شهر باعث شد، دژخیمان رژیم آخوندی اعدام ۵ زندانی دیگر را که می‌خواستند در همان محل حلق آویز کنند، به تعویق بیندازند.

ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۱۵ مرداد دژخیمان رژیم آخوندی یک زندانی ۲۹ ساله به نام شه‌بخش را در ملأعام در زاهدان حلق آویز کردند مردم حاضر در محل به‌ویژه جوانان که از این جنایت فجیع به خشم آمده بودند دست به اعتراض زده و با پرتاب سنگ به مقابله با نیروهای سرکوبگر پرداختند.

در درگیری میان مردم و پاسداران، حدود ۲۰۰ نفر از اعتراض‌کنندگان دستگیر و شماری از نیروهای سرکوبگر مصدوم شدند. دژخیمان در وحشت از گسترش دامنه

اعتراضات اجرای احکام اعدام ۵ زندانی دیگر را که قرار بود در همان محل انجام شود به تعویق انداختند.

در یک تحول دیگر روزنامه رسالت ۱۴ مرداد گزارش داد روز سه‌شنبه ۱۳ مرداد یک زندانی در پلدختر در ملأعام حلق آویز شده است.

مقاومت ایران سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به محکوم نمودن روند فزاینده اعدامهای خیابانی در ایران فرامی‌خواند و از اجلاس آتی مجمع عمومی ملل متحد می‌خواهد نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر در ایران را محکوم کند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳ - ۷ اوت ۲۰۰۴).

۱۹ مرداد ۸۳:

### مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران خواهان محکومیت رژیم در مجمع عمومی و تعیین نماینده برای پیگیری نقض حقوق بشر در ایران می‌شود

«آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران طی نامه‌یی به خانم لوئیس آرבור، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، نگرانیهای مردم و مقاومت ایران در مورد اعدامهای فزاینده را به اطلاع وی رساند و خواستار یک اقدام عاجل بین‌المللی برای جلوگیری از این روند فاجعه‌بار گردید.

در این نامه آمده است: «از ابتدای سال ۲۰۰۴ حدود ۱۰۰ زندانی در ملأعام حلق آویز شده‌اند و شمار بیشتری از زندانیان از سوی دژخیمان قوه قضاییه آخوندی به اعدام محکوم گردیده و در انتظار اجرای حکم به سر می‌برند. آقای حجت زمانی یک زندانی سیاسی به ۴ بار اعدام محکوم شده و در انتظار اجرای حکم به سر می‌برد. در روزهای دهم و دوازدهم مرداد ۱۰ زندانی در مشهد محکوم به اعدام شدند. روز ۱۳ مرداد جوانی در بابل به سه بار اعدام محکوم شد».

مسئول کمیسیون خارجه شورا در نامه خود با اشاره به سرکوبی تجمعات اعتراضی معلمان و دانشجویان و دستگیری دستکم هزار دانشجو در هفته‌های قبل از ۱۸ تیر ۸۳ نوشت: «مذاکرات اتحادیه اروپا با رژیم ایران بر سر حقوق بشر به شکست انجامیده و گزارشهای سازمانهای مدافع حقوق بشر نیز بیانگر روند نگران کننده وضعیت

حقوق بشر در ایران می باشد».

آقای محدثین در پایان نامه خود از کمیسر عالی حقوق بشر خواست «مقدمات محکومیت رژیم حاکم بر ایران را به خاطر نقض فاحش حقوق بشر در اجلاس آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد» فراهم نموده و «نماینده مشخصی برای پیگیری نقض حقوق بشر در ایران» تعیین نماید» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۹ مرداد ۱۳۸۳ - ۹ اوت ۲۰۰۴).

۲۹ مرداد ۸۳:

### ملایان خون آشام در منتهای قساوت و وحشیگری یک دختر ۱۶ ساله را اعدام می کنند

- فراخوان بین المللی برای محکوم کردن این جنایت هولناک  
«روز یکشنبه ۲۵ مرداد ۸۳ دژخیمان رژیم آخوندی در شهرستان نکا در یک جنایت تکاندهنده، یک دختر ۱۶ ساله، به نام عاتقه سهاله را، در ملأعام (خیابان راه آهن، خیابان سی متری) به دار آویختند. اعدام عاتقه خشم و نفرت مردم این شهر به ویژه همسایگان و اهالی منطقه سکونت خانواده او برانگیخته است.  
این حکم جنایتکارانه توسط رئیس دادگستری نکا صادر شد و متعاقباً به تأیید دیوانعالی رژیم آخوندی رسید و با موافقت آخوند شاهرودی، رئیس قضایه آخوندی به اجرا درآمد.

در جریان محاکمه نمایشی این دختر نوجوان، هیچ وکیلی حضور نداشت و تلاشهای خانواده وی برای گرفتن وکیل به جایی نرسید. در جریان این محاکمه عاتقه شخصاً به دفاع از خود پرداخت و به پاسخگویی به دژخیم حاجی رضایی رئیس این بیدادگاه پرداخت و از جمله گفت اگر شما راست می گوئید به جای قربانیان فساد اخلاق، عاملان اصلی آن را محاکمه کنید. برخورد شجاعانه این دختر نوجوان، خشم و کینه حیوانی دژخیم را برانگیخت و در حالی او را به اعدام محکوم نمود که مجازات او حتی طبق قوانین ظالمانه رژیم اعدام نبود. این دژخیم که به عاتقه کینه می ورزید، شخصاً و خارج از روال معمول سایر احکام، در عرض سه ماه به تأیید دیوانعالی رژیم رساند. رضایی بعد از اعدام عاتقه گفته است جرم او اعدام نبود ولی چون زبان درازی

کرده، اعدام شد.

خانم سروناز چیت‌ساز، مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، ضمن تسلیم به خانواده عاتقه و عموم مردم نکا، از مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زنان، خواستار محکوم کردن این جنایت شد و بر ضرورت تصویب یک قطعنامه شدیدالحن از سوی اجلاس مجمع عمومی ملل متحد، در محکومیت اعدام‌های فزاینده به‌ویژه اعدام زنان و دختران نوجوان، تأکید کرد (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۹ مرداد ۱۳۸۳ - ۱۹ اوت ۲۰۰۴).

۳ شهریور ۸۳:

### اعدام سه زندانی در کرمان از ابتدای سال ۸۳ تاکنون بیش از ۱۰۰ زندانی حلق‌آویز شده‌اند

«به‌نوشته روزنامه‌های حکومتی روز شنبه ۳۱ مرداد سه زندانی به نام‌های غلامرضا، محمد و حمید در ملأعام در کرمان حلق‌آویز شدند. پیش از این در اواخر مرداد یک زندانی سیاسی به نام اسماعیل محمدی از گروه کومله توسط قضاییه رژیم آخوندی به اعدام محکوم شد (رادپو فردا ۳۱ مرداد).

به این ترتیب شمار زندانیان اعدام شده در ۵ ماه اول سال ۸۳ از ۱۰۰ نفر تجاوز می‌کند. بسیاری از اعدام‌شدگان و محکومین به اعدام را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند. از دژخیمان رژیم آخوندی در مرداد ماه یک دختر ۱۶ ساله به نام عاتقه سهاله (رجبی) را در نکا حلق‌آویز کردند.

خانم مریم رجویی، رئیس جمهور برگزیده مقاومتی اعدام و حشیانه این دختر ۱۶ ساله را نمونه‌یی از بروز طینت ضدانسانی و زن‌ستیز رژیم آخوندی توصیف کرد و با تسلیم به خانواده داغدار عاتقه و جوانان و مردم دردمند نکایی، تأکید نمود: اگر آخوندها گمان می‌کنند که با درنوردیدن مرزهای توحش و آدمکشی می‌توانند شعله‌های مقاومت مردم را در برابر فاشیسم مذهبی خاموش کنند، سخت در اشتباهند. این جنایتها برخشم و نفرت مردم می‌افزاید و مقاومت برای آزادی و ریشه‌کن کردن استبداد دینی را فروزانتر می‌کند.

مقاومت ایران با توجه به وخامت روزافزون نقض حقوق بشر و روند فزاینده اعدامهای خودسرانه، از خانم لوئیس آربور، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، خواست مقدمات محکومیت رژیم حاکم بر ایران را به خاطر نقض فاحش حقوق بشر در اجلاس آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد فراهم نموده و نماینده مشخصی برای پیگیری نقض حقوق بشر در ایران تعیین نماید» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۳ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۴ اوت ۲۰۰۴).

۱۲ شهریور ۸۳:

طی یک هفته گذشته

۲ زندانی حلق آویز و ۵ زندانی دیگر محکوم به اعدام شدند

«دژخیمان رژیم آخوندی روز یکشنبه ۸ شهریور ۸۳ یک زندانی را در میدان امیرکبیر اراک و روز ۴ شهریور یک زندانی دیگر را در نزدیکی تهران به دار آویختند. علاوه بر این، رسانه‌های حکومتی اعلام کردند در روزهای آینده ۲ زندانی در دو نقطه شهر کرج (غرب تهران) حلق آویز خواهند شد.

طی یک هفته گذشته، قضایه رژیم آخوندی دستکم ۵ زندانی را به اعدام محکوم کرد. در میان محکومین به اعدام یک جوان ۱۶ ساله افغانی و یک زن و شوهر جوان به چشم می‌خورد. پیش از این در ۲۵ مرداد حکام جنایتکار ایران، یک دختر ۱۶ ساله را اعدام کرده بودند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۲ شهریور ۱۳۸۳ - ۲ سپتامبر ۲۰۰۴).

۱۸ شهریور ۸۳:

در سه روز گذشته

۴ زندانی حلق آویز و ۶ زندانی دیگر محکوم به اعدام شدند

در میان محکومان به اعدام چهار جوان زیر ۱۸ سال وجود دارد

«دژخیمان رژیم آخوندی روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۸۳ یک زندانی را در آبادان و روز ۱۷ شهریور سه زندانی دیگر را در تهران حلق آویز کردند. طی یک هفته گذشته قضایه رژیم آخوندی شش زندانی را به اعدام محکوم کرد

که در میان آنها سه جوان به نامهای مرتضی، ف، میلاد، ب و علی، م، به چشم می خوردند. قبل از آن نیز یک جوان ۱۶ ساله افغانی به اعدام محکوم شده بود. به این ترتیب هم اکنون چهار زندانی زیر ۱۸ سال در معرض اعدام قرار دارند.

مقاومت ایران سازمانهای مدافع حقوق بشر و ارگانهای ذیربط بین‌المللی را به محکوم کردن جنایات استبداد مذهبی حاکم بر ایران و اقدام فوری برای متوقف کردن احکام اعدام به‌ویژه در مورد نوجوانان زیر ۱۸ سال فرامی‌خواند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۸ شهریور ۱۳۸۳ - ۸ سپتامبر ۲۰۰۴).

۲۸ شهریور ۸۳:

## اعدام، قطع دست و موج گسترده سرکوب همزمان با سفر هیأت اتحادیه اروپا به ایران

«همزمان با سفر یک هیأت اتحادیه اروپا به ایران، برای مذاکره با فاشیسم مذهبی حاکم، درباره حقوق بشر، این رژیم در وحشت از گسترش اعتراضات و خیزشهای اجتماعی در آستانه آغاز سال تحصیلی به موج جدیدی از سرکوب و نقض حقوق بشر روی آورده است.

به‌نوشته مطبوعات حکومتی روز گذشته یک جوان در دزفول به‌دار آویخته شد و دوزندانی دیگر در تهران محکوم به اعدام شدند. روز ۲۶ شهریور در یک اقدام جنایتکارانه بنا به حکم قضاییه رژیم آخوندی دست یک زندانی، در زندان همدان قطع شد. روز ۱۸ شهریور نیز ۷ زندانی در تهران و کرج حلق آویز شدند.

از سوی دیگر در هفته سوم شهریور قضاییه رژیم آخوندی ۸ نشریه و هفته‌نامه از جمله نشریات دانشجویان دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه گیلان را توقیف و شماری از روزنامه‌نگاران را دستگیر کرده است. هم‌چنین رئیس هیأت مدیره خانه سینما و دو تن از دست‌اندرکاران این مرکز چند روز است که بازداشت شده‌اند.

در همین فاصله به‌نوشته مطبوعات وابسته به حکومت آخوندی، ۲۸۳ نفر به بهانه شرکت در میهمانی و جشن دستگیر شده‌اند. از جمله روز ۱۸ شهریور، پاسداران ۳۸ نفر را در یک میهمانی در شهرستان گلزار در نزدیکی رشت دستگیر کردند.

مقاومت ایران اعزام هیأت اتحادیه اروپا برای مذاکره با دژخیمان و قاتلان مردم ایران را مشوق این رژیم در تشدید سرکوب و خفقان و به سخره گرفتن



اصول شناخته شده بین الملل حقوق بشر می داند و خواستار محکومیت قاطع جنایات ضدبشری آخوندهای حاکم بر ایران در مجمع عمومی ملل متحد و ارجاع پرونده نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد است» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۸ شهریور ۱۳۸۳ - ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴).

۲مهر ۸۳:

## ۱۱۲۰ اعدام در نیمه اول سال ۸۳ فراخوان مقاومت ایران به یک اقدام عاجل بین المللی

«به گزارش مطبوعات حکومتی دژخیمان رژیم آخوندی روز ۲۸ شهریور یک زندانی را در شهر میناب (استان هرمزگان)، روز ۳۰ شهریور یک زندانی را در تهران و روز ۳۱ شهریور یک زندانی دیگر را در قزوین حلق آویز کردند. به این ترتیب شمار کسانی که در شهریور اعدام شده اند به ۱۹ نفر می رسد و شمار زندانیان اعدام شده در نیمه اول سال ۸۳ دستکم به ۱۲۰ تن رسیده است. البته این ارقام تنها شامل اعدامهایی است که توسط روزنامه های رژیم اعلام شده است و اعدامهای مخفی را در بر نمی گیرد. آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایرانی، توجه رئیس مجمع عمومی ملل متحد، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و دیگر سازمانها و مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر را به روند فزاینده نقض حقوق بشر در ایران جلب نمود و خواستار محکوم کردن این نقض سیستماتیک و وحشیانه در اجلاس جاری مجمع عمومی و یک اقدام عاجل بین المللی برای مقابله با این توحش افسار گسیخته شد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲ مهر ۱۳۸۳ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴).

۱۱مهر ۸۳:

طی هفته گذشته ۴ زندانی حلق آویز  
و ۷ زندانی دیگر به اعدام محکوم شدند  
دژخیمان قصد دارند دو زندانی را در این هفته در تهران حلق آویز کنند

به گزارش مطبوعات حکومتی دو زندانی به نامهای مهرزاد واجب الحقوق و

حمیدرضا صادقی قرار است در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه این هفته در تهران حلق آویز شوند.

روز ۶ مهر یک زندانی در اهواز، روز ۷ مهر دو زندانی در ساوه و روز ۸ مهر ماه یک زندانی در کرج توسط دژخیمان رژیم آخوندی حلق آویز شدند. رژیم ضدبشری آخوندی هم چنین طی یک هفته گذشته احکام اعدام ۷ تن زندانی را صادر نموده است. در یک حکم جنایتکارانه دیگر در همین ماه، دو زندانی در اهواز به مجازات وحشیانه قطع دستهای راست و پاهای چپ محکوم شدند.

مقاومت ایران خواستار محکوم کردن نقض سیستماتیک و وحشیانه حقوق بشر در ایران در اجلاس جاری مجمع عمومی و یک اقدام عاجل بین‌المللی برای مقابله با روند فزاینده اعدامهای خیابانی و توحش افسارگسیخته آخوندهای حاکم بر ایران می‌باشد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۱ مهر ۱۳۸۳ - ۱۲ اکتبر ۲۰۰۴).

۱۵ مهر ۸۳:

## ۷ زندانی طی دو روز گذشته در سه نقطه در ایران حلق آویز شدند

«به گزارش روزنامه‌های حکومتی، روز سه‌شنبه ۱۴ مهر ماه، رژیم ضدبشری آخوندی، پس از تأیید دیوانعالی این رژیم، ۴ زندانی را در سلیمان‌شهر مازندران حلق آویز نمود. روز قبل از آن دژخیمان رژیم آخوندی یک زندانی جوان به نام مهرزاد واجب الحقوق را در چهار راه رباط اصفهان در ملأعام و در برابر چشمان همسر و فرزندش به دار آویختند. مردم که از صحنه شقاوت بار اعدام پدری در مقابل چشمان فرزندش به خشم آمده بودند، با فریادهای خود به دژخیمان رژیم اعتراض می‌کردند. به گزارش مطبوعات حکومتی در همان روز دوشنبه، دو زندانی دیگر در جیرفت توسط دژخیمان حلق آویز گردیدند.

رژیم آخوندی ناتوان از مقابله با مقاومت مردمی، به تشدید سرکوب و خفقان روی آورده است. مقاومت ایران خواستار یک اقدام عاجل بین‌المللی برای مقابله با روند فزاینده اعدامهای خیابانی در ایران می‌باشد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۵ مهر ۱۳۸۳ - ۱۶ اکتبر ۲۰۰۴).

۲۷ مهر ۸۳:

## اعدام ۱۱ زندانی در یک هفته

«به گزارش مطبوعات حکومتی، دژخیمان رژیم آخوندی طی یک هفته دستکم ۱۱ زندانی را در نقاط مختلف کشور حلق آویز کردند. ۴ زندانی روز ۱۵ مهر در تنکابن، یک زندانی روز ۱۹ مهر در اهواز، ۵ زندانی دیگر در روز ۲۲ مهر در شهرهای تهران، رشت و شیراز و یک زندانی در روز ۲۳ مهر در لاهیجان اعدام شدند. دژخیمان روز ۲۳ مهر ماه دست یک زندانی را در اهواز قطع نمودند.

از سوی دیگر قضایه جنایتکار رژیم طی این مدت، یک زن ۲۸ ساله را به اعدام محکوم نمود و حکم اعدام سه نوجوان را مورد تأیید نهایی قرار داد. بنا به گزارش روزنامه‌های حکومتی هم اکنون ۸ نوجوان زیر ۱۸ سال که به اعدام محکوم شده‌اند در به اصطلاح «کانون اصلاح و تربیت» در انتظار اعدام به سر می‌برند.

هدف رژیم آخوندی از اعدام‌های خیابانی فزاینده ایجاد جو رعب و وحشت و مقابله با اعتراضها و خیزشهای اجتماعی است.

مقاومت ایران خواستار محکوم کردن نقض سیستماتیک و وحشیانه حقوق بشر، توسط دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، در اجلاس جاری مجمع عمومی و یک اقدام عاجل بین‌المللی برای مقابله با روند فزاینده اعدام‌های خیابانی به‌ویژه اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال می‌باشد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۷ مهر ۱۳۸۳ - ۱۱ اکتبر ۲۰۰۴).

۳۰ مهر ۸۳:

## اعدام ۲۲ زندانی از ابتدای ماه اکتبر

«به گزارش مطبوعات حکومتی، دژخیمان رژیم آخوندی ۴ زندانی به نامهای محمدرضا، حمیدرضا، حسن و رضا را روز ۲۸ مهر در استان مازندران حلق آویز نمودند. در همین روز یک زندانی دیگر در شهر قزوین به‌دار آویخته شد. به این ترتیب از ابتدای ماه اکتبر تا به امروز دستکم ۲۲ زندانی اعدام شده‌اند، در همین فاصله قضایه رژیم آخوندی ۱۰ زندانی دیگر را محکوم به اعدام کرده است.

مقاومت ایران خواستار یک اقدام عاجل بین‌المللی برای مقابله با موج فزاینده

اعدامهای خیابانی و محکوم کردن نقض سیستماتیک و وحشیانه حقوق بشر، توسط دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، در اجلاس جاری مجمع عمومی می باشد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۳۰ مهر ۱۳۸۳ - ۱۲۱ اکتبر ۲۰۰۴).

۲۰ مهر ۸۳:

### فراخوان کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت برای جلوگیری از اعدام یک زن زندانی طی هفته گذشته دست کم ۶ زندانی اعدام شدند

«خانم سروناز چیت ساز، مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، همه مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زنان را به یک اقدام فوری برای ممانعت از اعدام فاطمه حقیقت پژوه که قرار است در روزهای آینده حلق آویز شود، فرا خواند. فاطمه که ۷ سال پیش مردی که قصد تجاوز به دختر ۱۵ ساله اش را داشت به قتل رسانده بود، محکوم به مرگ شده و این حکم توسط دیوانعالی رژیم آخوندی که مجمعی از سردرخیمان این رژیم است، مورد تأیید قرار گرفته است.

به گزارش مطبوعات حکومتی دیوانعالی رژیم احکام اعدام سه زندانی دیگر به نامهای عباس و آرش و مجید را نیز مورد تأیید قرار داده و قرار است به زودی حلق آویز شوند. به گزارش همین مطبوعات روز گذشته (۱۹ مهرماه) دژخیمان رژیم آخوندی یک زندانی را در اهواز در ملاعام به دار آویختند و روز ۱۴ مهرماه، ۵ زندانی دیگر را در مازندران حلق آویز کردند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۰ مهرماه ۱۳۸۳ - ۱۱ اکتبر ۲۰۰۴).

۲۶ مهر ۸۳:

### کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت خواستار اقدام بین المللی برای جلوگیری از اعدام و سنگسار زنان در ایران شد

«اخبار هولناک صدور حکم سنگسار برای یک دختر ۱۳ ساله توسط قضایه

فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، قلوب آزادیخواهان سراسر جهان و به خصوص زنان و دختران در سراسر جهان را جریحه‌دار کرده است.

پیش از این در تاریخ ۸ شهریور امسال نیز حکم سنگسار زنی به نام حاجیه اسماعیل از سوی قضایه ملایان در جلفا صادر شده بود.

علاوه بر احکام وحشیانه سنگسار، از ابتدای سال میلادی جاری دژخیمان رژیم آخوندی دستکم ۴ زن را حلق آویز و ۱۰ زن دیگر را به اعدام محکوم کرده‌اند. در ۲۵ مردادماه گذشته ملایان خون‌آشام، عاطفه رجبی یک دختر ۱۶ ساله را در منتهای قساوت و وحشیگری حلق آویز کردند.

خانم سروناز چیت‌ساز، مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت در نامه‌ی خطاب به خانم لوئیس آربور، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، نوشت: «از شما به‌عنوان یک زن و به‌عنوان بالاترین مرجع جهانی رسیدگی به نقض حقوق بشر می‌خواهم جنایات رژیم زن‌ستیز آخوندی را محکوم نموده و تمامی تلاش‌های خود را برای جلوگیری از اعدام‌های فزاینده به‌ویژه اعدام و سنگسار زنان و دختران نوجوان در ایران به‌عمل آورید».

خانم چیت‌ساز با یادآوری این‌که از آغاز سال میلادی حداقل ۲۲۰ زندانی محکوم به اعدام شده‌اند، خواستار تصویب یک قطعنامه شدیدالحن از سوی اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد در محکومیت نقض حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان در ایران شد (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۶ مهرماه ۱۳۸۳ - ۱۱۷ اکتبر ۲۰۰۴).

۱۱۷ آذر ۸۳:

## ۸ زندانی دیگر اعدام شدند

«در آستانه روز جهانی حقوق بشر، دژخیمان رژیم آخوندی طی دو روز گذشته ۷ زندانی را در زاهدان و یک زندانی دیگر را در زابل در ملاعام حلق آویز کردند.

اسامی اعدام‌شدگان عبارت است از: عبدالمجید غفران، ضیاءالحق گتراجی، علیرضا لوارزهی، جمعه گرگیج، بهداله گرگیج، نعیم قلجئی و محمدحسن زهی.

رژیم آخوندی برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم فیلم اعدام وحشیانه زندانیان زاهدان را در تلویزیون حکومتی به نمایش گذاشت.

در یک تحول دیگر به گزارش روزنامه‌های حکومتی، روز گذشته احکام اعدام یک زندانی به نام حسین و یک زندانی به نام حسن کلانی توسط بیدادگاههای رژیم در تهران صادر شد. این بیدادگاهها هم‌چنین یک پدر و پسر زندانی را در اصفهان به اعدام محکوم کردند.

مقاومت ایران هم‌زمان با بررسی پرونده نقض حقوق بشر در ایران از سوی اجلاس مجمع عمومی ملل متحد خواستار محکومیت قاطع این رژیم از سوی این مجمع و ارجاع پرونده نقض سیستماتیک و وحشیانه حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد می‌باشد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۷ آذر ۱۳۸۳ - ۷ دسامبر ۲۰۰۴).

۱۹ آذر ۸۳:

## از آغاز سال جاری میلادی صدها زندانی حلق آویز یا محکوم به اعدام شده‌اند

«در سالگرد روز جهانی حقوق بشر، مقاومت ایران جامعه بین‌المللی را به اتخاذ تصمیمات عاجل و لازم‌الاجرا برای مقابله با نقض مستمر و فزاینده حقوق بشر توسط رژیم ضدبشری آخوندی فراخواند.

بنا بر گزارش رسانه‌های حکومتی، از آغاز سال جاری میلادی، صدها زندانی در شهرهای مختلف کشور، از جمله در اراک، اصفهان، اهواز، ایلام، ورامین، بابل، بوکان، بهبهان، پلدختر، تبریز، تجریش، تنکابن، تهران، خرم‌آباد، دهلران، زابل، زاهدان، ساری، ساوه، سلماس، سمیرم، فومن، قزوین، کرج، کرمان، گناباد، مشهد و نجف‌آباد، حلق آویز شده یا به اعدام محکوم شده‌اند. تنها در هفته اول ماه دسامبر ۱۲ زندانی در شهرهای مختلف ایران در ملأعام حلق آویز شده‌اند.

این آمار، البته اعدامهای مخفیانه و صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی را در برنمی‌گیرد. شماری از زندانیان سیاسی در سال جاری محکوم به اعدام شده‌اند و در انتظار اجرای حکم به سر می‌برند. رژیم برای در هم شکستن این زندانیان انواع و اقسام فشارها را بر آنان وارد می‌کند. برخی از آنها را به سلولهای انفرادی و برخی دیگر را به بند زندانیان خطرناک منتقل کرده است.

در طول امسال حداقل ۴ زن حلق آویز شده و ۱۲ زن دیگر به اعدام محکوم

شده‌اند، یک دختر ۱۶ ساله، عاطفه رجبی، در تابستان گذشته در شهر نکا در ملأعام به‌دار آویخته شد. حاجیه اسماعیل وند، ۳۳ ساله، در شهر جلفا در انتظار اجرای حکم اعدام به‌سر می‌برد.

احکام اعدام هم‌چنین در مورد دستکم ۱۰ جوان زیر ۱۸ سال صادر شده است که همگی آنها در حال حاضر در انتظار اجرای حکم در بازداشتگاه‌های مختلف به‌سر می‌برند.

رژیم ضدبشری آخوندی برای ایجاد جو رعب و وحشت و مقابله با موج فراینده نارضایتی عمومی و اعتراضات ضدحکومتی، صحنه‌های تکاندهنده برخی از این اعدام‌های سبعانه را که بعضاً به‌صورت گروهی و عمدتاً در ملأعام به اجرا گذاشته شده‌اند، از تلویزیون‌های دولتی پخش کرده است.

همزمان، اجرای احکام ضدانسانی، از قبیل قطع دست و شلاق زدن در ملأعام ادامه یافته است. روز ۲۶ شهریور ماه، بنا به حکم قضاییه رژیم آخوندی دست یک زندانی، در زندان همدان قطع شد و در تاریخ ۲۲ آبان یک نوجوان به‌نام کاوه اژق (حیبی نژاد) فرزند جمال به جرم روزه‌خواری، در سنج زیر ضربات شلاق پاسداران به‌قتل رسید.

در همین مدت، گروه کثیری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به‌جرم درج مقالات «تشویش‌آمیز و اهانت به مقامات حکومتی» دستگیر و روانه زندانها شده‌اند. هم‌زمان موج گسترده دستگیریها، به‌خصوص در میان زنان و جوانان تحت عنوانهای مختلف، از جمله شرکت در میهمانیها و جشنها و رعایت نکردن «حجاب» در شهرهای مختلف کشور ادامه یافته است. شب گذشته خبرگزاری دولتی در ایران خبر داد که ۲۱ تن در شهرستان دماوند واقع در شمال شرقی تهران به‌جرم برپایی جشن دستگیر شده‌اند.

شکنجه و آزار و اعمال محدودیت، فشار و تضيیقات سرکوبگرانه علیه زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف، از جمله در زندان اوین، ابعاد گسترده‌ی یافت به‌نحوی که در اعتراض به این اعمال وحشیانه، زندانیان سیاسی زندان اوین به‌مدت سه هفته دست به اعتصاب غذا زدند. در واکنش به این اقدام اعتراضی، رژیم آخوندی ضمن یورش به زندانیان اعتصابی، آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و شماری از آنان را به سلولهای انفرادی منتقل نمود.

رژیم آخوندی هم‌چنین دهها تن از خانواده‌های زندانیان سیاسی را که نسبت به

اعمال فشار علیه عزیزان خود دست به اعتراض زده بودند، مورد حمله و هجوم قرار داده و شماری از آنان را به زندانهای طویل‌المدت محکوم کرده است.

همزمان با پنجاه و هفتمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقاومت ایران بر موارد زیرین تأکید می‌کند:

۱- سیاست مامشات کشورهای غربی و به‌ویژه اتحادیه اروپا در قبال دیکتاتوری قرون وسطایی حاکم بر ایران، آخوندها را در استمرار جنایاتشان جری‌تر ساخته است.

۲- روابط اقتصادی و دیپلماتیک با آخوندهای جنایتکار حاکم بر ایران می‌بایست به بهبود وضع حقوق بشر در ایران مشروط شود.

۳- توجه رئیس مجمع عمومی ملل متحد، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و دیگر سازمانها و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به روند فزاینده نقض حقوق بشر در ایران جلب نموده و بر ضرورت تصویب قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد فرامی‌خواند.

۴- سیاست گفتگوی حقوق بشر با دژخیمان حاکم بر ایران بایستی به کناری گذاشته شود و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نظارت بر حقوق بشر در ایران را از سر گرفته و نماینده ویژه برای ایران تعیین نماید.

۵- پرونده نقض وحشیانه و بی سابقه حقوق بشر در ایران باید برای اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۹ آذر ۱۳۸۳ - ۹ دسامبر ۲۰۰۴).

۲۴ آذر ۸۳:

## ایران - حلق آویز ۵ زندانی در ملأعام در هفته گذشته جوان ۱۸ ساله به اعدام محکوم شد

«به گزارش رسانه‌های حکومتی، رژیم قرون وسطایی آخوندی یک زندانی به نام محمدعلی جعفری در شهرستان عباس‌آباد در استان مازندران، دو زندانی در بندرعباس، فردی به نام حسین که از دو سال پیش زندانی بود و یک زندانی به نام قدیر ضمامی را در سمنان به ترتیب در روزهای ۱۵، ۱۷، ۲۱ و ۲۳ آذر در ملأعام به‌دار



آویخت.

به این ترتیب شمار اعدامهای اعلام شده از آغاز ماه دسامبر به ۱۷ تن می‌رسد. بیدادگاههای رژیم هم‌چنین احکام اعدام ۵ زندانی دیگر از جمله یک جوان ۱۸ ساله را روز ۲۱ آذر صادر کردند.

در حال حاضر، حداقل ۹۸ زندانی، از جمله ۱۲ زن و ۱۱ جوان کمتر از ۱۸ سال در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برند.

مقاومت ایران بار دیگر سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به اقدام عاجل برای متوقف کردن روند فزاینده اعدامها در ایران فرامی‌خواند و بر ضرورت تصویب قطعنامه محکومیت رژیم آخوندی در اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد و ارجاع کارنامه وخیم نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد برای اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا تأکید می‌کند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۴ آذر ۱۳۸۳ - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴).

### اول دی ۸۳:

مریم رجوی: تصویب پنجاه یکمین قطعنامه محکومیت نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در ایران، ارجاع کارنامه سیاه حقوق بشر آخوندها به شورای امنیت ملل متحد را ضروری می‌سازد

«شب گذشته، مجمع عمومی ملل متحد پنجاه و یکمین قطعنامه ارگان‌های مختلف ملل متحد را در محکومیت نقض گسترده و مستمر حقوق بشر در ایران را به تصویب رساند.

قطعنامه با ابراز نگرانی شدید از «قصور در برآورده کردن تمام عیار استانداردهای بین‌المللی در اجرای عدالت، فقدان مقتضی پروسه قانونی، امتناع از تأمین استماع عمومی بیطرفانه و حق مشاوره، استفاده از قوانین امنیت ملی برای نفی حقوق افراد و عدم احترام به (رعایت) معیارهای تضمین‌کننده حقوقی بین‌المللی در رابطه با پیروان اقلیتهای مذهبی رسمی و غیره، ادامه اعدامها، به‌خصوص اعدام افراد زیر ۱۸ سال، دستگیریهای خودسرانه، اعمال شکنجه، قطع اعضای بدن و شلاق زدن، تبعیض سیستماتیک علیه زنان و دختران، ادامه تبعیض علیه اقلیتهای مذهبی، اذیت و آزارهای

ادامه دار در سلولهای انفرادی طولانی مدت در رابطه با مخالفان سیاسی» را محکوم کرده است.

قطعنامه هم‌چنین از به وخامت گراییدن وضعیت آزادی بیان و عقیده و آزادی مطبوعات، دستگیریهای خودسرانه و حبس بدون صدور حکم و دادگاه، سختگیری و حمله دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی به روزنامه‌نگاران، نمایندگان، دانشجویان، مذهبپو و دانشگاهیان، بستن بی‌دلیل روزنامه‌ها و سایتهای اینترنتی، ممنوعیتهای ادامه‌دار گردهماییهای آزاد و حذف اجباری احزاب سیاسی به‌شدت ابراز نگرانی کرده است.

به‌دنبال تصویب این قطعنامه، خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران گفت هر چند این قطعنامه بخش کوچکی از جنایتهای رژیم آخوندی را دربرمی‌گیرد، با این حال یک داوری جهانی بر عدم مشروعیت این رژیم قرون‌وسطایی و مخرب بودن سیاست مداخلات با استبداد مذهبی حاکم بر ایران می‌باشد.

خانم رجوی، تصویب این قطعنامه را یک اذعان بین‌المللی به این حقیقت توصیف کرد که رژیم قرون‌وسطایی حاکم بر ایران هیچ‌گاه از اعدام و شکنجه و سرکوب دست برنمی‌دارد. این قطعنامه نشان می‌دهد شدت عمل در مقابل این رژیم، از جمله ارجاع کارنامه سیاه آخوندها به شورای امنیت ملل متحد برای اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا، یک اقدام کاملاً ضروری است.

مجمع عمومی ملل متحد با اشاره به «تبعیض سیستماتیک علیه زنان و دختران در قانون و در عمل»، از ادامه «تبعیض علیه اقلیتهای مذهبی... دستگیریهای خودسرانه و حبس، نابودی اماکن مهم مذهبی (اقلیتها)» و نیز اذیت و آزارهای مستمر از قبیل حبس در سلول انفرادی طولانی‌مدت خودسرانه و سیستماتیک در رابطه با مدافعان حقوق بشر، مخالفین سیاسی و مخالفین مذهبی ابراز نگرانی جدی کرده است.

خانم رجوی افزود، به‌رغم جنایات رژیم آخوندی، زد و بند سه کشور اروپایی با این رژیم از جمله حفظ مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا، نه تنها حاکمان خونریز را در ادامه نقض ابتدایی‌ترین حقوق مردم ایران تشجیع نموده، بلکه ارزشهای مقدسی را که ملت‌های اروپا برای پاسداری از آنها طی سده‌های گذشته میلیون‌ها قربانی داده‌اند، آشکارا لگدمال می‌کند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، اول‌دی ۱۳۸۳ - ۲۱ دسامبر ۲۰۰۴).

## دو حلق آویز و سه حکم اعدام در یک روز

«قضاییهٔ رژیم آخوندی طی روز ۶ دیماه، دو زندانی را حلق آویز و سه زندانی دیگر را به اعدام محکوم کرد.

به گزارش روزنامهٔ حکومتی روشنگری ۷ دیماه، روز یکشنبه، یک جوان به نام محمد رضا در ملاعام در خیابان مهری شمالی در بلوار هدایت در شهر مشهد خراسان به دار آویخته شد.

در همین روز دژخیمان رژیم یک جوان دیگر به نام مصطفی در منطقه دوست آباد جاده قدیم قوچان را در ملاعام به دار آویختند.

روزنامهٔ شرق نیز روز یکشنبه نوشت یک مرد ۴۸ ساله به اتهام قتل همسرش توسط شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران به اعدام محکوم شد.

روزنامهٔ اعتماد مورخ ۶ دیماه از صدور حکم اعدام برای ایمان فرخی، که به هنگام دستگیری ۱۷ سال داشت و هم‌چنین فردی به نام علیرضا، توسط دادگاه جنایی تهران، خبر داد.

استمرار اعدامها در ایران به روشن‌ترین وجهی بی‌اعتنایی کامل آخوندهای ضدبشری به محکومیت‌های گستردهٔ نقض حقوق بشر در ایران توسط جامعهٔ بین‌المللی را به‌نمایش می‌گذارد. هفته گذشته مجمع عمومی ملل متحد، رژیم ضدبشری آخوندی را به‌خاطر نقض وحشیانهٔ و سیستماتیک حقوق بشر محکوم کرد.

مقاومت ایران بار دیگر بر ضرورت ارجاع کارنامهٔ سیاه آخوندها به شورای امنیت ملل متحد برای اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا برای جلوگیری از روند فزایندهٔ اعدامها تأکید می‌کند» (دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران، ۸ دی ۱۳۸۳ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۴).

## اول بهمن ۸۴:

حکومت آخوندی جوانی را که به هنگام دستگیری ۱۷ سال داشت به دار آویخت

«به‌نوشتهٔ روزنامه‌های حکومتی، فرخ ایمانی، جوانی که به‌هنگام دستگیری در

سال ۲۰۰۰ تنها ۱۷ سال داشت، صبح روز گذشته در زندان اوین تهران به دار آویخته شد. همزمان ۲ زندانی دیگر به اسم ولی الله زارعیان و داوود باقری در زندان اوین حلق آویز شدند.

ایمان فرخی در حالی که در یک تفریحگاه کوهستانی در شمال تهران در اکتبر ۲۰۰۰ مورد تهاجم مأموران نیروی انتظامی قرار گرفته بود، در دفاع از خود، یکی از آنان را از پای در آورد. وی در آن زمان ۱۷ سال داشت.

هفته گذشته رژیم آخوندی اعتراف کرد که حداقل ۳۰ زندانی در حال حاضر در زندانهای تهران و رجایی شهر کرج در انتظار اجرای حکم اعدام به خاطر جرایمی که در سنین زیر ۱۸ سال مرتکب شده‌اند، می‌باشند.

مقاومت ایران توجه مراجع و سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به‌وخامت فزاینده وضعیت حقوق بشر در ایران و به‌ویژه اعدام نوجوانان جلب می‌کند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۰ ژانویه ۲۰۰۵).

### ۱۳ اسفند ۸۳:

## دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران بر ضرورت تعیین نماینده ویژه برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران تأکید کرد

«دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران با صدور اطلاعیه‌ی ضمن اعلام این که طی سه ماه گذشته ۶۵ مورد حلق آویز و صدور حکم اعدام در ایران صورت گرفته است بر ضرورت تعیین نماینده ویژه برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران توسط کمیسیون حقوق بشر تأکید کرد. متن اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران به این شرح است:

رژیم ضدبشری آخوندی از ابتدای ماه دسامبر تاکنون، حداقل ۲۳ زندانی را در شهرهای مختلف ایران حلق آویز و ۴۲ زندانی دیگر را به اعدام محکوم کرده است. این حلق آویزها و محکومیتها در شهرهای تهران، اسلامشهر، پاکدشت، ورامین، عباس‌آباد، نوشهر، ساری، مشهد، سمنان، طبس، دوست‌آباد، اصفهان، جیرفت، بندرعباس، زابل، زاهدان، اهواز و خوی صورت گرفته‌اند.

در حال حاضر، حداقل ۳۰ نوجوان و ۱۵ زن در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برند.

یک زن جوان ۲۱ ساله به نام طیبه ساری زاده که چند سال است به اتهام قتل در زندان به سر می برد، قرار است به زودی اعدام شود.

مقاومت ایران بار دیگر سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر، به ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد را به محکوم کردن روند مستمر اعدامها در ایران فرا خوانده و خواستار ارائه یک قطعنامه شدیدالحن در اجلاس آتی این کمیسیون و تعیین نماینده ویژه‌ی برای نظارت بر وضعیت وخامت بار حقوق بشر در ایران می باشد (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، سوم اسفند ۱۳۸۳ - ۲۱ فوریه ۲۰۰۵).

### ۲۹ تیر ۸۴:

**در پی اعدام یک نوجوان زیر ۱۸ سال و یک نوجوان ۱۸ ساله در مشهد مقاومت ایران خواستار محکومیت جهانی رژیم آخوندی شد**

«دژخیمان رژیم آخوندی، صبح دیروز ۲ نوجوان را در میدان عدالت مشهد، در ملأعام حلق آویز کردند. یکی این دو قربانی، ۱۸ ساله بود و دیگری کمتر از ۱۸ سال سن داشت.

قبل از اجرای احکام اعدام به هر یک از قربانیان ۲۲۸ ضربه شلاق زدند. مجریان این احکام ضدبشری در وحشت از شناسایی توسط مردم، صورت‌های خود را کاملاً پوشانده بودند و پاسداران ضدشورش تمامی منطقه را تحت کنترل داشتند تا از بروز اعتراضات اجتماعی جلوگیری کنند. یکی از اتهامات قربانیان اخلاف در نظم عمومی است. آنها از ۱۴ ماه قبل در حبس به سر می برند و در زمان ارتکاب جرمهای انتسابی ۱۶ ساله بوده‌اند.

روند فزاینده اعدامهای خیابانی و از جمله اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال در شرایطی است که اتحادیه اروپا سه سال است از ارائه قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران به کمیسیون حقوق بشر امتناع کرده و به جای آن با جلادان حاکم بر ایران، باب «گفتگوی حقوق بشر» گشوده است. اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال یکی از ثمرات این گفتگوی ننگین است.

اعدام وحشیانه دو نوجوان در مشهد درست ۲۴ ساعت قبل از شروع مذاکرات نماینده آخوندها با ۳ کشور اروپایی در لندن صورت گرفته است. سکوت در مقابل

این جنایت فجیع و ادامه گفتگو با این رژیم پایمال کردن همه ارزشهایی است که ملت‌های اروپا قرن‌ها برای کسب آنها مبارزه کرده و میلیون‌ها قربانی داده‌اند. شورای ملی مقاومت ایران با تأکید بر این که این اعدام‌ها نقض فاحش اعلامیه جهانی حقوق بشر و بسیاری از میثاق‌های بین‌المللی است، خواستار محکومیت جهانی رژیم آخوندی و تعیین یک گزارشگر ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران توسط کمیسیون حقوق بشر ملل متحد شد و از اتحادیه اروپا خواست هر گونه گفتگو با این رژیم قرون وسطایی را بلادرنگ متوقف کنند و اجازه ندهند این رژیم ارتباطات با این اتحادیه را پشتوانه مشروع جلوه‌دادن جنایاتش کند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۲۹ تیر ۱۳۸۴ - ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۵).

## چند گزارش تکاندهنده در مورد اعدام نوجوانان

### در آستانه اعدام

«لیلا با صدای بسته شدن در حیاط از خواب پرید، به رختخوابهایی که به ردیف تنگ هم در تنها اتاق خانه پهن شده بود به دقت نگاه کرد. جای مادر در کنار پدر روی بالش خالی بود، به آرامی از روی چهار برادر که در کنارش خوابیده بودند طوری رد شد که آنها را بیدار نکند، دست و رو نشسته با همان موهای ژولیده جلو در، به انتظار بازگشت مادر نشست.

ساعتی بعد مادرش با دمپایی پاره‌اش از راه رسید. لقمه‌یی از نان تازه را به دست لیلا داد و برعکس همیشه که برای آوردن لیلا به خانه موهایش را می‌کشید دستی به نوازش بر سر دخترک کشید و با مهربانی گفت: «لیلا جون می‌خوام ببرمت یه جای خوب، پفک هم برایت می‌خرم...»

مادر با صابونی که تنها برای میهمانی رفتن و ایام عید از صندوق گوشه اتاق بیرون می‌آورد، دست و صورت و بدن لیلا را در هوای سرد پاییزی در دستشویی گوشه حیاط با آب کتری شست و با چادر کهنه‌اش او را خشک کرد، سپس پیراهن قرمز دست دومی را که برایش خریده بود بر اندام زیبای لیلا پوشاند. لیلا فقط هشت سال داشت اما نشانه‌های بلوغ زودرس از او دختری دوازده، سیزده ساله ساخته بود.

مادر به سختی و با شتاب موهای گره خورده خرمایی رنگ لایلا را شانه زد، گونه‌های برجسته دخترک از سایش محکم لیف بر صورت گل انداخته بود و به پوست سفید صورتش زیبایی بخشیده بود.

مادر چادر مرطوب را بر سر انداخت، دست لایلا را کشید و با هم از خانه بیرون رفتند. ساعتی بعد لایلا خود را همراه با مادر در خانگی مجلل یافت. خانگی زیبا اما محصور در حصارهای فلزی بلند. لایلا غرق در زیبایی خانگی بود که مادر او را به داخل خانگی فراخواند، لحظه‌یی بعد او را با مردی که هم سن پدر اما لباسی فاخر و سر و وضعی آراسته داشت تنها گذاشت. لایلا از چشمان دریده و نفسهای تند مرد وحشت کرد، می‌خواست با مادر اتاق را ترک کند که متوجه پیچاندن کلید در قفل توسط مادرش شد.

چرا مادر او را با آن مرد غریبه تنها گذاشت؟ هیچ کس در آن ساعات اولیه صبح از پشت آن دیوارهای سنگی و حصار فلزی صدای عروسک بلورینی را که زیر ضربات سهمگین پتک فقر یک انسان و بوالهوسی و افزون خواهی انسان دیگر در هم می‌شکست، نشنید.

از آن روز به بعد هر روز لایلا با مادر از خیابانهای بالای شهر و پایین شهر می‌گذشت و با باز شدن در هر خانگی، تنها وارد می‌شد. او دیگر حتی بر نمی‌گشت تا رفتن مادر را به نظاره بنشیند و هر گاه که در زیر چنگالهای بی‌رحمانه خفاشان قرار می‌گرفت با خود می‌اندیشید شاید این هم نوعی از بازی خصمانه بزرگان باشد، لایلا تازه وارد ۹ سالگی شده بود که تجربه مادر شدن و اولین ستیزه‌های تازیانه (صد ضربه شلاق) را آزمود، خانوادگی او را در ۱۲ سالگی به یک مرد افغانی با دریافت مبلغی به‌عنوان صیغه واگذار کردند. لایلا این بار نه توسط مادر که با فرمان آمرانه مادر شوهر در تجارت یک سویه جسمش به حراج گذاشته شد. او در ۱۴ سالگی برای دومین بار پس از تحمل ۱۰۰ ضربه شلاق به زایشگاه منتقل و فرزندان دوقلویش را به دنیا آورد. پس از پایان دوران اولین صیغه، لایلا بار دیگر توسط خانوادگی او در بازار بی‌رحمانه معامله جسم و شهوت به‌فروش رسید، آخرین تصاحب‌کننده روح و جسم لایلا مردی ۵۵ ساله صاحب همسر و دو فرزند بود که از مشتریان لایلا در منزلش پذیرایی می‌کرد. عاقبت در یکی از روزهای سرد پاییزی در روزنامه‌ها نوشتند دختری ۱۸ ساله که سرکرده باند فحشا بود، در شهر اراک دستگیر شد!



دادگاه لیلا خیلی زود تشکیل و قاضی شعبه ۲۵ پس از بررسی پرونده و اعترافات متهم او را به تحمل شلاق و اعدام محکوم کرد و رأی قاضی جهت تأیید به تهران فرستاده شد. وکیل لیلا با ارسال دو دادخواست مبنی بر اظهار ندامت او از دادگاه تقاضای فرجام خواست اما...؟

برای دیدن دختری که در سن ۱۸ سالگی به جرم فحشا محکوم به اعدام شده و به دلیل داشتن پرونده سنگین، مسئولان زندان نسبت به ملاقات او سختگیری خاصی اعمال می کردند، بسیار دوندگی کردم. روزی که عاقبت با نامه قاضی پرونده برای دیدنش، در سنگین فلزی زندان به رویم گشوده شد، انتظار دیدن دختری زیرک را داشتم که هوشیارانه در بازار تجارت جسم وارد شده است. وقتی لیلا با چادر سیاه، روسری سفید و لباسهای چند رنگ با آستینهای کوتاه و بلند وارد اتاق مددکار شد، باورم نمی شد که آن دختر، لیلا باشد، نگاهی معصومانه داشت. وقتی از داستان زندگیش، زجرهای دوران کودکی و به دنیا آمدن دختران دوقلویش برایم می گفت سادگی کلامش مرا وادار به سکوت کرده بود. از او پرسیدم از مشتریان چقدر پول می گرفتی؟ لبخندی تلخ بر لبانش نشست و با لحنی کودکانه گفت: من که هیچ وقت پول نمی گرفتم، هر بار که با مادرم می رفتم برایم آدامس، آب نبات، پفک و ... می خرید، نمی دانم شاید مادرم یا همسران صیغه ییم پول می گرفتند من که چیزی نمی دیدم.

«لیلا. م» ۱۸ ساله به جرم اشاعه فحشا، ارتباط نامشروع، زنا با محارم محکوم به اعدام شده، این در حالی است که مددکاران زندان بارها از او تست هوش گرفته اند و هر بار با پاسخی یکسان روبه رو شده اند. دختری ۱۸ ساله با ضریب هوشی بین هفت تا هشت ساله، دختری که قربانی خواسته های طمعکارانه خانواده اش شده، سرکرده بانده فحشایی که در این مدت ۱۰ سال هیچ چیز عایدش نشده نه لذت، نه ثروت، نه اندوخته بانکی و نه ... لیلا بازیچه یی بود در دستان بیرحم مادر، پدر، برادر، همسران صیغه یی و بوالهوسان سیری ناپذیر. سهم لیلا در این تجارت یکسویه درد، زجر و ... مرگ در پای چوبه دار است.

لیلا حتی یکبار برای بررسی وضعیت روانی به پزشکی قانونی معرفی نشده و صرفاً با بیان مستقیم او به ارتکاب جرم، قاضی پرونده به صدور رأی اعدام حکم داده است. همه مسئولان زندان، دادگاه و ... متفق القول خواستار محو لیلا از گردونه هستی

هستند. آنها می‌گویند لایلا به این کار اعتیاد پیدا کرده و آزادی او برابر است با تولد دهها لیلای دیگر!

آنها هرگز از خود نپرسیدند پس از آن که لایلا در سن ۹ سالگی ۱۰۰ ضربه تازیانه را بر اندامش تحمل کرد مسئولان حقوقی، انتظامی، بهزیستی، بنگاههای خیریه و امداد و ... برای نجات او از مسلخ رفتن چه کردند و بار دیگر که در ۱۴ سالگی ضربات شلاق بر پیکرش هاشوری از درد و زخم آفرید باز هم کسی از خود نپرسید چرا بار دیگر؟

مرگ لایلا در پای چوبه‌دار یعنی پاک کردن علامت سؤال به جای پاسخ دادن به آن، پاک کردن علامت سؤال پاسخ مناسبی برای معمای لایلا، عاطفه و ... نیست. مددکار به ساعتش نگاه می‌کند، وقت تمام شد. وقتی می‌خواهم ترکش کنم از او می‌پرسم آرزویت چیست؟ می‌گوید: نمی‌دانم قاضی من را ببخشد و از اعدام بگذرد و آزاد شوم و ... دیگر نمی‌دانم. می‌پرسم اگر دوباره اجازه بدهند به ملاقات بیایم چه چیز برایت بیاورم؟ با همان لبخند تلخ می‌گوید ... یک بسته پفک و چند شکلات کاکائویی.

لیلای ۱۹ ساله که ۱۱ ماه است در حصار میله‌های زندان به سر می‌برد و در این مدت من تنها ملاقات کننده‌اش بوده‌ام، از من هیچ نمی‌خواهد، او هوس پفک کرده است. او از من تقاضای درخواست برائت از دادگاه را ندارد. لایلا رؤیای کودکی گمشده‌اش را از من طلب می‌کند».

(گزارشی از زهره ترکمانی - اراک - نقل شده از روزنامه حکومتی اعتماد)

۱۲ آبان ۸۳)

## عاطفه ۱۶ ساله اعدام شد

عاطفه سهاله، دختری که در تاریخ ۲۵ مرداد ۸۳ در شهرستان نکا اعدام شد، به‌رغم آن که سن قانونیش در حکم اعدام و گواهی فوت ۲۲ ساله نوشته شده، ۱۶ سال بیشتر نداشت.

صفرعلی سهاله، پدر عاطفه در گفتگو با سایت زنان ایران با نشان دادن شناسنامه خود که در آن سال تولد دخترش عاطفه ۱۳۶۶ ثبت شده، از تنظیم شکایتی علیه حکم

اعدام عاطفه خبر می‌دهد.

هم‌چنین در رونوشت وفات عاطفه که در سازمان ثبت احوال کشور با شماره ۱۳۴۸۶۳۵/۹ ف) ثبت شده، سال تولد وی ۱۳۶۶ عنوان شده است.

حکمی که توسط شعبه یکم دادگستری شهرستان نکا صادر، در دادگاه تجدید نظر تأیید و براساس آن عاطفه به مجازات اعدام محکوم شد، حاکی است که عاطفه چندین فقره سابقه محکومیت کیفری با حد جلد داشته و برای بار چهارم به زنا غیر محصنه اقرار کرده است.

اعدام زیر ۱۸ سال

ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار، حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم اعدام خواهد شد.

اما شادی صدر که وکالت پدر عاطفه را برای تنظیم شکایت نسبت به حکم اجرا شده عاطفه و تقدیم آن به دادگاه کیفری استان تهران پذیرفته است، می‌گوید: «ما تحقیقاتی را درباره پرونده‌های قبلی و احکام صادر شده قبلی انجام می‌دهیم تا یقین پیدا کنیم که حکم عاطفه همه شرایط تصریح شده در قانون را دارا بوده است» و ادامه می‌دهد: با توجه به این که عاطفه اعدام شده و متأسفانه فرصتی برای تجدید نظر خواهی نیست، تنها راه باقیمانده این است که از قاضی پرونده شکایت کنیم. چون ما فکر می‌کنیم که ممکن است قاضی در این باره اشتباه کرده باشد.

وی در پاسخ به این که دلیل این که فکر می‌کنید قاضی اشتباه کرده چیست، می‌گوید: «چند دلیل برای این منظور وجود که به نظر می‌رسد قاضی به چند نکته توجه نکرده و متأسفانه نه در دادگاه بدوی و نه در مرحله تجدید نظر به آن توجه نشده است».

نکته اولی که صدر به آن اشاره می‌کند شناسنامه عاطفه و پدرش و گواهی سند ثبت احوال است که همگی حکایت از ۱۶ ساله بودن عاطفه دارند. درحالی که رویه موجود قضایی این است که معمولاً اعدام افراد زیر ۱۸ ساله‌یی را که به اعدام محکوم می‌شوند، تا بعد از ۱۸ سالگی آنها به تعویق می‌اندازند.

نسرین ستوده (حقوقدان) نیز روز ۱۷ شهریور به سایت ایسنا گفته است: دولت جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات بین‌المللی خویش در پاسخ به اعتراض مجامع بین‌المللی و مبنی بر در نظر نگرفتن سن کودکی در زمان ارتکاب جرم به این موضوع

اشاره کرده است که حکم اعدام این کودکان پس از رسیدن آنها به سن ۱۸ سال تمام، اجرا می‌شود.

اما شیرین عبادی، وکیل دادگستری انتقاد را متوجه قضات و قوه قضاییه نمی‌داند. او در مصاحبه‌یی که روز ۱۷ مرداد در ایسنا منتشر شده با انتقاد از مسئولیت کیفری موجود در قوانین مدون گفته است: «با توجه به قوانین موجود اگر دادگاهها حکم اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال صادر می‌کنند، کاری خلاف قانون انجام نداده‌اند. زیرا قوه قضاییه جز اجرای قانون کار دیگری نمی‌تواند و حق ندارد انجام دهد».

و اضافه می‌کند: «البته شیوه دادرسی در دادگاههای اطفال این است که با رانت با کودکان برخورد کرده و برای آنها مجازات جایگزین اعمال می‌کنند. اما متأسفانه چون این مجازاتهای جایگزین در قانون پایگاهی ندارد، همگی در دادگاه تجدیدنظر یا در اجرای احکام شکسته می‌شود».

عبادی تصریح می‌کند: «مجازات جایگزین، زمانی اعتبار پیدا می‌کند که در سیستم قانونی ایران وارد شود».

البته در مورد پرونده عاطفه سهاله اعدام او در سن ۱۶ سالگی موضوع دوم گزارش است زیرا مسأله اول اعلام و انتشار خبر ۲۲ ساله بودن او است.

شادی صدر، وکیل دعاوی پدر عاطفه سهاله معتقد است که چون در حکم اعدام، عاطفه ۲۲ ساله معرفی شده است، درحالی که باقی سبج احوال او را ۱۶ ساله می‌داند، بنابراین باید مشکلی در این باره وجود داشته باشد و ادامه می‌دهد: من احتمال می‌دهم اگر مراجع تجدیدنظر علم به ۱۶ سالگی عاطفه داشتند، ممکن بود که اجرای حکم به تعویق بیفتد.

## جنون ادواری

نکته دوم قابل پیگیری در پرونده عاطفه، ادعای مکتوب عاطفه در زندان در اعتراض به حکم نخستینش است که در آن خود را مبتلا به جنون ادواری می‌داند. شادی صدر در این باره می‌گوید: «تحقیقات محلی نیز نشان می‌دهد که عاطفه از سلامت عقلی کامل برخوردار نبوده است درحالی که متأسفانه دادگاه چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر به این مسأله توجه نکرده است. در غیر این صورت باید گزارش پزشکی قانونی و نتیجه معاینات پزشکی و در حکم نوشته می‌شد».

درحالی که حکم فاقد این توضیح است.».

عاطفه سهاله در اعتراض به نخستین حکم خود نوشته است: «مدارک پزشکی (موجود) است که ثابت می کند عصب و روان ضعیفی دارم و در دقایقی از شبانه روز مختل المشاعر می شوم که هرگونه عمل مثبت یا منفی ممکن است از اینجانب بروز پیدا کند.».

در بخش دیگر این لایحه اعتراضی آمده است: «همه اهالی محل می دانند که ثبات روانی ندارم. آیا جنونی که بعضاً ادواری است و اینجانبه را در بر می گیرد و در آن لحاظ مجنون می شوم، نمی تواند مانع تصمیم گیری عقلانیم باشد؟»  
عاطفه در پایان این اعتراض مکتوب که خطاب آن به «ریاست محترم دیوانعالی کشور است، نوشته است: «علیهذا سابقه ام با توجه به ناقص بودن عقل و فکرم که از اینجانبه سؤاستفاده شده خراب است. فقط می توانم ادعایم را با شهادت گواهان محلی و تست پزشکی قانونی ثابت کنم.».

### صفرعلی فرزند نعمت

پدر عاطفه سهاله که به همراه پسرش محمدعلی برای دادخواهی به تهران آمده است مقابلم نشست است و برایم از زندگی خانوادگی و دربه دریهای عاطفه می گوید و بالاخره این که: در سه ماهی که دخترم در زندان بود من فقط ده دقیقه او را دیدم. البته صفرعلی کهنه فروشی دوره گرد است و حتی در شب اعدام عاطفه از اعدام دخترش با خبر نشده تا با او وداع کند یا در صحنه اعدام دخترش حضور یابد: شب اعدام عاطفه در خیابان زرندی کارگری می کردم. اما خواهر و پسر خواهرم در وقت اعدام او حاضر بودند.

صفرعلی هم چنین درباره شایعه دستکاری شدن قبر عاطفه بعد از دفن، می گوید: ما رسم داریم تا برای مرده مراسم سوم و هفتم نگرفته ایم، سر خاکش نمی رویم. برای عاطفه هم وقتی بعد از سوم سر خاک رفتیم، دیدیم قبر به هم ریخته است و آن را کنده اند. به پلیس خبر دادیم. گفتند: ما بررسی می کنیم. خودشان بررسی کردند و به ما گفتند جسد سالم است. ما چیزی ندیدیم. صفرعلی برای احقاق حق خود نامه یی نیز خطاب به قوه قضاییه نوشته و در آن دادخواهی کرده است.

## آخرین برگ

بر میزی که مقابل من است کارنامه‌های زمان تحصیل عاطفه را چیده‌ام. از معدل ۱۷/۱۶ شروع می‌شود به ۱۴/۶۷ و ۱۲/۳ و ۱۱/۶ و ... می‌رسد. در همه آنها نمره انضباط عاطفه کمتر از ۱۷ نبوده است و البته می‌دانم که این، متأسفانه سند محکمه‌پسندی در هیچ دادگاه بشری نیست.

عاطفه سالهای بعد از کودکی دیگر هرگز دلیلی برای نمره انضباط خوب داشتن پیدا نکرد. نه خانه، نه مدرسه و نه هیچ سقف ایمنی او را به زیستن جز آن چه شنیدیم ترغیب نکرد.

آخرین حرفی که پیش از اعدام به عمه‌اش گفت این بود که: اگر زنده‌ام بگذارند دیگر هرگز به چشم مرد نامحرم نگاه نمی‌کنم و خودش هم ندانست چرا این فرصت هرگز به او داده نشد!

آسیه امینی

## جمهوری اسلامی در آستانه سال نو در ایران قصد اعدام یک نوجوان ۱۸ساله را دارد

سیدمحمد میم دو سال قبل در جریان یک نزاع با همکلاسیهایش، درحالی که دوطرف دست به چاقو برده بودند، باعث مرگ یک نفر می‌شود. جمهوری اسلامی وی را دستگیر و روانه زندان بزرگسالان می‌کند. اکنون که دو سال از آن ماجرا گذشته و محمد ۱۸ساله شده، حکومت اسلامی قصد دارد که در سال نو در ایران، وی را اعدام کند.

چندی نیست که از اعدام عاطفه رجیبی می‌گذرد که دوباره حکومت جمهوری اسلامی تصمیم بر اعدام جوان دیگری گرفته است.

اعدام یکی از پلیدترین و قبیح‌ترین اعمال ضدانسانی است که در طول تاریخ به دست جباران و سیاستمداران بنا نهاده شده است، انسانهایی که بر مسند قدرت و سیاست تکیه زده‌اند.

در این میان وظیفه روزنامه‌نگاران و اهل فرهنگ و هنر برای مخالفت با اعدام به هر شکل و شیوه ممکن بسیار حیاتی است، در سالهای اخیر پس از سرکوبهای گسترده

سیاسی مخالفان و به خون کشیدن هر مبارزه که رژیم را به سرنگونی تهدید می کرد، تنها کسانی که توانسته اند بار مبارزه با بیداد و ستم را بر دوش بکشند اهل فرهنگ بوده اند، آنان چه در کسوت روزنامه نگار، نقاش، سینماگر، نمایشنامه نویس یا نویسنده یا حتی وبلاگ نویس همواره خود را در معرض خطر قرار داده اند تا چراغ راهی باشند برای دیگران، برای روشنگری در این شام تیره و برای دفاع از آزادی بیان، از همین رو است که بار دیگر اعدام با تمام وحشیگریش باید مورد توجه قرار گیرد، آن کسی که پیکر یک انسان را هر چند محکوم، بر بالای جراثقال می برد و به نمایش می گذارد جز مرگ و خشونت و نفرت حاصلی نمی برد و از همه مهمتر آن که باید همواره به خاطر سپرد که این محکومان جنایات و جرائم اجتماعی خود معلولی و نشانه هستند از بیماری جامعه در بحرانهای عمیقی که ریشه اصلیش همانا حاکمیت جمهوری اسلامی است که فقر، تبعیض، سربرآوردن عقده های جنسی، فساد، تباهی، فحشا و اعتیاد تنها ارمغان آن پس از ربع قرن برای مردم کشورمان بوده است.

حکومتی که سردمدار افتخارات و مباحاتی چون سنگسار، اعدام، زندان، شکنجه، شلاق، مثله کردن اعضا بدن، فقر، بیکاری، ناامنی، فاحشگی، اعتیاد، خودکشی و خودسوزی است، حال یکی شاهکارهایش اعدام عاطفه رجبی دختر شانزده ساله است.

با این پرونده سنگین و هزاران هزار جنایات دیگر، بدون هیچ شبهه یی تاریخ حکومت اسلامی ایران در دنیا به تاریخ جهل، خرافه، ناعدالتی، نابرابری، رشوه، تهمت، حکومت ظالم بر مظلوم، دیکتاتوری و آدم فروشی شناخته شده است. حکومتی که به جای تدریس علم، تاریخ و فلسفه در دانشگاهها به تدریس قرآن پرداخته است.

تاریخی که اعتراض چندین دانشجو بدل به جنبشی عظیم می شود، خیابانها به خون کشیده می شود، حاکمیتی که هزاران هزار جوان دانشجو و متخصص را در زندانهای و سیاهچالهای خود به قتل رسانده و در گورهای جمعی مدفون کرده است، حکومتی که مشتی آخوند بیسواد که شغل اصلی آنها نوحه و روضه خوانی است، خود را حافظ جان مردم تلقی کرده و به بهانه جانشینی خدا طناب بر گردن جوانها و نوجوانها انداخته و در این صورت خیال می کنند به وظیفه شرعی و الهی خود جامه عمل پوشانده اند.

تاسف آورتر این که شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل خود در جهت بقای

عمر جمهوری اسلامی و خرید آبرو برای آن تلاش می‌کند و با جسارت تمام مدعی است که اسلام مغایرتی با حقوق بشر و حقوق زن ندارد و این سؤال را باید خود پاسخ گوید که چگونه می‌توان احکامی چون سنگسار و نیمی از مرد تلقی کردن زن را مغایر با حقوق بشر ندانست؟ آیا او در این ربع قرن به واقع هیچ مغایرتی در عمل بین احکام اسلامی و حقوق بشر ندیده است؟

مگر عاطفه چه کرده بود؟ چه می‌خواست که جزای او به بالا رفتن گردنش بر طناب اعدام منجر شد؟

عاطفه تنها در دادگاه نقش مجرم را بازی کرد. مجرمی که مطیع و تسلیم بود. قاضی رأی بر اعدام عاطفه داد. این حکم پر از ضدیت است. ابتدا سن عاطفه ۱۶ سال و بعد سن او را توسط رسانه‌ها ۲۲ سال اعلام کردند.

این در حالی است که در قانون سن بلوغ پسر ۱۵ سال و دختر ۹ سال است. پس از نظر قانون چه در سن ۱۶ سالگی و چه در سن ۲۲ سالگی عاطفه بالغ محسوب می‌شده. پس چرا آنها سعی در ۲۲ ساله جلوه دادن این دختر ۱۶ ساله کردند.

البته مطابق گزارش اخیر سازمان عفو بین‌الملل لایحه قانونی حداقل سن اعدام ۱۸ سال، سال گذشته در مجلس شورای اسلامی مطرح و از طریق شورای نگهبان رد شد.

دختر ۹ ساله از لحاظ قانونی قابل مجازات اعدام است. در صورتی که همین دختر ۹ ساله از لحاظ قانونی حق گرفتن گذرنامه، افتتاح حساب بانکی، مالکیت خانه را تا رسیدن به سن ۱۸ سال را ندارد.

بنا بر گزارشها و گفته‌های والدین عاطفه و همسایگان، او دارای تعادل روحی نبوده است.

اگر چنین ادعایی حقیقت داشته باشد، مجرم شامل جزا نخواهد بود. ضمناً عاطفه در تمام مدت بازجویی، صدور حکم، تجدیدنظرخواهی و اجرای حکم، وکیل نداشته، در صورتی که وی بضاعت مالی هم نداشته دادگاه موظف بوده تا برای وی وکیل تسخیری اختیار کند.

در همین حال صلاحیت دادسرای شهرستان نکا برای بررسی پرونده زیر سؤال است زیرا بر طبق قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آن دادسرا صلاحیت رسیدگی به این پرونده و صدور حکم را نداشته است و پرونده باید به دادگاه استان



ارجاع داده می‌شد و با حضور پنج قاضی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و با تمام این موارد دیوانعالی کشور بدون در نظر گرفتن این موارد حکم اعدام را تأیید کرده است. در ابتدا ذکر شده است که عاطفه مجرد بوده و این در صورتی است که قاضی او را محکوم به زناى محصنه که زناى زن شوهردار است نموده این تضاد موجود در حکم که ابتدا او را مجرد اعلام می‌کنند ولی حکم زن شوهردار بر او جاری می‌شود مسأله‌ی است غیر قابل توضیح. اگر ما بپذیریم که عاطفه زنی شوهردار بوده و مرتکب زناى محصنه شده، مجازاتش سنگسار است و نه اعدام و چنانچه مرتکب زنا (بدون شوهر) شده مجازاتش فقط صد ضربه تازیانه است. از جهت دیگر در خبرها و رسانه‌ها درج شد که عاطفه رجبی اقرار به دایر کردن مراکز فساد کرده که در صورت صحت این ادعا او مجازات دیگری در پی داشت و اتهامش مربوط به جرایم ضدعفت اخلاق عمومی بوده است، حال با در نظر گرفتن تمام این نواقص و اضرار قانونی و اختیار تام و کامل قاضی، مردی که همراه با وی دستگیر شده بود تنها به صد ضربه شلاق محکوم و پس از اجرای حد آزاد شد.

از بقیه ماجرا همگی با خبریم، پس از اعدام عاطفه با پیگیریهای خانواده وی مشخص شد که قاضی دادگاه و چندین نفر از افراد نیروی انتظامی بارها به وی تجاوز کرده و پیش از صدور حکم اعدام وی نیز، عاطفه به صورت قاضی تف انداخته است و در نتیجه این کینه بوده است که قاضی شخصاً و قبل از این که عاطفه بتواند لب به سخن بگشاید خود طناب دار را بر گردن او می‌اندازد.

در واقع جمهوری اسلامی نه تنها گامی بر تصحیح و لغو این قوانین وحشیانه برنداشته بلکه اخیراً طی آییننامه‌ی نحوه اجرای این مجازاتها را مشخصتر کرده تا به تمام دنیا ثابت کند که این رژیم هیچ کم کسری از وحشیگری، خودخواهی درنده‌خویی و انتقامجویی ندارد، آییننامه مذکور آییننامه نحوه اجرای حکمهای قصاص، قتل، شلاق و اعدام است که در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۸۲ از طرف محمد اسماعیل شوشتری، وزیر دادگستری برای تصویب به سیدمحمد شاهرودی، رئیس قوه قضاییه تسلیم شد و در تاریخ ۵ مهرماه همان سال به تصویب و به روزنامه رسمی کشور ارسال شده است. نکته اساسی این است که این آییننامه را وزیر دادگستری که در کابینه آقای خاتمی عضویت دارد تهیه و برای تصویب به رئیس قوه قضاییه تقدیم کرده است و این در حالی است که مأموران رژیم جمهوری اسلامی در گفتگو با

مقامات غربی از بهتر شدن وضع حقوق بشر در ایران داد سخن داده‌اند و به آنها لغو مجازاتی مثل سنگسار را وعده داده‌اند. اینها همه خود گویای این ماجراست که آنها نه تنها قصد این کار را ندارند بلکه در حال تنظیم آییننامه‌یی بودند که خود این قوانین سندی دال بر قانون وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی است و این سند نشان می‌دهد که بر خلاف ادعاهای رهبران جمهوری اسلامی هم چنان این حکومت صحنه تأثر ضدانسانیت‌ترین شیوه مجازات دنیا است و با جهان مدرن امروزی و رعایت کردن حقوق بشر هیچ دوستی ندارد.

دولتمردان جمهوری اسلامی به خوبی واقف هستند که پس از اعدام این دختر ۱۶ساله، سازمانها حقوق بشر دست به اعتراض خواهند زد و قضیه به سطح جهانی کشیده خواهد شد اما مگر این اولین بار است که حقوق و قوانین بشر را نقض می‌کنند و با وقاحت و پررویی تمام دنیا را به مسخره می‌گیرند و با این اعمال وحشیانه ماهیت واقعی احکام و قوانین اسلامی را روشنتر می‌کنند.

رژیم جمهوری اسلامی خود به خوبی بر این امر واقف است که فقط با سرکوب، ایجاد ترس و وحشت می‌تواند بر سر کار بماند و باید از ابزارهایی مانند اعدام، شلاق، سنگسار، حمله به زنان، دانشجویان، کارگران و حمله به حریمهای شخصی استفاده کند.

و حالا باز باید منتظر منظره‌یی شنیع و غیرانسانی باشیم حالا نوبت محمد است تا جنازه‌اش از بالای دار به پایین آورده شود و دوباره لرزه‌یی بر وجود تمام ایرانیان در جهان افکنده شود.

بیایید یک بار دیگر رسالت هنرمند و اهل قلم را به خودمان یادآوری کنیم، بیایید این بار برای این که دیگر جانی توسط کسانی که خود مسبب این جنایات و مصائب هستند گرفته نشود قلم بر کاغذ ببریم، فیلمنامه یا نمایشنامه یا رمان بنویسیم و برای آن که به جمهوری اسلامی نشان دهیم که از حکومت مرگ خسته شده‌ایم، هر چه رساتر علیه مجازات اعدام فریاد برآوریم تا روزی که یکبار برای همیشه با سرنگونی جمهوری اسلامی ریشه تمام مشکلات اجتماعی و مسببهای جرائم اجتماعی از دل این میهن بدر آید.

(آزادی بیان - ۱۰ فروردین ۸۴)

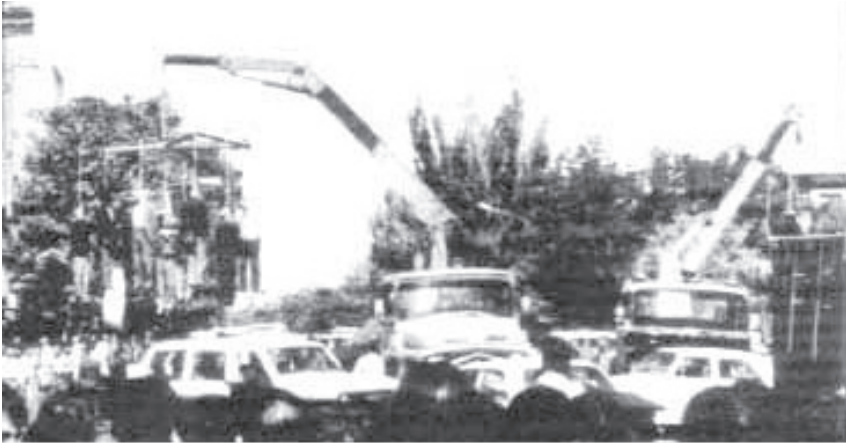
## زندانیان سیاسی یا «قاچاقچی موادمخدر»

طی ربع قرن که رژیم آخوندها با ارباب و تروریسم دولتی روزمره حکومت کرده در عرصه داخلی و بین‌المللی جز نفرت و انزجار نیندوخته‌اند و در عین حال که برای ارباب مردم به این اعدامها در ملأعام نیاز دارند، از انفجار خشم مردم و به‌ویژه ابراز سمپاتی اجتماعی نسبت به مجاهدین و سایر فعالان سیاسی درهراسند.

از سوی دیگر آخوندها مدعی‌اند که همه مخالفان خود را از میان برده‌اند و هیچ جریان و حرکت جدی علیه نظامشان وجود ندارد و به‌ویژه پس از قتل‌عام زندانیان مجاهد و مبارز در سال ۶۷ سران رژیم و به‌ویژه مسئولان قوه قضائیه‌اش اعلام کرده‌اند که در ایران زندانی سیاسی ندارند!؟

تاکنون بسیاری از اعدامهای وحشیانه و ضدبشری در ملأعام که به‌عنوان مجرمان قاچاق موادمخدر یا قتل و... صورت گرفته‌اند از فعالان سیاسی زندانی بوده‌اند، یا زندانیان مجاهد و مبارز را به‌صورت جمعی در میان سایر محکومان در ملأعام به‌دار آویخته‌اند. از جمله دو پزشک مبارز و از متخصصان برجسته ایران به نامهای دکتر طبیبی‌نژاد ۵۵ساله و دکتر فیروز صارمی ۶۰ساله در اسفندماه سال ۶۷ در ملأعام در تبریز به‌دار آویخته شدند. عکس این جنایت هولناک توسط یک خبرنگار خارجی افشا گردید.

برای مثال روز ۱۴ شهریور ۱۳۷۴ در خیابان کاوه اصفهان مهدی هاشمی، هوادار با



حلق آویز زندانیان سیاسی در ملایان

سابقه مجاهدین که یک تراشکار ۲۵ ساله بود در نزدیکی بیمارستان سوانح و سوختگی مورد تعقیب پاسداران رژیم قرار می‌گیرد. او در مقابل فرمان ایست پاسداران، فرار می‌کند اما بر اثر تیراندازی آنها زخمی شده و بر اثر شدت جراحات وارده به شهادت می‌رسد. رژیم برای فرونشاندن خشم مردم، این مجاهد را قاچاقچی مواد مخدر معرفی می‌کند.

روزنامه اطلاعات در ۱۰ بهمن ۱۳۶۷ اعلام کرد ۲۶ قاچاقچی مواد مخدر و سارق مسلح در ۴ شهر به دار آویخته شدند. در متن خبر آمده است: «۱۲ عضو باند جنایتکار عیاران به جرم سرقت مسلحانه، قتل و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم شهریار (شهرک قدس) به دار مجازات آویخته شدند» (کلیشه روزنامه در صفحه ۱۴۵).

این حکم از طرف دادگاه انقلاب اسلامی کرج صادر شده و به تأیید شورای عالی قضایی نیز رسیده بود. اما واقعیت این است که این ۱۲ تن، مجاهدینی بودند که در یک هسته مقاومت به نام «عیاران» گرد آمده و علیه رژیم خمینی مبارزه می‌کردند. آنان از اقلیت مذهبی اهل حق بودند. نام این شهیدان عبارت است از: صفی‌قلی اشرفی، دکتر صدرالله، امان‌الله و حیدر سیاه‌منصوری، غلامعلی، درویشعلی، یحیی، حیدر و بهرام تیموری، احمد زنگی، روح‌الله اشرفیان، قربانعلی درویشی و سیدحیدر نوری.

پیش از اینها دکتر غلامحسین رشیدی که از سرشناسترین افراد اهل حق در منطقه کرج بود، در سال ۱۳۶۲ دستگیر شده بود. در اواخر سال ۱۳۶۴ این هسته مقاومت دوباره

ضربه خورد و ۶۰ نفر در رابطه با آنان دستگیر شدند. در میان اعدام‌شدگان دو پزشک، یک افسر هوانیروز، یک کارمند دانشگاه، چند دانشجو و دیپلمه وجود داشتند.

رژیم ضدبشری ملایان، هم‌چنین در تاریخ ۳۰ دی سال ۱۳۷۷ مهندس امرالله (حمید) رئیسی، هوادار مجاهدین را در میدان مرکزی شهر نهند به‌عنوان قاچاقچی موادمخدر به‌دار آویخت. امرالله ۴۲ ساله، فارغ‌التحصیل رشته معماری، متأهل و دارای چهار فرزند بود که در اوائل دهه ۱۳۶۰ به جرم هواداری از مجاهدین دستگیر شده بود و پس از تحمل شکنجه‌های فراوان به ۴ سال زندان محکوم شد. اما پس از آزادی از زندان به هواداری از مجاهدین و فعالیت‌هایش در این مسیر ادامه داد. جلدان رژیم آخوندی، بار دیگر امرالله را دستگیر و پس از شکنجه‌های بسیار به‌دار آویختند.

نمونه دیگر، مجاهد شهید علی اکبر علائینی است. وی را در عملیات فروغ جاویدان مجروح و بیهوش دستگیر کردند و مدت یکسال زیر شکنجه‌های وحشیانه بردند. سرانجام روز ۲۸ خرداد سال ۱۳۶۸ او را برای اعدام به یکی از محله‌های تهران -پل سیمان- بردند تا به نام قاچاقچی موادمخدر حلق‌آویز کنند اما این مجاهد هنگام اعدام فریاد زد: من علی اکبر علائینی، مجاهد خلقم و قاچاقچی نیستم.

۱۷ آبان ۷۹:

## اعدامها و اعمال مجازاتهای غیرانسانی در ایران ادامه می‌یابد

۱۱۸۷ اعدام در سال ۲۰۰۰

به‌نوشته روزنامه جمهوری اسلامی در روز ۱۷ آبان، رژیم ملایان، فردی به‌نام محمد دوست محمدی را به اتهام «سلب امنیت داخلی»، «درگیریهای متعدد با مأموران» و «تحریک زندانیان به جوسازی و ایجاد اغتشاش»، در تهران به‌دار آویخت. روزنامه ایران نیز در روز ۱۰ آبان، خبر داد که مهرعلی کیادلیری به اتهام قتل عمد در کلاردشت به‌اعدام محکوم شد.

به‌این ترتیب، شمار اعدام‌های اعلام شده در سال ۲۰۰۰ به ۱۸۷ مورد بالغ می‌گردد. روزنامه جمهوری ۱۷ آبان هم‌چنین از قطع انگشتان دست یک مرد ۴۲ ساله به‌نام علی اصغر به اتهام سرقت در گلپایگان خبر داد. چهار انگشت دست این فرد با گیوتین در ملأعام قطع شد.

مقامهای قضایی و انتظامی رژیم به دور مستمر بر لزوم تسریع اجرای احکام اعدام و دست و پا بریدن در ملأعام به منظور ایجاد جو رعب و وحشت تأکید می‌ورزند. آخوند هادی مروی، معاون اول قوه قضاییه، تصریح کرد: «نباید اجرای حکم قصاص آن قدر طول بکشد که هنگام اجرای آن مردم با از یاد بردن قتل و مقتول و جرم، برای قاتل گریه کنند» (جمهوری اسلامی، ۱۸ مهر ۷۹). امام جمعه شیراز نیز خطاب به قضات استان فارس گفت: «اگر پرونده "گستاخی" تحویلتان شد، "بی‌محابا" به آن حکم محارب بدهید. حکم خدا اعدام است. این افراد باید در ملأعام مجازات شوند تا عبرت دیگران بشود» (روزنامه ایران، ۱۳ شهریور ۷۹) (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۷ آبان ۱۳۷۹ - ۷ نوامبر ۲۰۰۰).

۱۹ آبان ۷۹:

### رژیم ضدبشری آخوندی یک پدر هوادار مجاهدین را اعدام کرد فرزند ۱۹ساله این پدر زیر شکنجه به قتل رسید

«رژیم ضدبشری آخوندی روز جمعه ۱۳ آبان، آقای محمد تهرانی، یک هوادار مجاهدین را تحت‌عنوان قاچاقچی موادمخدر در زندان گوهردشت کرج به دار آویخت. وی سالها در زندان اوین به جرم هواداری از مجاهدین تحت شکنجه‌های وحشیانه بود.

آخوندهای جنایتکار مابه‌ازای تحویل پیکر این شهید به خانواده‌اش تقاضای چند میلیون تومان پول کرده و به خانواده وی اخطار کرده‌اند که نباید برای وی مراسم سوگواری برگزار نمایند.

آقای تهرانی که اهل کرج بود، از سالها پیش از مجاهدین هواداری می‌کرد و چندین بار طی سالهای ۶۲ تا ۷۵ توسط وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران دستگیر و هربار برای مدت طولانی تحت شکنجه قرار گرفته بود. وی آخرین بار در سال ۷۵ دستگیر و به‌خاطر خودداری از موضعگیری علیه مجاهدین به‌اعدام محکوم شد.

سعید تهرانی، فرزند ۱۹ساله آقای تهرانی نیز که سمپاتیزان مجاهدین بود، قبلاً توسط مزدوران وزارت اطلاعات و سپاه ربوده شده بود. چهل روز پیش جسد مثله شده و به شدت شکنجه شده وی در حالی که فکش شکسته و گلوله‌یی هم به مغزش شلیک

شده بود، در پشت باغ محل سکونتشان در کرج پیدا شد. مقاومت ایران مراجع بین‌المللی مدافع حقوق بشر و وجدانهای آزاد بشری را به محکومیت این جنایت سبعانه توسط رژیم قرون وسطایی ملایان فرا می‌خواند» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۹ آبان ۱۳۷۹ - ۹ نوامبر ۲۰۰۰).

۱۹ آبان ۷۹:

## محاكمه و اعدام زندانیان سیاسی به اتهام جرایم عادی

«روز چهارشنبه، ۱۸ آبان ۷۹، در جریان ارائه طرح موسوم به «جرایم سیاسی» به مجلس آخوندی، یکی از نمایندگان این مجلس به نام میثم سعیدی اعتراف نمود: «در دادگاهها شاهد محکوم شدن شهروندانی هستیم که اتهاماتشان سیاسی است، ولی با پوشش دیگری محاکمه آنها انجام می‌شود».

مقاومت ایران پیش از این براساس اطلاعات موثق و تأیید شده، بارها اعلام کرده است که دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران به منظور فرار از محکومیت‌های جهانی جنایاتش، زندانیان سیاسی را به اتهام جرائم عادی از جمله «قاچاق مواد مخدر» اعدام می‌کند. در آخرین مورد، جمعه گذشته، ۱۳ آبان، رژیم آخوندی محمد تهرانی، یک هوادار مجاهدین را پس از ۵ سال زندان و شکنجه‌های وحشیانه، به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان گوهردشت کرج به دار آویخت.

پیشتر، روزنامه دولتی «آفتاب امروز» در تاریخ ۱۵ دی ۷۸ به نقل از علی میرخلیلی، یک نماینده مجلس رژیم، که در جلسه این مجلس سخن می‌گفت، نوشته بود: «نیروی انتظامی به بهانه‌های مختلف مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و برخی مأموران مردم را به بهانه اعتیاد و قاچاق کالا مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. هر کس را که کشتند با گفتن یک کلمه که مقتول قاچاقچی است، قتل او را توجیه می‌کنند».

وی افزود: «مردم علاوه بر فقر و گرسنگی به قاچاقچی بودن نیز متهم می‌شوند و تنها کسی که در این میان سود می‌برد، نیروی انتظامی است که رشوه می‌گیرد».

مقاومت ایران، توجه کمیسیون حقوق بشر، مجمع عمومی ملل متحد و دیگر ارگانهای مدافع حقوق بشر را به محاکمه و اعدام زندانیان سیاسی به اتهام ساختگی جرائم عادی جلب نموده و خواستار تشکیل یک هیأت بین‌المللی برای تحقیق پیرامون

این محاکمات که سالهاست در ایران صورت می‌گیرد، می‌باشد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۹ آبان ۱۳۷۹ - ۹ نوامبر ۲۰۰۰).

## اعدام ۴۲ زندانی در کرج

روزنامه آفتاب در روز ۱۰ بهمن اعلام کرد که طی دوماه گذشته ۲۲ زندانی در زندان رجایی شهر در کرج زیر عنوان «قاچاقچی مواد مخدر» اعدام شده‌اند. در همین خبر آمده است که ۲۰ زندانی دیگر نیز زیر همین عنوان در شهر یورماه در این زندان اعدام شدند. به این ترتیب، تنها در ۵ ماه گذشته، در یک زندان در شهر کرج ۴۲ نفر اعدام شده‌اند. یادآوری می‌شود همین روزنامه در تاریخ ۱۵ آدی سخنان علی میرخلیلی، نماینده مجلس رژیم را در جلسه رسمی مجلس نقل کرد که گفته بود «نیروی انتظامی به بهانه‌های مختلف مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و برخی مأموران، مردم را به بهانه اعتیاد و قاچاق کالا مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. هر کس را که کشتند با گفتن یک کلمه که مقتول قاچاقچی است، قتل او را توجیه می‌کنند».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت با صدور اطلاعیه‌یی در این باره اعلام کرد: مقاومت ایران ارگانهای بین‌المللی دست‌اندرکار مبارزه با مواد مخدر و هم‌چنین مجامع مدافع حقوق بشر را به محکوم کردن این جنایت فرامی‌خواند و از آن دسته از دولتهای غربی که زیر عنوان مبارزه با قاچاق مواد مخدر به حمایت سیاسی از این رژیم و ارائه امکانات نظامی و مالی به آن می‌پردازند، خواستار خاتمه دادن به این حمایتها می‌باشد.

۲ بهمن ۷۷:

## رژیم آخوندی یک هوادار مجاهدین را در نهاوند در ملأعام به دار آویخت

«به گزارش رسیده از نهاوند، رژیم ضدبشری آخوندی در ساعت ۵،۳۰ بامداد روز چهارشنبه ۳۰ آدی، یک هوادار مجاهدین، به نام امرالله (حمید) رئیسی، را در میدان مرکزی شهر نهاوند به دار آویخت.

شهید امرالله رئیسی، ۴۲ ساله، فارغ‌التحصیل رشته معماری، متأهل و دارای چهار



فرزند بود. او پس از انقلاب ضدسلطنتی به مجاهدین پیوست و به مبارزه با رژیم آخوندی برخاست. وی در سال ۶۴ دستگیر و به مدت چهار سال در زندان قزل حصار زیر شکنجه‌های وحشیانه درخیمان به سر برد. اما پس از آزادی از زندان به هواداری از مجاهدین و فعالیتهایش در این مسیر ادامه داد. جلاخان رژیم آخوندی، بار دیگر امرالله را دستگیر و پس از شکنجه‌های بسیار به اعدام محکوم کردند.

به گفته یکی از هم‌زمانش، شهید امرالله رئیسی، در واپسین روزهای قبل از شهادتش با یک بیت شعر نفرت خود را از آخوندهای حاکم بیان می‌کرد:

خواهم از شیخ کشی شهره این شهر شوم

خون صد شیخ به صد مست روا خواهم داشت

سرانجام رژیم ضدبشری خمینی در سحرگاه روز چهارشنبه ۳۰ دی امرالله را در میدان مرکزی شهر نهاوند تحت عنوان قاچاقچی موادمخدر به دار آویخت.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت در روز ۲ دی طی اطلاعیه‌یی در این باره اعلام داشت: طی ۱۸ سال گذشته، رژیم آخوندی در وحشت از عواقب داخلی و بین‌المللی روند مستمر اعدامهای ضدبشری، صدها تن از زندانیان سیاسی را با عنوان ساختگی قاچاقچی موادمخدر اعدام کرده است. تنها از آغاز ریاست جمهوری خاتمی، بیش از ۳۱۰ تن تحت عنوانهای مختلف اعدام شده‌اند و موج دستگیری و ناپدیدشدن مخالفان کماکان ادامه دارد» (دبیرخانه شورای ملی مقاومت، ۲ بهمن ۱۳۷۷ - ۲۱ ژانویه ۱۹۹۸).

**۲۶ قاچاقچی موادمخدر و سارق مسلح در ۳ شهر به دار آویخته شدند**

● کرج - خبرنگار اطلاعات: ۱۲ عضو پاندهاکنان میوزان، به جرم سرقت سلاح، تفل و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم در شهرهای زنهرک، شریک، به دار مجازات آویخته شدند.

● کازرس - خبرنگار اطلاعات: کرج، چکنی است: به حکم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان کرج و تأیید شورای عالی قضایی ۱۶ نفر به اعدام:

- ۱- مستغنی، اشرفی، فرزند محمدرضا (سرستیمان)
- ۲- رحیمی، نیوری، فرزند ابیژ، ۲۰ بهرام علی نیوری، فرزند نظری، ۱- بهرام علی نیوری، فرزند یوسفعلی، ۳۰ صهرآه سیامتنوری، فرزند رضا، ۱۶ سیدجعفر، نیوری، فرزند سید عباس، نام مستعار وحید، ۱۰ فلاطی، نیوری، فرزند علی

یکی از نمونه‌های اعدام مجاهدین اسیر تحت عنوان قاچاقچی (روزنامه اطلاعات، ۱۰ بهمن ۱۳۶۷)



شهیدان گروه عیاران که به عنوان قاچاقچی اعدام شدند



محمودرضا سعیدی  
۱۰ مرداد ۶۸ در شیراز اعدام شد



علی اکبر علائینی  
۲۸ خرداد ۶۸ در تهران در ملأعام  
حلق آویز شد



مخور چشمه سینده وار حق نظری بی خبر لر موندان یو خودور خبری  
نه پیلور نه سردور نادان سرسری بیلان لر صدقینان میدانه گلدی

صفی قلی اشرفی  
۱۸ بهمن ۶۷ در استادیوم ورزشی سرخه حصار کرج در ملأعام حلق آویز شد

### شماری از شهیدان که تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند

| ر | نام       | فامیل    | سن | تاریخ      | محل      | توضیحات   |
|---|-----------|----------|----|------------|----------|---|
| ۱ | ابوالحسن  | خواجهوی  |    | ۶۰۰۹۲۱     | بهشهر    | وی را در محلی به نام معدن شن به همراه یک قاچاقچی مواد مخدر و مجاهد شهید اسفندیار معتمدی تیرباران کردند        |
| ۲ | اسفندیار  | معتمدی   | ۱۶ | ۶۰۰۹۲۱     | بهشهر    | وی را در محلی به نام معدن شن به همراه یک قاچاقچی مواد مخدر و مجاهد شهید ابوالحسن خواجهوی تیرباران کردند       |
| ۳ | حسین      | فتاحی    | ۳۰ | سال ۶۲     | ساری     | رژیم وی را به عنوان قاچاقچی اعدام کرد   |
| ۴ | امیر      | خسروی    | ۲۸ | سال ۶۳     | قائمشهر  | رژیم تحت عنوان قاچاقچی او را اعدام کرد و به ازای هر گلوله ۵۰۰ تومان از پدرش گرفت او را در حیاط خانه دفن کردند |
| ۵ | حبیب الله | ریگی     |    | سال ۶۳     | بندرعباس | از عشایر مخالف رژیم بود که رژیم او را به جرم واهی قاچاق در ملاءعام حلق آویز کرد                               |
| ۶ | اهرابی    |          |    | تابستان ۶۳ |          | مجاهد خلق که رژیم او را تحت عنوان قاچاقچی اعدام کرده است  |
| ۷ | عباس      | رجب زاده | ۲۹ | دیماه ۶۳   | کرمان    | حلق آویز - رژیم اسم او را همراه با عده ای قاچاقچی از رادیو اعلام کرد  |

### شماری از شهیدان که تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند

| ر  | نام                | فامیل                | سن     | تاریخ  | محل                   | توضیحات   |
|----|--------------------|----------------------|--------|--------|-----------------------|---|
| ۸  | پرویز              | زند شیرازی           | ۶۶۰۷۲۰ | ۶۶۰۷۲۰ | کرج                   | در زیر شکنجه<br>به شهادت می‌رسد<br>شکنجه گران به هنگام<br>انتقال او به بیمارستان<br>می‌گویند که وی<br>قاچاقچی است ولی<br>پرویز فریاد می‌زند، من<br>مجاهد خلقم |
| ۹  | صفی قلیخان         | اشرفی                | ۲۹     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۰ | درویش علی          | تیموری               | ۳۲     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۱ | یحیی               | تیموری               | ۳۷     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۲ | احمد               | زنگی                 | ۲۵     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۳ | سیدحیدر<br>(و حید) | نوری                 | ۳۸     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۴ | روح‌الله<br>(ارسل) | اشرفیان              | ۳۹     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۵ | بهرام علی          | تیموری               | ۲۹     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۶ | حیدر علی           | تیموری               | ۳۵     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۷ | (امان الله (امین   | سیاه‌منصوری<br>خورین | ۲۹     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۸ | صدرالله            | سیاه‌منصوری<br>خورین | ۳۹     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۱۹ | غلامعلی            | تیموری               | ۳۱     | ۶۷۱۱۰۸ | کرج                   | گروه عیاران   |
| ۲۰ | محمد قلی           | ابراهیمی             | سال ۶۸ | رشت    | اعدام تحت نام قاچاقچی |   |

### شماری از شهیدان که تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند

| ر  | نام      | فامیل        | سن | تاریخ  | محل      | توضیحات   |
|----|----------|--------------|----|--------|----------|---|
| ۲۱ | علی      | سماواتی      |    | سال ۶۸ | همدان    | به عنوان قاچاقچی اعدام شد   |
| ۲۲ | محمد     | سماواتی      |    | سال ۶۸ | همدان    | به عنوان قاچاقچی اعدام شد   |
| ۲۳ | مراد علی | شمسی         |    | سال ۶۸ | زابل     | او را به جرم ارتباط با قاچاقچی اعدام کردند  |
| ۲۴ | ناصر     | علی محمد تقی | ۴۳ | ۶۸۰۲۱۱ | تهران    | رژیم او را به عنوان قاچاقچی اعدام کرد   |
| ۲۵ | شاهرخ    | شمس          |    | ۶۸۰۳۰۰ | همدان    | در زندان اسد آباد بوده هم چنین زندانی سیاسی دوران شاه بوده است رژیم وی را تحت عنوان قاچاقچی اعدام کرد |
| ۲۶ | شهرام    | قلی زاده     |    | ۶۸۰۳۲۷ | تهران    | بعنوان قاچاقچی اعدام شد   |
| ۲۷ | علی اکبر | علائینی      | ۳۰ | ۶۸۰۳۲۸ | کرمانشاه |   |
| ۲۸ | محمد علی | نوابی        | ۳۰ | ۶۸۰۴۲۹ | شیراز    | بعنوان قاچاقچی اعدام شد   |
| ۲۹ | حیب      | سلطانپور     | ۳۵ | ۶۸۰۵۰۰ | اصفهان   | در وسط شهر اصفهان با جراثقال بعنوان قاچاقچی حلق آویز می شود   |
| ۳۰ | زینب     | حسینی        |    | ۶۸۰۵۰۳ | تهران    | اعدام تحت نام قاچاقچی   |

### شماری از شهیدان که تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند

| ر  | نام                     | فامیل          | سن | تاریخ  | محل    | توضیحات  |
|----|-------------------------|----------------|----|--------|--------|--|
| ۳۱ | عبدالرضا                | سعیدی          |    | ۶۸۰۵۱۰ | شیراز  |  |
| ۳۲ | محمود رضا               | سعیدی          | ۲۳ | ۶۸۰۵۱۰ | شیراز  |  |
| ۳۳ | برات                    | خدادادیان      |    | ۶۸۰۵۱۶ | مشهد   | رژیم وی را به عنوان قاچاقچی اعدام کرد  |
| ۳۴ | سارا                    | علیزاده        |    | ۶۸۰۵۱۶ | تهران  | رژیم وی را به عنوان قاچاقچی اعدام کرد  |
| ۳۵ | رضا                     | قادری          |    | ۶۸۰۵۱۶ | تهران  | به عنوان قاچاقچی اعدام شد  |
| ۳۶ | احمد رضا<br>(پدر مصطفی) | جوان<br>شادلو  |    | ۶۸۰۵۲۶ | سیاهکل | وقتی پسرش مصطفی را می‌خواستند به عنوان قاچاقچی دار بزنند وی فریاد می‌زند که پسرم مجاهد است... بلافاصله پاسداران وی را برده و از آن پس هیچ خبری از او در دست نیست |
| ۳۷ | مصطفی                   | جوان<br>شادلو  | ۲۶ | ۶۸۰۵۲۶ | سیاهکل | رژیم وی را به عنوان قاچاقچی حلق آویز کرد   |
| ۳۸ | جعفر                    | ستاره<br>آسمان |    | ۶۸۰۵۲۶ | رشت    | به عنوان قاچاقچی اعدام شد  |
| ۳۹ | محمد                    | فزایی          |    | ۶۸     | تبریز  | او را به عنوان قاچاقچی در جلو پاسگاه سرورود تبریز حلق آویز می‌کنند   |
| ۴۰ | گلوله                   | متوفی          |    | ۶۸     | تهران  | به عنوان قاچاقچی اعدام شده است   |

**شماری از شهیدان که تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند**

| ر  | نام      | فامیل                | سن | تاریخ  | محل    | توضیحات   |
|----|----------|----------------------|----|--------|--------|---|
| ۴۱ | حسن      | سالاری<br>حاجی آبادی |    | ۶۹۰۶۰۱ | مشهد   | وی برادر مجاهد<br>شهید غلامرضا<br>سالاری است                                |
| ۴۲ | علی      | حمزه ای              | ۲۷ | ۶۹۱۲۰۱ | اراک   | رژیم وی را به عنوان<br>قاچاقچی اعدام کرد                                    |
| ۴۳ | کرامت    | نصیری                |    | ۷۲۱۱۰۷ | شیراز  |   |
| ۴۴ | نعمت     | نصیری                |    | ۷۲۱۱۰۷ | شیراز  |   |
| ۴۵ | جاوید    | دهقان                |    | ۷۲۱۱۰۶ | شیراز  | صدای مجاهد افشا<br>کرد  |
| ۴۶ | هدایت    | نصیری                |    | ۷۳۱۲۱۸ | شیراز  | رژیم اسم او را به<br>همراه ۳ نفر دیگر<br>به عنوان قاچاقچی<br>اعلام کرد      |
| ۴۷ | امراالله | رئیزی                |    | ۷۷۱۰۰۱ | نهادند | به عنوان قاچاقچی<br>در میدان مرکزی شهر<br>نهادند با جراثقال<br>به دار آویخت |





